

بسم الله الرحمن الرحيم

رویکرد نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا نسبت به
کاربرد هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده

زینب بابایی سالانقوچ





- سرشناسنامه : بابایی سالانقوج ، زینب (۱۳۶۲)
عنوان و نام پدیدآور : رویکرد نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا نسبت به کاربرد هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده / نویسنده: زینب بابایی سالانقوج
مشخصات نشر : تهران، آقایی، ۱۴۰۴
مشخصات ظاهری : ۱۹۴ صفحه رقعی
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۰-۲۴۱-۴
فهرست نویسی : فیبا
رده بندی کنگره :
رده بندی دیویی :
کتابشناسی ملی :



موسسه انتشارات آقایی

رویکرد نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا نسبت به کاربرد هوش مصنوعی

به عنوان مقام رسیدگی کننده

نویسنده: زینب بابایی سالانقوج

ناشر: نشر آقایی

چاپ: اول ۱۴۰۴

چاپخانه: یوتاب

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۸۸۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۰-۲۴۱-۴

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

نشر و پخش: تهران میدان انقلاب انتشارات آقایی

Www.Aghaepub.com تماس: 09124758603

فصل اول - مفاهیم، پیشینه و مبانی تحقیق.....	۱۴
فصل دوم - مولفه های حاکم بر بکارگیری هوش مصنوعی در جایگاه مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا.....	۶۱
فصل سوم - چالش ها و خلاءهای ناشی از بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده.....	۱۳۱
فصل چهارم - نتیجه گیری و پیشنهادها.....	۱۷۶
منابع.....	۱۸۷

پیش گفتار

هوش مصنوعی به عنوان تازه ترین تحول در نظام های قضایی به ویژه در کشورهای توسعه یافته محسوب می شود. البته در ارتباط با سطح استفاده از هوش مصنوعی در نظام های قضایی اختلاف نظر وجود دارد به نحوی که برخی معتقد به نظام قضایی تماما وابسته به هوش مصنوعی هستند در حالی که برخی دیگر، استفاده های موردی و محدود از هوش مصنوعی در روند قضایی را تصدیق نموده اند و علت این موضوع را نیز حفاظت از حریم خصوصی اصحاب دعوی می دانند.

این که در روند دادرسی های مدنی نیز بتوان از هوش مصنوعی استفاده نمود، سوالات مختلفی را به ذهن متبادر می سازد از جمله این که آیین بکارگیری هوش مصنوعی در روند رسیدگی های حقوقی چیست؟ در صورتی که از هوش مصنوعی به عنوان قاضی در فرآیند رسیدگی های حقوقی بتوان بهره برد، آیا همان شرایطی که برای قاضی اعلام شده است می توان در هوش مصنوعی به عنوان قاضی احراز نمود؟

نقش قاضی در فرآیندهای رسیدگی های حقوقی بسیار پیچیده است به

نحوی که علاوه بر کارکرد اصلی اش که حل و فصل اختلافات ارجاعی است، بایستی دارای قابلیت مدیریت پرونده های قضایی، تعاملات پیچیده با اصحاب دعوی و ذی نفعان آن و ... باشد. البته میزانی که قاضی در هر پرونده دخیل می شود بین نظام های حقوقی مختلف یکسان نیست و حتی در یک نظام حقوقی میان قضایای حقوقی، کیفری و اداری می تواند متفاوت باشد. (Soudin,2022:4) در این زمینه، البته اقداماتی تاکنون صورت گرفته است برای نمونه می توان به ((منشور اخلاقی اروپایی در ارتباط با استفاده از هوش مصنوعی در سیستم های قضایی و محیط های آن ها))

European Ethical Charter on the Use of Artificial Intelligence in Judicial Systems and their Environment منتشر شده است که در این زمینه، پنج وظیفه بنیادین را برای هوش مصنوعی در مقام قضایی قرار داده است که عبارتند از: ۱- احترام به حقوق بنیادین؛ ۲- بی طرفی، شفافیت و انصاف؛ ۳- استقلال؛ ۴- عدم تبعیض میان اصحاب دعوی؛ ۵- ایجاد امنیت قضایی و کیفیت ارائه خدمات قضایی. در نظام قضایی چین هم اکنون ربات های هوشمند تحت عنوان ((Xiofa)) وجود دارند که به عنوان قاضی هوشمند برای رسیدگی به ۳۰ هزار پرونده حقوقی به کار گرفته شده اند و تعداد صد عدد از آنها در حال حاضر استفاده می شود (Summitt,2022:19)

اگرچه این استدلال مطرح شده است که هوش مصنوعی به عنوان قاضی می تواند از بسیاری از محدودیت های قضات در رسیدگی های حقوقی از جمله

امکان جانبداری در امان باشد؛ اما بایستی گفت که هوش مصنوعی بر اساس الگوریتم‌هایی به تصمیم‌گیری می‌پردازد که برنامه ریزی شده است و حتی نمی‌توان از دو فناوری هوش مصنوعی که بر اساس الگوریتم‌های متفاوتی برنامه ریزی شده‌اند، انتظار داشت به یک راه حل یکسان در یک پرونده قضایی دست یابند.

در هر صورت، سؤالاتی در این تحقیق مطرح است که پاسخ دادن بدان‌ها، هدف کتاب حاضر است از جمله مهم‌ترین سؤالاتی که در این زمینه مطرح می‌شوند، این است که هوش مصنوعی در نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا چگونه می‌تواند به عنوان قاضی شناخته شود؟ و دومین سؤال این که آیا امکان بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی در نظام حقوقی ایران وجود دارد؟

در ایالات متحده، قانون اصلی در زمینه کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در قانونی تحت عنوان ((قانون مصونیت برای هوش مصنوعی))

The Immunity for Artificial Intelligence
(Act, 1993: para 18) گنجانده شده است که اولین بار در سال ۱۹۹۳

میلادی تصویب شده است و در ماده ۴ آن، امکان استفاده از هوش مصنوعی به عنوان قاضی فراهم شده است. البته همان گونه که از عنوان این قانون برمی‌آید، قاضی هوش مصنوعی در صورت صدور تصمیمات نادرست، خود دارای مسئولیت مدنی نبوده بلکه ارائه‌دهندگان و شرکت‌های توسعه‌دهنده آن دارای مسئولیت مدنی در این زمینه هستند.

سند دیگر در استفاده از هوش مصنوعی به عنوان قاضی در سندی تحت

عنوان ((چارچوب نوآوری سیف)) (SAFE Innovation Framework) (۲۰۲۳) مصوب کنگره آمریکا آمده است که تاکید می نماید که پنج اصل یعنی امنیت، پاسخ گویی، نوآوری، زیربنا بودن و توجیه پذیری بایستی در استفاده از هوش مصنوعی به عنوان قاضی رعایت شود به این معنا که در صورتی که هوش مصنوعی به عنوان قاضی استفاده شود، بایستی دارای ویژگی های فوق الذکر باشد.

تاکنون حداقل ۱۴ دادگاه فدرال رهنمودهایی در ارتباط با استفاده از هوش مصنوعی به عنوان قاضی منتشر ساخته اند و برخی به دلایل مربوط به عدم استقلال، آن را رد نموده اند و در برخی نیز این پیشنهاد ارائه شده است که هوش مصنوعی به عنوان قاضی مستشاری یا همان قاضی نشست در رسیدگی های حقوقی مورد استفاده قرار بگیرد.

کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در فرآیند رسیدگی های حقوقی در نظام حقوقی ایران یکی از موضوعات مهمی است که چالش های خود را دارد. به صورت کلی با توجه به اینکه شروطی هم چون بلوغ، عقل، اسلام، عدالت، ذکوریت، اجتهاد، طهارت مولد و ... به عنوان یک مساله مورد اجماع در میان فقهای امامیه مورد توجه قرار گرفته است، فلذا نمی توان در وهله اول هوش مصنوعی را به عنوان قاضی در نظام حقوقی ایران مورد پذیرش قرار داد. با این حال، با تدقیق بیشتر در آرای فقهی مشخص می گردد که دو دیدگاه می تواند در ارتباط با کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در فرآیند رسیدگی های حقوقی در نظام حقوقی ایران وجود داشته باشد. دیدگاه اول معتقد است که در صورتی که شخصی ماذون از سوی

قاضی در زمینه تطبیق احکام و مفاهیم بر مصادیق باشد و مصونیت از خطا و اشتباه نیز داشته باشد، می توان هوش مصنوعی را به عنوان قاضی در زمینه فرآیند رسیدگی های حقوقی مورد پذیرش قرار داد. به عبارت دیگر، این فقهاء بر این اعتقاد هستند که معیارهایی هم چون بلوغ، عقل، اسلام و ... را می توان در ارتباط با شخص ماذون که در اینجا هوش مصنوعی است، مفروض دانست. در مقابل، برخی دیگر، معتقدند که هرگونه توسعه در زمینه مفهوم قضاوت نیازمند حکم صریح حاکم شرع است و از آن رو که در شرایط فعلی، این چنین حکمی وجود ندارد؛ نمی توان آن را مورد پذیرش قرار داد.

در نتیجه گیری در ارتباط با این دو نظریه می توان بیان داشت که اگرچه فناوری های هوش مصنوعی به سمت خودمختار شدن کامل به پیش می روند اما در حال حاضر، در اکثریت فناوری های هوش مصنوعی، این اختیار کامل دیده نمی شود و مبتنی بر تصمیم گیری های انسانی فعالیت می نمایند و از این رو، نمی توان ایراد گروه اول را مورد پذیرش قرار داد. در کنار این موضوع، این مساله نیز مطرح می گردد که آیا امکان بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی در تمامی دعاوی حقوقی وجود دارد یا اینکه این دعاوی به صورت خاص خواهد بود. در پاسخ به این سوال باید به این امر توجه داشت که اگرچه هیچ تصریح قانونی در ارتباط با محدوده کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در فرآیند رسیدگی های حقوقی وجود ندارد اما کارکردهای هوش مصنوعی به عنوان قاضی به ویژه با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی قابل توجیه است. در

این دو مقرر قانونی تصریح شده است که قضات در موارد مواجهه با ابهام، خلاء و سکوت قوانین بایستی با رجوع به منابع معتبر فقهی و با تکیه بر استدلالات خود به حل و فصل قضیه پردازند. این پرسش ایجاد می شود که در این قضایا که در نظام های حقوقی کامن لا هم چون ایالات متحده آمریکا بدان ((پرونده های بدیع)) اطلاق می گردد؛ می توان هوش مصنوعی به عنوان قاضی مورد استفاده قرار بگیرد؟ پاسخ به این سوال در نظام های حقوقی کامن لا که قضات نقش ایجاد کننده قوانین نیز برخوردارند، با چالش های متعدد همراه است اما در نظام های حقوقی نوشته هم چون ایران، به نظر می رسد که بتوان از هوش مصنوعی به عنوان قاضی استفاده نمود.

با این حال، چالش های مختلفی در روند کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در فرآیند رسیدگی های حقوقی ممکن است مطرح شوند که عبارتند از چالش های ماهوی به این معنا که در نظام حقوقی ایران با تاسی از رویکرد موجود در فقه امامیه، قاضی باید دارای شرایط خاصی از جمله عدالت، مسلمان بودن و ... باشد که عمده این مولفه ها به ویژه مسلمان بودن نمی تواند در هوش مصنوعی به عنوان قاضی احراز شود. چالش های شکلی از زمره چالش های دیگری هستند که در زمینه کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی دیده می شود بدین معنا که سامانه های هوش مصنوعی که به عنوان قاضی مورد استفاده قرار می گیرند، اولاً در سطوح مختلفی به تصمیم گیری قضایی می پردازند به نحوی که برخی از آنها برای تصمیم گیری نیازمند تایید نهایی عامل انسانی هستند در حالی که برخی دیگر، نیاز به این

چنین تصمیم‌گیری ندارند. ثانیاً این سامانه‌ها بر مبنای ورودی داده‌ها به تصمیم‌گیری اقدام می‌نمایند و بنابراین نمی‌توانند بر مبنای ابعاد خاص هر پرونده قضایی، اقدام به صدور رای نمایند بلکه صدور رای نهایی بر مبنای ورودی داده‌ها صورت می‌پذیرد.

فصل اول - مفاهیم، پیشینه و مبانی تحقیق

در این فصل به عموماً مطرحه ناظر بر کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در هر دو نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا اشاره می‌گردد. بدیهی است که آن چه که در فصل حاضر به عنوان هدف موردنظر است؛ نخست آنکه شناسایی مفاهیم ناظر بر هوش مصنوعی با تاکید بر بکارگیری به عنوان قاضی، دوم آنکه شناسایی مبانی ناظر بر کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا و سوم آنکه، ضرورت‌ها و اهمیت‌هایی که در زمینه کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در نظام‌های حقوقی فوق‌الذکر وجود دارد؛ می‌باشد.

در هر صورت، پیش از این که به بحث در ارتباط با واژگان کلیدی پرداخته شود نخست بایستی به این امر توجه گردد که فرآیند مستمر تحولات در حوزه دیجیتال در بخشی با استفاده از هوش مصنوعی بوده که یک فناوری بین‌بخشی است که هدف از آن، استفاده از مجموعه‌های داده‌های بزرگ، قدرت محاسبه‌گری مناسب و فرآیندهای خاص تحلیلی و تصمیم‌سازی به منظور قادر ساختن رایانه‌ها به انجام وظایفی است که به قابلیت‌های انسانی شبیه بوده باشد و حتی در برخی جنبه‌ها افزایش پیدا کند. (Walters and Novak, 2021:45) هوش مصنوعی برای نمونه در موتورهای جستجو اینترنت، پلتفرم‌های ارتباطاتی و ربات‌ها، سامانه‌های هوشمند کنترل

ترافیک، سیستم‌های اداری هوشمند یا تصمیم‌سازی‌های قضایی، در خانه‌های هوشمند، در درمان‌های هوشمند پزشکی و ... بکار برده می‌شود. توسعه سامانه‌های الگوریتم محور تحلیلی و تصمیم‌سازی که با هوش مصنوعی فعالیت می‌کنند نیز اشکال جدیدی برای نظارت و کنترل رفتارهای انسانی ایجاد نموده است اگرچه قابلیت این را دارد که اشکال جدید فعالیت‌های مجرمانه نیز پدید آورد. (Yi and Lee, 2022:60)

رویکرد موجود در سطح بین‌المللی در حوزه هوش مصنوعی یکسان نیست برای نمونه برخی از شرکت‌های اینترنتی، اقدام به تدوین قواعد داخلی در حوزه هوش مصنوعی نموده‌اند از جمله می‌توان به سند «دستورالعمل‌های / استفاده از هوش مصنوعی»^۱ شرکت تلکام آلمان^۲ و سیاست «هوش مصنوعی در گوگل: اصول ما»^۳ گوگل اشاره نمود.

از نظر سازماندهی مطالب در این فصل باید گفت که این فصل از چهار مبحث تشکیل شده است که مبحث نخست آن تحت عنوان مفاهیم بوده که خود به سه گفتار تقسیم می‌شود که در گفتار نخست به تعریف هوش مصنوعی در نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا، در گفتار دوم به تعریف مقام رسیدگی‌کننده در نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا و در گفتار سوم به تعریف هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی‌کننده در دو نظام حقوقی مورد اشاره، پرداخته می‌شود. ضمناً به

^۱ Guidelines for the Use of Artificial Intelligence
Telecom Company

^۲ Artificial Intelligence at Google : Our Principles

منظور تحلیل بیشتر در هر یک از گفتارها به تفاوت ها و شباهت های مفهومی میان دو نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا توجه می گردد. مبحث دوم این فصل به پیشینه بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در دو نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا در قالب دو گفتار می پردازد و مبحث سوم تحت عنوان مبانی نیز همین تقسیم بندی را دنبال می نماید. نهایتاً در مبحث چهارم به ضرورت و اهمیت پرداختن به مساله بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده اشاره می گردد.

۲-۱- مفاهیم

در مبحث نخست این فصل به مفهوم شناسی مفاهیم اصلی یعنی هوش مصنوعی و مقام رسیدگی کننده و تفاوت ها و شباهت هایی که با یکدیگر دارند، پرداخته می شود. بدیهی است که ایالات متحده آمریکا در مقایسه با نظام حقوقی ایران، دارای سابقه بسیار بیشتری در حوزه تنظیم گری هوش مصنوعی است و بدیهی است که تعاریف مربوط به هوش مصنوعی نیز در این نظام حقوقی از پیشینه ی بالاتری برخوردار است. در ادامه در قالب سه گفتار به تعاریف هوش مصنوعی و مقام رسیدگی کننده و نهایتاً هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده و تفاوت ها و شباهت های فیما بین پرداخته می شود.

۲-۱-۱- مفهوم هوش مصنوعی

هوش مصنوعی یا همان آرتیفیشیال اینتلیجنس^۱ در انگلیسی، سامانه‌ها یا نرم افزارهایی هستند مبتنی بر داده‌های ارائه‌شده از سوی کاربر انسانی که بر اساس این داده‌ها به مانند هوش انسانی به تصمیم‌گیری می‌پردازند. بدیهی است که هوش مصنوعی، انواع مختلفی دارد و نمی‌توان بر این اساس، یک تعریف جامع و مانع که شامل تمامی انواع هوش مصنوعی باشد، ارائه داد. در ادامه در قالب سه بند به مفهوم هوش مصنوعی در نظام حقوقی ایران، در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا و سپس تفاوت‌ها و شباهت‌هایی که با یکدیگر دارند، پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱- مفهوم هوش مصنوعی از منظر نظام حقوقی ایران

تنها تعریفی که از هوش مصنوعی در اسناد حقوقی جمهوری اسلامی ایران دیده می‌شود، سند ملی هوش مصنوعی است که در تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۳۰ از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی ابلاغ شده است و در ماده یک آن، هوش مصنوعی به این صورت تعریف شده است:

«به توانایی ماشین برای انجام عملکردهای خودکار و نظام‌مند از جمله یادگیری، درک، استنتاج، حل مسأله، پیش‌بینی، تصمیم‌گیری و اقدام از طریق به کارگیری دانش و اطلاعات و پردازش داده گفته می‌شود که منشأ اثرگذاری‌های گسترده بر انسان و روابط انسانی در محیط فیزیکی یا مجازی و همچنین بازتاب‌های زیست‌محیطی است. هوش مصنوعی ماهیتی داده‌ای،

^۱ Artificial Intelligence

شبکه‌ای، الگوریتمی، خوشه‌ای، لایه‌ای و یکپارچه مبتنی بر منطق‌های کلاسیک و سایر منطق‌های نوین دارد»

البته این تعریف، یک تعریف جامع و مانع نبوده چرا که تمامی انواع هوش مصنوعی را شامل نمی‌شود ضمن این که به کارکردهای خاص هوش مصنوعی از جمله بکارگیری در قوه قضاییه نپرداخته است. این امر موجب می‌شود که به منظور ارائه تعریف جامع و مانع به نظریات مختلف در این زمینه رجوع شود. این که چه پدیده‌ای به عنوان هوش تلقی گردد، نظرات و رویکردهای متعدد و گوناگونی در این خصوص ارایه شده است. هیچ تعریف رسمی جهان شمول از هوش وجود ندارد و از این رو، بایستی به دکترین در این زمینه رجوع نمود. برخی هوش را با قابلیت هر شخص در هماهنگی و انطباق با محیط، یکسان قلمداد کرده‌اند. (رووف، ۱۳۸۸: ۹۷) برخی دیگر نیز بر این اعتقاد بوده‌اند که هوش به انسان، قابلیت حل مساله را می‌بخشد. در مقابل، برخی دیگر، هوش را به معنای استعدادهای عمومی انسانی شناسایی کرده و خود استعداد را نیز به این صورت معنا نموده‌اند که ذهن در یادگیری و انجام تکلیفی خاص، دارای قدرت و توانایی است. از این رو، می‌توان هوش را قدرت فراگیری و کسب مهارت در ارتباط با انجام یا عدم انجام یک عمل دانست. (داورمنش، ۱۳۶۵: ۳۷۸)

در هر صورت، چند شاخصه اصلی را می‌توان ارایه داد که هوشمندی را از غیر آن تمیز بدهد:

- ۱- امکان حصول رابطه از طریق پردازش گفتار و فهم آن؛
- ۲- امکان نمایش و ارائه دانشی که ذخیره شده و به کارگیری آن؛

۳- قدرت ارزیابی داده‌ها؛

۴- واکنش مقتضی در برابر موقعیت‌های غیر مترقبه.

خود هوش به صورت کلی و از نظر علمی به دو بخش تقسیم می‌شوند که در قسم نخست بدان بهره هوشی و در قسم دوم به آن هوش عاطفی اطلاق می‌شود که از موضوع بحث حاضر خارج می‌باشد.

در ارتباط با واژه «مصنوعی» نیز تعریف خاصی دیده نمی‌شود صرفاً مصنوعی را می‌توان در برابر طبیعی قرار داد به عبارت دیگر در صورتی که توانایی یا مهارتی به صورت طبیعی در یک موجود قرار داده شده باشد بدان طبیعی اطلاق می‌شود در غیر این صورت، بایستی آن را مصنوعی دانست. به طور کلی، واژه مصنوعی در زمانی بکار برده می‌شود که یک شیء یا فناوری ساخته و پرداخته انسان باشد و در چارچوب هوش مصنوعی نیز دقیقاً همین معنا را افاده می‌سازد چرا که این هوش ساخته و پرداخته انسان است.

۲-۱-۱- مفهوم هوش مصنوعی از منظر نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا

تعاریف متعددی در ارتباط با هوش مصنوعی در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا وجود دارد اما هیچ یک از آنها به صورت جهانی مورد پذیرش قرار نگرفته‌اند اگرچه از نظر ماهیت به یکدیگر شباهت بسیار زیادی دارند. البته این عدم تعریف جهان شمول از هوش مصنوعی تا حدود زیادی به ابهامات در حول واژه «هوش» بازمی‌گردد. این امر بدان دلیل است که انسان‌ها تنها موجوداتی در جهان هستی هستند که به عنوان موجودات هوشمند شناخته می‌شوند و استفاده از واژه هوش برای هوش مصنوعی می‌تواند این امر را به

چالش بکشاند. به طور کلی، «یک سامانه هوش مصنوعی شامل اجزای سخت افزاری و نرم افزاری می گردد. از این رو، می تواند به یک ربات، برنامه ای که بر روی یک رایانه اجرایی می شود، برنامه ای که بر روی رایانه های شبکه محور اجرایی می شود یا هر وسیله دیگری که می تواند هوش مصنوعی را میزبانی نماید، اشاره کند.» (Zekos, 2021: 24) در تعریفی نیز که در بند یازدهم مذاکرات اتحادیه اروپایی در ارتباط با هوش مصنوعی در سال ۲۰۱۸ میلادی وجود دارد، هوش مصنوعی بدین صورت آمده است که: «سامانه هایی هستند که با تحلیل محیط پیرامونی خود، با برخورداری از درجه ای از استقلال در راستای دستیابی به اهداف تعیین شده برای خود، نسبت به تصمیم گیری و عمل اقدام می نمایند.»

از منظر حقوقی، هوش مصنوعی در اغلب اوقات به عنوان اثری یاد می شود که از یک فعالیت مبتکرانه ناشی شده است و از این رو از سوی مالکیت فکری به عنوان نرم افزاری که از طریق کپی رایت مورد حمایت قرار می گیرد، شناخته می شود. تحت شرایط خاص، هوش مصنوعی می تواند تحت حمایت یک پتنت نرم افزاری نیز قرار بگیرد. پتنت های نرم افزاری هوش مصنوعی با توجه به سطح حمایتی شان، تردیدبرانگیز هستند. این امر می تواند به یک شیوه خاص به دلیل توسعه مستمر و احتمال دستکاری از سوی کاربر نقض شود. (Montasari, 2022: 32)

سامانه های هوش مصنوعی که به شکل نرم افزاری هستند به علاوه سامانه های هوش مصنوعی که در یک دستگاه فیزیکی قرار داده می شوند از جمله ربات ها به عنوان محصولات تجاری دیده می شوند. به طور کلی، هر محصول

تجاری می‌بایستی برخی استانداردهای ایمنی و کیفیتی و استثنایات معقول در ارتباط با یک مشتری عادی را رعایت کنند. در صورتی که یک محصول تجاری، معیوب باشد برای نمونه نتواند به نحو مطلوبی کار کرده یا موجب خسارت شود، تولیدکننده آن می‌تواند مسئول تلقی شود (Nissan, 2012:69)

هوش مصنوعی یک رشته از دانش رایانه‌ای است که شامل آموزش خودکار، پردازش طبیعی ادبیات، پردازش گفتار، سامانه‌های کارشناسی، ربات‌ها و سامانه‌های بصری خودکار می‌گردد. هوش مصنوعی به خودی خود، یک تحول بسیار مهم در زمینه فناوری و کسب و کارهای تجاری است. این ابزار در سطح گسترده‌ای از صنایع مورد استفاده قرار گرفته و تاثیر زیادی بر روی هر یک از جنبه‌های ابتکاری و نوآوری دارد. در دسترس‌پذیری بخش بزرگی از داده‌های آموزشی در ابزارهای محاسباتی، رشد هوش مصنوعی را موجب شده است. هوش مصنوعی با حقوق مالکیت فکری از چند بعد در ارتباط است.

هوش مصنوعی در شرایط کنونی با روش‌های یادگیری خودکار آمیخته شده‌اند. اصطلاح هوش مصنوعی به برنامه‌های رایانه‌ای اشاره دارد که این قابلیت را دارند تا از سوابق رفتارهای گذشته بیاموزند. یادگیری خودکار برای اهدافی از جمله شناسایی الگوها، ارزیابی و دسته‌بندی تصاویر، ترجمه ادبیات به متن و ایجاد خودکار ویدیو به کار برده می‌شود.

هوش مصنوعی امروزه به ویژه در صنایع مرتبط با ربات از کاربرد بسیار زیادی برخوردار است و بر همین مبناست که ربات‌ها را از منظر هوش

مصنوعی به سه دسته تقسیم می نمایند :

الف - ربات‌هایی که از راه دور کنترل می‌شوند^۱ متشکل از بخش‌هایی هستند که از سوی موتورهای حرکت داده می‌شوند که عامل آنها اشخاص انسانی هستند. در واقع، اقدامات این ربات‌ها، تماماً از سوی افراد کنترل می‌شوند از طریق ابزاری هم‌چون جوی استیک یا حتی تلفن همراه هوشمند. ب- ربات‌های خودکار^۲ قابلیت این را دارند که وظیفه‌ای را در یک محیط کاملاً ناشناخته بدون دخالت انسان در طول یک فرآیند انجام دهند و اغلب در مقابل اصطلاح ربات‌های برنامه‌ریزی شده استفاده می‌شوند.

ج- ربات‌های شناخت مدار^۳ نیز از انواع ربات‌های خودکار بوده که از فرآیندهایی استفاده می‌نمایند که به فرآیندهای شناختی شباهت زیادی دارد. این نوع از ربات‌ها به هوش مصنوعی متصل هستند و قابلیت برنامه‌ریزی و یادگیری را دارند. (Lin et al,2012:170)

در ششمین جلسه مباحثاتی واپیو با عنوان ((فناوری‌های پیشرو- ابتکارات در حوزه هوش مصنوعی^۴)) که در ۲۱-۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲ برگزار گردید به موضوع هوش مصنوعی و ارتباطات آن پرداخته شد و نهایتاً تصمیم‌گیری شد که دولت‌ها به تعاریف خود در این ارتباط بپردازند.

۲- ۱-۱-۳- تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود

با توجه به تعاریفی که در نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا در

^۱ Tele-operated robot

^۲ Autonomous Robot

^۳ Cognitive Robot

^۴ Frontier Technology – AI Inventions

ارتباط با مفهوم هوش مصنوعی ارائه گردید، در ادامه به تفاوت‌ها و شباهت‌های مفهومی میان هوش مصنوعی در نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا اشاره می‌گردد. البته پیش از ذکر تفاوت‌ها و شباهت‌ها، باید به چند نکته کلی در ارتباط با رویکرد نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا ناظر بر تعریف هوش مصنوعی اشاره نمود اولاً این که در تعریف نظام حقوقی ایالات متحده از هوش مصنوعی به ویژگی خودکار بودن اشاره نشده است که این امر بدان دلیل است که سطوح متفاوتی از هوش مصنوعی وجود دارند که برخی از آنها نیمه خودکار یا تا درجه زیادی متکی به مداخله انسانی هستند و در صورتی که این مداخله انسانی صورت نپذیرد، نمی‌توان شاهد اعمال تصمیم سامانه هوش مصنوعی شد؛ این در حالی است که در تعریف هوش مصنوعی در نظام حقوقی ایران، این ویژگی خودکار مورد تصریح قرار گرفته است. ثانیاً، در تعریف سامانه‌های هوش مصنوعی در نظام حقوقی ایران از جمله سند ملی هوش مصنوعی، تا حدود زیادی خلط مباحث با فناوری‌های الکترونیکی دیده می‌شود و تفکیک به درستی و به دقت صورت نپذیرفته است. این در حالی است که این تفکیک در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا مورد رعایت قرار گرفته است.

۱- خودکار بودن

هوش مصنوعی انواعی دارد و تمامی آن‌ها در یک سطح مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. البته این تقسیم‌بندی بر مبنای استفاده‌ای است که برای هوش مصنوعی ترسیم شده است. در این گفتار به انواع هوش مصنوعی از نظر نوع کاربرد پرداخته می‌شود و آن عبارتند از یادگیری عمیق، هوش عمومی

مصنوعی و هوش عمومی محدود. البته شاید بتوان در کنار این موارد، انواع دیگری نیز برای هوش مصنوعی ترسیم نمود. البته بایستی این امر اضافه گردد که این تنها تقسیم بندی راجع به هوش مصنوعی نبوده بلکه تقسیم بندی دیگری نیز مانند تقسیم بندی به هوش مصنوعی ضعیف و قوی نیز وجود دارد به نحوی که هوش مصنوعی ضعیف، تفکری شبیه سازی شده را به توصیف می کشد به این معنا که به نظر می رسد که سامانه ای به صورت هوشمند عمل می نماید اما هیچ نوع آگاهی در ارتباط با فعالیتی که انجام می دهد، ندارد مثال بارز آن در ارتباط با ربات های مکالمه است که به نظر می رسد که مکالمه ای طبیعی در مورد آن وجود دارد اما هیچ حسی در ارتباط با اینکه چه کسی یا در ارتباط با چه موضوعی با آن صحبت می شود، ندارد. در هوش مصنوعی ضعیف، تلاشی در زمینه انجام کامل مهارت ها و توانایی های شناختی انسان نمی شود اما در عین حال، ویژگی های شبه تفکر را داراست و در صورت افزوده شدن به رایانه ها، می توان آن را به ابزار مفیدتری تبدیل نمود. (Lin et al,2012:170)

۲- وابسته به کاربر انسانی

یادگیری عمیق، یک فناوری یادگیری خودکار است که به رایانه ها آموزش می دهد تا آنچه را که به طور طبیعی برای انسان ها پیش می آید، انجام دهند. در این مورد صرفاً از هوش مصنوعی عصبی یا شبکه های عصبی استفاده می گردد. اکثریت کاربردهایی که هم اکنون برای هوش مصنوعی قابل تصور است، در ارتباط با همین نوع قابلیت است. از این رو که

یادگیری عمیق قابلیت گسترش دادن سریع را در طول سامانه های پیچیده تر را دارد و می توان با افزودن لایه های جدید، یادگیری عمیق را از حالت ساده به پیچیدگی تغییر داد، بایستی کاربردهای متفاوتی را برای یادگیری عمیق متصور بود. (Montasari,2022:32) یادگیری عمیق به ویژه در زمینه خودروهای بدون راننده و خودران به کار گرفته می شود؛ آنها را قادر می سازد تا یک علامت توقف را تشخیص دهند و یک عابر پیاده را از غیر عابر پیاده تشخیص دهند. (Tufrey,2022:79) صداهای کنترلی در وسایلی مانند تلفن های همراه، تبلت ها، تلویزیون ها و سخنگوهای تلفنی خودکار از فناوری یادگیری عمیق بهره می برند. در یادگیری عمیق، یک الگوی رایانه ای یاد می گیرد تا وظایف توصیفی را مستقیماً از تصاویر، متن ها یا صداها بیاموزد. مدل های یادگیری عمیق حتی در عرصه هنر نیز به کار گرفته می شوند و پرینترهای سه بعدی که اکنون در حال استفاده در هنرهای نقاشی هستند، به صورت مستقیم از این فناوری استفاده می نمایند. (Ugail,2022:51)

یادگیری عمیق خود به سه نوع یادگیری تقسیم می گردد: یادگیری تحت نظارت، یادگیری بدون نظارت و یادگیری تقویت یافته. در اجرای این سه نوع یادگیری عمیق، روش های متفاوت و گوناگون زیادی ایجاد می شوند که امکان تبدیل ورودی به خروجی دلخواه فراهم گردد. در یادگیری عمیق نوع اول که یادگیری تحت نظارت است، ارزش ها و پارامترها از خارج از سامانه برای آن مشخص می گردد ولی در یادگیری بدون نظارت، این خود سامانه است که تلاش می دارد تا الگوهایی را در اطلاعات ورودی کشف

نماید که بتواند آن‌ها را بازتولید کند. در یادگیری تقویت یافته نیز سامانه به صورت مستقل عمل نموده و موجب موفقیت، شکست، تشویق یا تنبیه می‌گردد. (Ugail, 2022: 51)

۲-۱-۲- مفهوم مقام رسیدگی کننده

پس از این که در گفتار قبلی به مفهوم هوش مصنوعی در نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا اشاره گردید، در این گفتار به مفهوم مقام رسیدگی کننده اشاره می‌گردد. پرداختن به مفهوم مقام رسیدگی کننده از منظر نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا از این رو واجد اهمیت است که یکی از اهداف اصلی و در واقع یکی از پرسش های این تحقیق مبتنی بر این می باشد که آیا هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا می تواند بکار گرفته شود.

۲-۱-۲-۱- از منظر نظام حقوقی ایران

مقام رسیدگی کننده در نظام آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری ایران تعریف نشده است. اما می توان آن را در معنای اعم تری نسبت به قاضی در نظر گرفت و به عبارت دیگر، داور، میانجی گر و سازش گر را نیز می توان به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظر گرفت.

با این حال، به نظر می رسد که با بررسی منابع حقوق کیفری و تفکیکی که میان مرحله تحقیق و تعقیب با رسیدگی قضایی وجود دارد و عدم این چنین تفکیکی در زمینه رسیدگی های حقوقی با توجه به ماهیت متفاوتی که دعاوی مدنی و کیفری دارند، مقام رسیدگی کننده را باید مقام قضایی

دانست که به محتوای دعاوی ورود پیدا می کند و بر اساس ادله و امارات قضایی و قانونی، نسبت به صدور حکم اقدام می نماید. بدیهی است که هر مقام قضایی که به محتوای دعوی ورود پیدا نکند و رای قضایی صادر نکند را نمی توان به عنوان مقام رسیدگی کننده دانست. بر همین اساس، ورود دادستان به برخی از دعاوی حقوقی مانند دعاوی خانوادگی که جنبه کیفری ندارند مانند برخی از اقسام دعاوی حضانت، به عنوان ورود یک مقام رسیدگی کننده تلقی نمی گردد.

عمل رسیدگی که از سوی مقام رسیدگی کننده صورت می پذیرد، در امور مدنی و حقوقی نیازمند تقدیم دادخواست خواهان می شود و برخلاف امور کیفری که دادستان می تواند راسا و بدون شکایت شاکی خصوصی ورود پیدا کند در مواردی که منفعت عمومی مورد آسیب وارد شده است اما در امور حقوقی، مقام رسیدگی کننده نمی تواند راسا و بدون طرح دعوی از سوی خواهان اقدام به رسیدگی نماید. با این حال، پس از این که ادعای طرفین مطرح گردید، مقام رسیدگی کننده ملزم به رسیدگی تا صدور رای قطعی است و نمی تواند با دستاویز شدن به هر دلیلی به جز مواردی که در قانون آیین دادرسی مدنی تحت عنوان ایرادات رد دادرس مورد نظر قرار گرفته است، از رسیدگی خودداری نمود.

مقام رسیدگی کننده ملزم است که بر اساس قوانین و مقررات نسبت به صدور رای اقدام نماید و نمی تواند خارج از این قوانین و مقررات یا حدود ادعای طرفین نسبت به صدور رای اقدام نمود که در این موارد از جهات بطلان رای در مرحله تجدیدنظر می باشد.

۲-۱-۲-۲- از منظر نظام حقوقی آمریکا

در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، مقام رسیدگی کننده شامل قاضی، داور، میانجی گر و به صورت کلی، هرگونه مقامی می گردد که به نحوی از انحاء به اختلافات موجود رسیدگی می نماید. نکته ای که در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا در ارتباط با مقام رسیدگی کننده مشاهده می شود، قائم به شخص انسان نبودن مقام رسیدگی کننده است به این معنا که در هیچ یک از تعاریفی که از قاضی، داور یا میانجی گر یا سازشگر وجود دارد، به این مساله اشاره نشده است که لزوماً بایستی انسان باشد و این امر، امکان استفاده از هوش مصنوعی را به عنوان مقام رسیدگی کننده در این نظام حقوقی را بالاتر می برد. از سوی دیگر، به دلیل حاکمیت سیستم فدرال در ایالات متحده، طبیعی است که در سطوح ایالتی نیز قوانین و مقررات متفاوتی در ارتباط با تعریف مقام رسیدگی کننده وجود داشته باشد.

در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، زمانی که صحبت از مقام رسیدگی کننده می شود، شخصی است که به ماهیت دعوی رسیدگی می نماید و رسیدگی شکلی مورد نظر نیست چرا که رسیدگی شکلی، پیشتر توسط شعبه پیش رسیدگی در محاکم قضایی فدرال و ایالتی آمریکا صورت گرفته است. نکته دیگر در ارتباط با مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، این که مقام رسیدگی کننده در این نظام حقوقی هم می تواند شخص حقیقی و هم می تواند شخص حقوقی باشد. نکته دیگر که در نظام قضایی ایالات متحده در ارتباط با مقام رسیدگی کننده قضایی دیده می شود، این است که حضور هیات منصفه در تمامی دعاوی اعم از حقوقی و

کیفری لازم بوده و مقام رسیدگی کننده قضایی، بایستی نظرات و تصمیمات خود را با آنچه که هیات منصفه صحیح می پندارند، منطبق نماید.

۲-۱-۲-۳- تفاوت ها و شباهت های موجود

از نظر تفاوت های میان رویکرد نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا با یکدیگر می توان به چندین نکته اشاره داشت اولاً اینکه در نظام حقوقی ایالات متحده، مقام رسیدگی کننده یک مفهوم عام و موسع دارد و علاوه بر این که شامل مقام قضایی می گردد، شامل مقام داور، سازشگر و میانجی گر نیز می گردد؛ این در حالی است که در نظام حقوقی ایران، مقام رسیدگی کننده صرفاً شامل داور می گردد. ثانیاً، در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، با توجه به نوع نظام حکمرانی که فدرالیسم است، مقام رسیدگی کننده در دو سطح فدرال و ایالتی معنا پیدا می کند اما در نظام حقوقی ایران به علت نوع نظام حکمرانی که بسیط می باشد، مقام رسیدگی کننده به یک شکل سراسری است. ثالثاً شرایطی که برای مقام رسیدگی کننده وجود دارد، در هر دو نظام حقوقی متفاوت است برای نمونه در نظام حقوقی ایران، شرط اسلام به عنوان یکی از شروط مسلم قضاوت مدنظر قرار گرفته است اما در نظام حقوقی ایالات متحده، مذهب به هیچ وجه عامل تعیین کننده برای قضاوت نیست. (Zekos, 2021: 24)

در مورد شباهت ها نیز می توان به چند مورد اشاره داشت اولاً این که کارکردهای مقام رسیدگی کننده در هر دو نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا یکسان است و هر دوی آنها به حل و فصل اختلافات می پردازند. ثانیاً مقام رسیدگی کننده در حدود و چارچوب اختیارات قانونی

ملزم به صدور رای است و فراتر از آن، نمی تواند اقدام نماید.

۲-۱-۳- مفهوم هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده

پس از این که در گفتارهای نخست و دوم این مبحث به مفهوم هوش مصنوعی و مفهوم مقام رسیدگی کننده، پرداخته شد، در این قسمت به مفهوم هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده از منظر دو نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا اشاره می شود.

۲-۱-۳-۱- مفهوم هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده از منظر نظام حقوقی ایران

بدیهی است که تعریفی از هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایران وجود ندارد و بایستی از توضیحاتی که در گفتارهای پیشین در ارتباط با هوش مصنوعی و مقام رسیدگی کننده بیان شد، به این امر پرداخت که تعریف هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده از منظر نظام حقوقی ایران چیست. معنای کلی که در این زمینه افاده می گردد، این است که سامانه های هوش مصنوعی در مقام ورود به ماهیت دعوی و تصمیم گیری قضایی مورد استفاده قرار بگیرد به نحوی که از یک شخص قاضی به عنوان انسان مطرح است. با این حال، در معنای خاص تر، با توجه به سطوح متفاوت هوش مصنوعی، تعریف از هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده، مشکل و پیچیده به نظر می رسد. در این زمینه، باید توضیح داد که یکی از اصلی ترین دلایل پیچیدگی در تعریف هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده از منظر نظام حقوقی ایران این می باشد که یکی از ارکان حاکمیتی که مهم ترین نقش را در تضمین حقوق شهروندی

برعهده دارد، قوه قضاییه است. در این راستا، قوه قضاییه از طریق پایش مستمر و هوشمند اجرای حقوق شهروندی در سطوح ملی و استانی، می تواند در جهت پیشگیری از نقض حقوق شهروندی و مقابله با آن بکوشد. (علی آبادی، ۱۴۰۳: ۲۱) البته کاربرد هوش مصنوعی در قوه قضاییه در برخی از بخش ها با چالش های عمده مواجه است از جمله کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در فرآیند رسیدگی های حقوقی در نظام حقوقی ایران یکی از موضوعات مهمی است که چالش های خود را دارد. به صورت کلی با توجه به اینکه شروطی هم چون بلوغ، عقل، اسلام، عدالت، ذکوریت، اجتهاد، طهارت مولد و ... به عنوان یک مساله مورد اجماع در میان فقهای امامیه مورد توجه قرار گرفته است، فلذا نمی توان در وهله اول هوش مصنوعی را به عنوان قاضی در نظام حقوقی ایران مورد پذیرش قرار داد. با این حال، با تدقیق بیشتر در آرای فقهی مشخص می گردد که دو دیدگاه می تواند در ارتباط با کاربرد هوش مصنوعی توسط قوه قضاییه برای تضمین حقوق شهروندی وجود داشته باشد. دیدگاه اول معتقد است که در صورتی که شخصی ماذون از سوی قاضی در زمینه تطبیق احکام و مفاهیم بر مصادیق باشد و مصونیت از خطا و اشتباه نیز داشته باشد، می توان هوش مصنوعی را به عنوان قاضی در زمینه فرآیند رسیدگی های حقوقی مورد پذیرش قرار داد. به عبارت دیگر، این فقهاء بر این اعتقاد هستند که معیارهایی هم چون بلوغ، عقل، اسلام و ... را می توان در ارتباط با شخص ماذون که در اینجا هوش مصنوعی است، مفروض دانست. در مقابل، برخی دیگر، معتقدند که هرگونه توسعه در زمینه مفهوم قضاوت نیازمند حکم

صریح حاکم شرع است و از آن رو که در شرایط فعلی، این چنین حکمی وجود ندارد؛ نمی توان آن را مورد پذیرش قرار داد. (علی آبادی، ۱۴۰۳: ۲۱)

۲-۱-۳-۲- از منظر نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا

هوش عمومی مصنوعی، یک قابلیت عامل هوشمند در زمینه فهم یا یادگیری هرگونه فعالیت ذهنی است که یک انسان می تواند انجام بدهد. (Barfield and Pagallo, 2020: 49) این یک هدف اولیه در برخی پژوهش های هوش مصنوعی بوده که قابلیت کاربردهای عمومی را موردنظر قرار بدهند. هوش مصنوعی عمومی برای تکمیل وظایف خود، طیف گسترده ای از فعالیت ها را مورد نظر دارد و برخلاف هوش مصنوعی محدود که به انجام یک سری وظایف مشخص می پردازد، در هوش مصنوعی عمومی، دسته ای گسترده از وظایف موردنظر می باشد. از این رو، در دستگاه هایی که از هوش مصنوعی عمومی استفاده می شود، این انتظار می رود که هر کار فکری را که انسان قادر به انجام آن است، در این دستگاه ها نیز انجام شود. نمونه بارز کاربرد هوش مصنوعی عمومی در ربات های انسان نما است.

دادرسی هوشمند یک فرآیند مستمر بوده که از زمان طرح دعوی توسط خواهان آغاز شده و تا زمان اجرای حکم توسط وی ادامه می یابد. این دادرسی خود شامل مولفه های مهمی هم چون رسیدگی های هوشمند، ادله الکترونیکی و ... می شود و یکی از مولفه های اصلی و عمده دادرسی هوشمند، حضور قاضی هوشمند یا بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی است. بنابراین، دادرسی هوشمند ناظر بر تمامی این مراحل است. از

همین رو، بوده است که تجربیات دولت های توسعه یافته از جمله ایالات متحده آمریکا نشانگر آن است که پیش از این که در ارتباط با ماهیت رسیدگی هوشمند قضایی ورود پیدا نمایند به مراحل اولیه طرح دعوی و صلاحیت های مقامات انتظامی ورود پیدا کرده اند برای نمونه در سال ۱۹۸۶ میلادی در ایالات متحده آمریکا، قانونی تحت عنوان «قانون حریم خصوصی ارتباطات الکترونیکی»^۱ به تصویب رسید که به منظور دسترسی ضابطین قضایی به داده های الکترونیکی طرفین دعوی مورد تصویب قرار گرفته بود.

بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام قضایی در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا هم ناظر بر امور مدنی هم ناظر بر امور کیفری است و در برخی از نظام های حقوقی، قوانین جداگانه ای در این خصوص به تصویب رسیده اند برای نمونه در ایالات متحده آمریکا، قانونی تحت عنوان «قانون تحقیق و مصادره رایانه ها و دستیابی به ادله الکترونیکی در تحقیقات کیفری»^۲ (۲۰۰۱) به تصویب رسیده است که ناظر بر تحقیقات کیفری است. این در حالی است که در برخی دیگر، مانند جمهوری اسلامی ایران، دادرسی الکترونیکی در امور مدنی و کیفری مجزا از یکدیگر در نظر گرفته نشده است کما اینکه با تصویب بخش نهم «قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی» در سال ۱۳۹۳، این چنین رویکردی اتخاذ

^۱ The Electronic Communications Privacy Act (ECPA)
^۲ Searching and Seizing Computers and Obtaining Electronic Evidence
 in Criminal Investigations Act

شده است. البته موضوعی که در مورد دادرسی الکترونیکی به ویژه در کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا از اهمیت برخوردار است، موضوع حریم خصوصی افراد است چه آنکه اصلحیه چهارم قانون اساسی ایالات متحده از طریق ممنوعیت جستجو نابه جا در حریم خصوصی افراد در فضای مجازی، مانع از دخالت غیرقانونی در این حریم خصوصی می گردد. هوش مصنوعی محدود، جهان امروزی ما را تحت تسلط خود در آورده است که مهم ترین مثال آن می توانند در مورد قابلیت «سیری» در گوشی های آیفون، بازی های ویدیویی، موتورهای جستجو، خلبان های خودکار و ... باشد. در این نوع هوش مصنوعی، چارچوبی از یک تفکر ساده ارایه می شود و به تدریج در حال بهتر شدن و تاثیرگذاری بیشتر است. هوش مصنوعی محدود از آن رو به این وصف اطلاق شده است که برای یک یا چند کار محدود و معین برنامه ریزی شده است. هوش مصنوعی به صورت محدود نوع خاصی از هوش مصنوعی است که در آن یک الگوریتم یادگیری برای انجام یک کار طراحی شده است و هر دانشی که از انجام آن کار به دست می آید به طور خودکار در سایر وظایف اعمال نمی شود. (Rebe,2020:21)

برخلاف هوش مصنوعی عمومی که به دنبال تقلید از فرآیندهای فکری پیچیده است، هوش مصنوعی محدود برای انجام موفقیت آمیز یک کار واحد بدون کمک انسان طراحی شده است. برنامه های محبوب برای هوش مصنوعی محدود شامل ترجمه زبان و تشخیص تصویر است

به نظر می‌رسد که با توجه به بحثی که در ارتباط با هوش مصنوعی و مقام رسیدگی‌کننده در نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا به عمل آمد، آنچه که به صورت عمده با توجه به سند تحول قضایی در نظام حقوقی ایران موردنظر است، کاربرد هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی‌کننده نباشد بلکه آن چه که مورد نظر است، آن باشد که هوش مصنوعی نهایتاً در نقش یک مستشار برای قاضی رسیدگی‌کننده عمل نماید و تصمیمی نیز که از سوی آن صورت می‌پذیرد، یک تصمیم الزام‌آور برای مقام رسیدگی‌کننده نباشد و در واقع از این تصمیم باید به عنوان یک نظر مشورتی یاد نمود. این در حالی است که آن چه که در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا موردنظر است، کاربرد هوش مصنوعی به جای مقام رسیدگی‌کننده انسانی است.

۲-۲- پیشینه بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی‌کننده از نظر پیشینه، باید گفت که اگرچه بحث‌ها در ارتباط با بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی‌کننده در سطوح دانشگاهی ایران از دو دهه پیش مطرح بوده است و حتی در بخشی نیز ریاست قوه قضاییه، ماموریتی را در قوه قضاییه بدین منظور در نظر گرفت اما نهایتاً با تدوین سند تحول قضایی است که در نظام حقوقی ایران، بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی‌کننده موردنظر قرار گرفت و پیش از آن مطرح نبوده است. از سوی دیگر، اما در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، بحث‌ها در ارتباط با بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی‌کننده با توجه به این که رسیدگی در این کشور فقط محدود به رسیدگی قضایی نمی‌شود و به ساز و

کارهای حل و فصل اختلافاتی هم چون داوری، میانجی گری و سازش نیز تسری پیدا کرده است، از پیشینه بالاتری برخوردار است. در ادامه به پیشینه بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا اشاره می گردد.

۲-۱-۲ در نظام حقوقی ایران

تابستان سال ۱۳۸۰ خورشیدی، رئیس وقت قوه قضاییه ماموریت بررسی مسایل و مشکلات موجود در این قوه را به تیمی ۱۹ نفره متشکل از شش نفر کارشناس مسایل سیستمی و ۱۳ کارشناس حقوقی با حضور در مجتمع قضایی شمیرانات به بررسی سیستمی و گردش پرونده در آن محل پرداختند. ماحصل این امر که ۴۰ میلیون تومان در آن زمان هزینه داشت، ۱۳ جلد کتاب شامل ۱۱ جلد مطالعات استراتژیک، یک جلد مطالعات تطبیقی از ۲۰ کشور جهان و یک جلد کتاب ((تحلیل و بررسی وضعیت موجود و راهکارهای آینده بود. و بر اساس همین گزارش بود که نهائیتا الکترونیکی شدن دادرسی ها هم در امور حقوقی و هم در امور کیفری موردنظر قرار گرفتند. الکترونیکی شدن دادرسی مدنی از دهه ۸۰ خورشیدی (واحدی دهکردی، ۱۳۹۵: ۲۱) و با استفاده از سیستم مدیریت پرونده های قضایی آغاز گردید. برای نخستین بار بحث فناوری اطلاعات در قوه قضاییه در دستورالعمل توسعه کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه قضایی پیش بینی شد که بر مبنای آن همان سیستم فوق الذکر تاسیس شد. شهبازی نیا و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۵) این سیستم به هر پرونده، یک شماره انحصاری ۱۶ رقمی می دهد که همان گونه که مشهود است، همتا و مشابه

نداشته و طرفین دعوی می توانند از طریق این شماره ۱۶ رقمی و رمز شخصی ۵ رقمی خود، نسبت به دریافت اطلاعات پرونده های قضایی خود و تحولات پیرامون آن، اطلاع پیدا نمایند. (زاده حسین علیایی، ۱۳۹۷: ۱۲۰) سپس آیین نامه ارایه خدمات الکترونیک قضایی به تصویب رسید که در مقدمه اش این چنین بیان شده است که:

«... در راستای رفع اطاله دادرسی، تسریع در امور جاری محاکم و پیشگیری از وقوع جرم و با عنایت به اینکه در کلیه مراحل تحقیق و رسیدگی مدنی و جزایی و ارایه خدمات الکترونیکی، دادم پیام مطمئن بر حسب نوع و محتوا در حکم نوشته، امضا و اصل می باشد و نمی توان صرفاً به لحاظ شکل یا نحوه تبادل اطلاعات از اعتبار بخشیدن به محتوا و آثار قانونی آن خودداری نمود، خدمات قضایی در فضای مجازی به شرح ذیل ارایه می گردد....»

متعاقباً، قسمت اول بند ت ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور (۱۳۹۵) در مورد الکترونیکی شدن دادرسی مدنی اشعار داشته است: «به منظور افزایش سرعت، صحت، کارایی و امنیت در ارایه خدمات حقوقی و قضایی و تحقق نظام جامع دادرسی الکترونیک، قوه قضاییه مکلف است برای توسعه الکترونیک اطلاعات و ارتباطات قوه قضاییه، مراکز و سازمان های وابسته نسبت به تکمیل و روزآمد کردن داده ها و اطلاعات مرکز ملی داده های قوه قضاییه و توسعه خدمات این مرکز و استقرار کامل شبکه ملی عدالت اقدام کند.»

از دیگر اسنادی که در همین زمان به موضوع الکترونیکی شدن دادرسی مدنی اشاره داشته است بند ج ماده ۶۷ قانون برنامه پنج ساله ششم بوده است

که در آن مقرر شده است :

« به منظور توسعه دولت الکترونیک و عرضه خدمات الکترونیکی و نیز توسعه و استقرار خزانه داری الکترونیکی و اصالت بخشیدن به اسناد الکترونیکی از جمله اسناد مالی و حذف اسناد کاغذی در هر موردی که به موجب قانون، تنظیم اوراق یا اسناد، صدور یا اعطای مجوز، اخطار و ابلاغ، مبادله وجه، استعلام و مانند آن ضروری باشد، انجام الکترونیکی آن با رعایت مفاد قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲/ ۱۰ / ۱۷ معتبر بوده و کفایت می نماید. »

در قوانین فعلی که در حوزه مالکیت فکری وجود دارد، هیچ تعریفی از هوش مصنوعی دیده نمی شود با این حال در لایحه جامع حقوق مالکیت فکری که در حال حاضر، مراحل تصویب خود را در مجلس شورای اسلامی طی می نماید، هوش مصنوعی به عنوان یک اثر پدید آمده خود کار اشاره شده است .

۲-۲-۲- در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا

در علوم رایانه ای، اصطلاح «هوش مصنوعی» برای نخستین بار در آگوست ۱۹۵۵ میلادی در طرح نامه یک پژوهش که از سوی جان مک کارتی، ماروین مینسکی، ناتانیل روجستر و کلود شانون نگاشته شده بود، بکار گرفته شد. (Kurki and Pietzykowski, 2017:78) همین اصطلاح البته پیشتر در سال ۱۸۴۸ میلادی از سوی یک نویسنده ناشناس در مقاله ای که در ارتباط با ناکارآمدی هیات منصفه در رسیدگی های کیفری شکایت

می نمود، بکار برده شده بود. البته، در این مقاله، اصطلاح «هوش مصنوعی» به هوش و قابلیت های حل مساله ماشین ها اشاره نداشت بلکه در مقابل به هوش از قبل تنظیم شده برخی از اعضای هیات منصفه مربوط می شد که می بایستی در زمان تصمیم گیری در مورد یک قضیه، از آن اجتناب می شد. هوش مصنوعی در اصطلاحی که امروزه شناخته می شود از سوی دانش حقوقی از دهه ۶۰ میلادی به کار برده شد. آژانس پروژه های تحقیقاتی پیشرفته دفاعی، در دهه ۷۰ میلادی پروژه های مرتبط با نقشه برداری خیابانی را تکمیل نمود و در این زمینه در سال ۲۰۰۳ میلادی موفق شد تا دستیارهای هوشمند شخصی را ایجاد کند مدت پیش از این که سیری، الکسا و کورتانا به وفور در دسترس عمومی قرار بگیرند. (Hoffmann-Rejem, 2020:6)

هوش مصنوعی را بایستی به عنوان نقشه راه برای توسعه رایانه های امروزی در نظر گرفت به نحوی که نظام های پشتیبانی فعلی و تصمیم سازی و دستگاه هایی که برای جستجو هوشمند در رایانه ها وجود دارد، مرهون هوش مصنوعی است. هوش مصنوعی حتی در برخی از حوزه ها توانسته است مهارت ها و هوش انسانی را به چالش بکشد از جمله می توان به سال ۱۹۹۷ میلادی اشاره نمود که در آن، یکی از رایانه هایی که توسط شرکت آی.بی.ام ساخته شده بود موسوم به دیپ بلو، قهرمان آن زمان شطرنج جهان یعنی گری کاسپاروف را شکست داد. (Hoffmann-Rejem, 2020:6)

نخستین اسنادی که استفاده هوش مصنوعی را پیش بینی نموده بودند، آن را برای تغییر در متن نگاشته شده در روند محاکمات قضایی به یک شکل که

از طرف رایانه قابل خوانش باشد، به منظور پردازش اطلاعاتی که از سوی موکل به وکیل ارایه می شود و تصمیم گیری در مورد احتمال پیروزی در یک دعوی، تعیین میزان احتمالی خسارات در صورتی که مورد حکم واقع شوند، ارزیابی قوانین موجود و پردازش ادله اثبات دعوی مورد نظر قرار داده بود. بر مبنای نتایج جستجو در پایگاه داده پژوهش های حقوقی «هین آنلاین دات نت»^۱، توجه دانش حقوقی به هوش مصنوعی به طور عمده در دهه ۸۰ میلادی افزایش پیدا کرده، در دهه اول هزاره سوم میلادی رو به افول نهاد و مجدداً در دهه دوم این هزاره افزایش سریعی یافت. (Hoffmann-Rejem, 2020:6)

در سطح رویه قضایی نیز به موضوع هوش مصنوعی توجه شده است از جمله اینکه در سال ۲۰۰۸، دادگاهی یک رویکرد ابتکاری را اخذ کرده و قلمروی حقوق بنیادین را به حق به تضمین محرمانگی و تمامیت در حوزه سامانه های فناوری اطلاعاتی بسط داد

تاکنون در ۱۷ ایالت از ایالت های آمریکا، قوانین خاص در حوزه هوش مصنوعی به تصویب رسیده است و تنها در سال ۲۰۲۲، ایالت های کلرودا، ایلینویز، ورمونت و واشنگتن قوانین خاص در این حوزه به تصویب رسانیدند. کلرادو، ایلینویز و ورمونت، کارگروه ها یا کمیسیون هایی را در زمینه مطالعات هوش مصنوعی ایجاد نموده اند. ایالت ایلینوز قانونی را به تصویب رسانیده است که «قانون مصاحبه ویدیویی هوش مصنوعی»^۲ را که

^۱ HeinOnline.org

^۲ Artificial Intelligence Video Interview Act

بدوا در سال ۲۰۲۱ میلادی به تصویب رسیده بود، مورد بازنگری قرار می دهد. حتی در برخی از ایالات آمریکا ضمانت اجراهای حقوقی و کیفری برای نقض هوش مصنوعی لحاظ شده است از جمله ایالت کالیفرنیا با تصویب قانونی تحت عنوان «قانون طراحی متناسب با سن»^۱ به این امر ضمانت اجرا بخشیده است که در صورتی که از فناوری مبتنی بر هوش مصنوعی متعلق به یک شخص حقیقی یا حقوقی سوءاستفاده شود، مسئولیت مدنی و کیفری برای شخص سوءاستفاده کننده در نظر گرفته می شود.

علاوه بر این، دولت فدرال آمریکا پیش نویسی را با عنوان ((منشور حقوق هوش مصنوعی)) تدوین نموده است که بر مبنای آن، حقوق و تکالیف عمومی و دارندگان فناوری های مرتبط با هوش مصنوعی در آن گنجانده شده است. البته رویکردی که در این منشور دنبال شده است، به حداقل رساندن هرگونه آسیبی بوده است که می تواند به واسطه ظهور هوش مصنوعی پدید آید. در این منشور، دستورالعمل هایی راجع به نحوه حفاظت از داده ها، به حداقل رساندن ریسک های جانبداری از هوش مصنوعی و کمتر نمودن کاربرد نظارتی هوش مصنوعی گنجانده شده است. هیچ اقدام اجرایی در این منشور پیش بینی نشده است بلکه صرفا دربردارنده دستورالعمل هایی برای سازمان ها و شرکت هایی است که پیشرو در حوزه هوش مصنوعی هستند.

علاوه بر ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپایی بر این اعتقاد است که به

^۱ the California Age-Appropriate Design Code Act

صورت کلی برای پیشرفت در زمینه جامعه اطلاعاتی دیجیتال که یکی از اصول اساسی اتحادیه اروپایی در محیط سایبری است، قانون گذاری در زمینه نهاد هوش مصنوعی ضروری و اجتناب ناپذیر است و پیش شرط این موضوع، ارایه یک تعریف جامع و مانع از هوش مصنوعی است. البته اتحادیه دارای آیین نامه هایی در زمینه هوش مصنوعی نیز است. از جمله، آیین نامه عمومی حفاظت از داده های اتحادیه اروپایی^۱ یکی از مهم ترین اسناد بین المللی ناظر بر هوش مصنوعی است که اتحادیه ها یا سایر ارکان را تشویق می نماید تا قواعد اخلاقی را به منظور تسهیل اعمال موثر و مناسب در حوزه هوش مصنوعی تسهیل نمایند. بند دو ماده چهل این آیین نامه، چندین موضوع را برمی شمرد که یکی از آنها هوش مصنوعی است. در هر صورت، مقررات فوق الذکر دارای ایراداتی است از جمله می توان به کلی گویی، عدم پیش بینی ساز و کارهای اساسی در ایجاد شفافیت در ساز و کار عملکرد اشخاص و ابزارهای مرتبط با حوزه پردازش داده های خصوصی اشخاص می باشد. (صادقی و ناصر، ۱۳۹۹: ۳)

۲-۳- مبانی بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا

پس از این که در مباحث اول و دوم این فصل به مفهوم شناسی و پیشینه کاربرد هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا اشاره گردید، در مبحث سوم به مبانی

^۱ General Data Protection Regulation (GDPR)

بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی در نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده پرداخته می شود.

۲-۳-۱- مبانی عام

در بخش مبانی عام، مبانی به دو دسته مبانی عام در نظام حقوقی ایران و مبانی عام در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا تقسیم می شود که در ادامه به تفصیل در ارتباط با هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده طرح بحث می گردد.

۲-۳-۱-۱- در نظام حقوقی ایران

منظور از مبانی عام، مبانی هستند که به صورت کلی در ارتباط با رسیدگی های حقوقی فارغ از کاربرد هوش مصنوعی یا عدم کاربرد آن مورد استناد قرار می گیرند برای نمونه اصل دادرسی منصفانه، یکی از اصول بنیادین در زمینه رسیدگی های حقوقی محسوب می گردد و در ادامه، ارتباط اصل دادرسی منصفانه با کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در رسیدگی های حقوقی مورد بررسی قرار می گیرد. به عبارت دیگر، آن چه که در این قسمت مورد سوال است، این می باشد که آیا می توان با استناد به مبانی عامی که در زمینه رسیدگی های قضایی وجود دارند، کاربرد هوش مصنوعی را به عنوان قاضی توجیه نمود.

۲-۳-۱-۱-۱- اصل دادرسی منصفانه

اصل دادرسی منصفانه در زمینه بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام قضایی دلالت بر این امر دارد که آیا بکارگیری هوش مصنوعی می تواند منتهی به تضمین حقوق اطراف دعوی و صدور رای قانونی و عادلانه شود.

این اصل از آن رو در زمینه بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده از اهمیت برخوردار است که تردیدهایی در زمینه تضمین رسیدگی عادلانه از سوی هوش مصنوعی با توجه به تکیه صرف بر ورودی داده ها وجود دارد. شکی نیست که فناوری در حوزه دادخواست مدنی، همانند هر حوزه تلاش انسانی، باعث می شود روند کارآمدتر و مؤثرتر شود. به نظر می رسد که نوآوری هایی که در هر کشور پذیرفته شده و به اجرا درآمده اند، تأثیرگذار هستند. از ویژگی های جالب این تحولات روش هایی که سیستم های حقوقی برای پیگیری پیامدهای غیرقابل پیش بینی استفاده می کنند. مانند سایر سیستم های حقوقی مورد بررسی، حرکت تدریجی از یک فرآیند فشرده کاغذ به یک دیجیتال نوید افزایش بهره وری را می دهد، حتی اگر اتکا به حجم بیشتری از اسناد را ترغیب کند. با این حال، ویژگی برجسته تحولات در ایالات متحده، مواردی است که در بالا در رابطه با استفاده از فن آوری های جدید برای تقویت ارائه مدارک مورد بحث قرار گرفت. (سوادکوهی، ۱۳۸۳: ۴)

۲-۳-۱-۱-۲- اصل دسترسی آسان تر به نظام عدالت مدنی

به نظر می رسد اتفاق نظر در این زمینه حاکی از آن است که نگرانی نسبت به تقسیم دیجیتال بیش از حد است و حرکت به سوابق دیجیتالی و ارتباطات در آینده در جهت مثبت نه تنها برای اکثر شرکت کنندگان در روند دادرسی مدنی بلکه برای کسانی که هنگامی که تصور می شد توسط آن حتی بیشتر به حاشیه رانده شوند نیز موثر بوده است. (سوادکوهی، ۱۳۸۳: ۴)

اصل دسترسی آسان تر به نظام عدالت مدنی از این رو در زمینه بکارگیری

هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده از اهمیت برخوردار است که یکی از استدلالات عمده ای که در زمینه هوش مصنوعی در دستگاه قضایی ارائه می شود، تسریع در رسیدگی و کاهش موثر اطاله دادرسی است. البته بدیهی است که سامانه های هوش مصنوعی با در اختیار داشتن حجم وسیعی از داده ها و وجود الگوریتم های پیچیده ای که در آنها قرار داده شده است، قابلیت آن را دارند که به شکل سریع تر به دعاوی حقوقی رسیدگی کنند و از نقطه نظر فنی، این امر قابل اثبات است اما از منظر سایر اصول حاکم بر رسیدگی قضایی هم چون اصل عدالت قضایی، هم چنان تردیدهای اساسی در این زمینه وجود دارد.

۲-۳-۱-۱-۳- اصل تعیین واقعیت ها و تصمیم گیری در مورد پرونده نحوه تعیین حقایق و تصمیم گیری در مورد این پرونده احتمالاً مهم ترین منطقه تغییر است که با معرفی فن آوری های جدید تجربه خواهیم کرد. بنابراین احتمالاً بزرگترین بحث و جدال را با خود به همراه خواهد داشت. همچنین زمینه ای است که تأثیر نسبی آن بر محاکمه مداوم شفاهی قرار می گیرد و تجربه را با وسایل جدید ارائه مدارک در یک کشور از کشور دیگر متمایز می کند. استفاده از بانک های اطلاعاتی حقوقی مانند لکسیس نکسیس و وستلاو برای جستجوی موارد قبلی به قدری در ایالات متحده برقرار شده است که به سختی اتفاق می افتد که آن را در گزارشی از فناوری های جدید گنجانده، حتی اگر تحولات حقوقی را دگرگون کرده باشد و سهولت و اعتماد به نفس که از آن ها در تصمیم گیری پرونده ها استفاده می شود. در نتیجه، احتمالاً عادلانه است که بگوییم بیشترین تغییراتی که در حال

انجام است مربوط به ارائه مدارکی است که در بالا مورد بحث قرار گرفته است و احتمالاً این تأثیر چه میزان بر نحوه تعیین واقعیت ها انطباق دارد.. تجربه در ایالات متحده نشان می دهد که فن آوری های جدید در حال بهبود کارایی و دسترسی هستند. افزایش دسترسی به پرونده های دادگاه، چالش های جدیدی را برای ایجاد توازن بین تضمین باز بودن دادرسی برای عموم مردم و محافظت از نگرانی های قانونی در مورد حریم خصوصی دعاوی، ایجاد می کند. مسائل جدید در مورد هزینه های مرتبط با کشف الکترونیکی و کشف ارتباطات الکترونیکی در حال ظهور هستند. علاوه بر این، فناوری های جدید در جایی که به نظر می رسد پتانسیل تغییر تعادل و رویه های مرتبط با استفاده از هیئت منصفه های مدنی را دارند، بحث برانگیز بوده و از این طریق بر ارزش های اصلی روند دادرسی مدنی تأثیر می گذارد. باقی مانده است که آیا برخی از تغییرات نحوه ارائه شواهد، پذیرش بیشتری خواهند داشت و با انتقال هرچه بیشتر به عصر دیجیتال، رویکرد ما در دریافت اطلاعات تغییر می کند. (سوادکوهی فر، سام، ۱۳۸۳)

۲-۳-۱-۱-۴- اصل استفاده از فناوری هوشمند در سالن دادرسی (ارائه شواهد و افشای اسناد الکترونیکی)

امروزه استفاده از فناوری اطلاعات در سیستم های دادگستری بسیار رایج است به این نحو که در بخش های مختلف قوه مزبور از فناوری اطلاعات استفاده می شود از جمع آوری ادله تا تحصیل گزارش کارشناسی، طرح دعاوی در سامانه ثنا و ... نمود واقعی این استفاده گسترده هستند و تفاوت های زیادی در نحوه و میزان استفاده از این فناوری ها وجود دارد. اگرچه

قطعاً مقاله از دادگاه ها ناپدید نشده است، اما فناوری اطلاعات در عناصر فرآیندهای دادگاه به طور گسترده اتخاذ شده است. استفاده از فناوری آنلاین از جمله سمینار اینترنتی و شهادت از طریق ویدئو کنفرانس در جهت توسعه فناوری اطلاعات در دادگاه ها می باشد. از این رو به دلایل مختلف، تغییراتی که فناوری های جدید می توانند در شیوه انجام دادرسی به وجود آورند، احتمالاً بیشترین تأثیر را در روند دادرسی مدنی خواهند داشت. شنوایی های تلفنی، کنفرانس ویدئویی و شبیه سازی های رایانه ای این امکان را دارند که انقلابی بهتر یا بدتر در نحوه تصمیم گیری پرونده ها ایجاد کنند، چنین تغییراتی بحث برانگیز و آهسته از توسعه ایجاد می نمایند. در اینجا لازم است که تمایز قاطع بین محاکمات و سایر جلسات قضایی مشخص شود. (خالقی، علی، ۱۳۹۵)

فناوری اطلاعات و ارتباطات نقش روزافزونی در زندگی یافته و بسیار سریع جای خود را در زندگی بشر پیدا نموده است. توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات همان طور که بیان شد به حوزه قضایی نیز راه یافته است. فناوری اطلاعات و ارتباطات به معنای کاربرد سامانه های اطلاعاتی و شبکه های ارتباطی و دیگر ابزارهای سخت و نرم است. کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه قضایی طیف گسترده ای دارد مواردی که رواج بیشتری یافته اند عبارتند از: (Haas, Aron 2007)

۱) سیستم مدیریت پرونده قضایی

۲) سیستم تشکیل پرونده الکترونیکی

۳) دادگاه های مجازی

سیستم مدیریت پرونده های قضایی به شیوه الکترونیکی در دادگستری یکی از نمونه های بارز توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات است. سایر سیستم ها در راستای تسهیل ارتباط بین دادگاه ها و نهادهای مرتبط و نیز برای افزایش دسترسی به اطلاعات توسعه یافته اند. سیستم مدیریت پرونده قضایی به عنوان اصلی ترین کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در دادگاه ها از اوایل دهه ۱۹۹۰ مورد توجه کشورها بوده است. این سیستم در استرالیا بیش از سایر کشورها مورد توجه قرار گرفته است. استفاده از فناوری های نو در دادگاه های استرالیا از بخش کیفری آغاز شد. دادگاه های استرالیا در برخی بخش ها جایگاهی پیشرو در این زمینه دارند. تقریباً تمامی شعب دادسرا و دادگاه های بدوی استرالیا از سیستم مدیریت پرونده استفاده می کنند.

به موجب بند ۵ قسمت از ماده ی ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۰۶/۱۱ قوه قضاییه مکلف می شود نسبت به طراحی و استقرار نظام جامع اطلاعات (ام آی اس)، عملیات و مدیریت قضایی به منظور سرعت بخشیدن به عملیات، مدیریت کارآمد، اصلاح فرآیندها و بهبود روش های انجام امور قضایی تا پایان برنامه چهارم اقدام نماید. قانون برنامه پنجم توسعه نیز به گسترش مدیریت پرونده قضایی تصریح کرده است. توسعه سیستم مدیریت پرونده قضایی یک طرح ملی است که در راستای تحقق دادرسی الکترونیکی با هدف ارائه خدمات قضایی با سرعت و سهولت و با حداقل نیاز به حضور فیزیکی انجام شده است. بنابراین از جمله مفاهیم اساسی که در راستای دادرسی الکترونیکی مطرح است سیستم مدیریت پرونده قضایی است. (Monta

(Prado, Mariana 2010)

۲-۳-۱-۲- در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا

در این قسمت به مبانی عامی که در زمینه کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در نظام حقوقی ایالات متحده مورد اشاره قرار می گیرد، پرداخته می شود. نکته ای که در این زمینه باید مورد تدقیق قرار بگیرد که با توجه به این که سبقه بیشتری در این زمینه در نظام حقوقی ایالات متحده مطرح است، مبانی که مطرح می شود، ارتباط بیشتری با کاربرد هوش مصنوعی دارند از جمله می توان به اصل شخص انگاری هوش مصنوعی اشاره نمود که به این معناست که با توجه به قائم به شخص انسان بودن مقام قضاوت، آیا می توان از هوش مصنوعی به عنوان مقام قضایی استفاده نمود.

۲-۳-۱-۲- اصل شخص انگاری هوش مصنوعی

اصل شخص انگاری هوش مصنوعی بدین معناست که هوش مصنوعی، هر موجودی را که دارای مختصات انسان باشد و با آنچه که برای آن برنامه ریزی شده است، منطبق باشد به عنوان شخص یا همان انسان در نظر می گیرد و برای وی حقوق انسانی در نظر می گیرد. لزوماً ممکن است که آنچه که هوش مصنوعی به عنوان انسان در نظر می گیرد، انسان نباشد برای نمونه ممکن است که آنچه که بعداً به عنوان ربات انسان نما در نظر گرفته می شود، از نظر هوش مصنوعی شایسته حقوق انسانی و به ویژه کرامت انسانی باشد. اما پرسش این است که آیا هرچه که هوش مصنوعی به عنوان انسان در نظر می گیرد، شایسته کرامت انسانی است؟ در پاسخ بایستی به مفهوم و جایگاه کرامت انسانی در نظام حقوق بین الملل بشر اشاره داشت. ماده‌ی یک

اعلامیه‌ی حقوق بشر، به اصل آزادی ذاتی انسان چنین اشاره شده است: تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و سپس در ماده‌ی دوم از بهره‌مندی همه‌ی افراد جامعه بشری از نعمت آزادی سخن گفته و در ماده‌ی سوم آن را به عنوان حق شخصی افراد معرفی کرده است. در ماده‌ی پنجم هم به نفی بردگی پرداخته و در ماده‌ی شانزده آزادی در امر ازدواج را مورد تصریح قرار داده و در ماده ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از آزادی فکر، مذهب، عقیده و بیان و آزادی تشکیل مجامع سیاسی و غیره سخن گفته است. و بالاخره در ماده‌ی بیست و نهم، محدودیت‌ها و استثنائاتی وارد بر آن را بیان کرده است. این ماده در مقام بیان محدودیت‌های وارده بر حقوق و آزادی‌های مندرج در اعلامیه چنین مقرر می‌دارد: هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود، فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله‌ی قانون، منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است. در وجه غالب و کلاسیک دموکراسی، معمولاً تنها یک اصل را برای بیان قلمرو و محدودیت حقوق و آزادی‌های افراد، اعلام می‌کنند و آن این که به حقوق و آزادی‌های دیگران صدمه وارد نشود. (ابراهیم پور، ۱۳۹۳: ۲۰) با توجه به اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) تمامی انسان‌ها نسبت به برخورداری از منزلت و شان ذاتی و حقوق قطعی محروم نشدنی که به عنوان بنیان آزادی و عدالت در جهان محق هستند.

حال پس از ذکر این جایگاه بایستی بررسی شود که دامنه کرامت انسانی در

مورد انگاره های انسان مدار توسط هوش مصنوعی چیست ؟ تا دهه گذشته، صحبت از شخصیت و حقوق قانونی برای هوش مصنوعی صرفاً به داستان های علمی-تخیلی بازمی گشت. با این حال، بدیهی است که هوش مصنوعی در آینده ای نه چندان دور، نقش مغز متفکر را در ماشین ها به عهده می گیرد. در شرایط کنونی، شبکه های عصبی مصنوعی متعددی با تعداد نرون های بیشتر از موجودات کوچک وجود دارند که به تدریج در حال پیشرفت بوده و بزرگ تر خواهند شد. در سطح گسترده تر، پروژه هایی وجود دارند که می توانند الگوریتم های زیستی را در سطوح بزرگ تری به اجراء درآورند و کارکردهای مغز انسان را شبیه سازی نمایند. (Yilmaztekin, 2022: 67) حتی هوش مصنوعی در برخی از پروژه ها، آگاهی و شعور انسانی را در داخل مغزهای رایانه ای بارگزاری می نمایند که در این مورد می توان به پروژه «اوپن ورم»^۱ اشاره نمود که سیستم اعصاب مرکزی کانکتوم را مثال زد که به کرم الگانش تعلق دارد و آن را شبیه سازی می نماید. در نظرسنجی که از ۱۷۵ متخصص حوزه هوش مصنوعی در سال ۲۰۱۶ میلادی انجام گرفته است، نیمی از آن ها بر این اعتقاد بودند که تا سال ۲۰۴۰ میلادی، هوش مصنوعی به سطح مغز انسانی رسیده و ۹۰ درصد آن ها نیز این وضعیت را برای سال ۲۰۷۵ میلادی پیش بینی نموده بودند. قطعاً در صورتی که هوش مصنوعی به این سطح برسد بایستی حقوقی هم سطح شخص انسانی را برای آنها در نظر گرفت با این

^۱ Open Worm

حال، تا دستیابی به این وضعیت، هم اینک هوش مصنوعی در مرحله ای فراتر از حیوانات بوده و به همین دلیل حتی می توان گفت که حقوقی را که هم اکنون برای حیوانات قائل می شویم می توان برای موجودات هوشمند مصنوعی نیز در نظر گرفت. (Chakraborty, 2022: 248)

در برخی از نظام های حقوقی پا را از این فراتر گذاشته و برای برخی از مصادیق هوش مصنوعی، شخصیت حقوقی در حد انسان در نظر گرفته شده است برای نمونه نمایندگان پارلمان اروپایی، طرحی را موردنظر قرار داده اند که پایه اولین مجموعه قوانین در ارتباط با تعامل انسان با هوش مصنوعی و ربات ها بوده است و در این طرح در نظر گرفته شده است که به ربات ها که یکی از بارزترین نمودهای هوش مصنوعی هستند، شخصیت حقوقی ویژه تحت عنوان شخصیت الکترونیک اعطاء گردد. ضمن این که در ارتباط با این طرح، پیشنهاد ایجاد یک آژانس اروپایی رباتیک و هوش مصنوعی نیز داده شده است که این امکان را داشته باشد که در زمینه های فناوری، اخلاق و حقوق مرتبط با هوش مصنوعی به پژوهشگران و قانون گذاران و نهادهای دولتی مشاوره دهد.

۲-۳-۱-۲- اصل خودآگاهی و تصمیم سازی هوش مصنوعی

خودآگاهی به عنوان یکی دیگر از اصول حاکم بر هوش مصنوعی تلقی می شود که بدان معناست که فناوری های هوش مصنوعی در لحظه بر اساس آموخته های برنامه ریزی شده الگوریتمی تصمیم می گیرند که چه اقدامی را صورت دهند و این فرآیند تحت عنوان خودآگاهی تلقی می شود. این امر به صورت مستقیم، حق بر حیات انسانی را نشانه گرفته است بدین معنا که

این پرسش ایجاد شده است که زمانی که یک هوش مصنوعی وجود دارد که می تواند بهتر از انسان به قضاوت و تشخیص بپردازد، چه نیازی به وجود انسان است و از این منظر حق بر حیات انسانی در معرض نقض قرار گرفته است. اصل خودآگاهی دلالت بر آن دارد که اصل بر وجود هوش مصنوعی است تا انسان چرا که انسان در موقعیت های مختلف می تواند و قطعاً دچار تشخیص های اشتباه شود در حالی که هوش مصنوعی به این صورت نیست.

در این راستا، مصادیق مختلفی نیز قابل ذکر است برای نمونه نخستین بار در یک مسابقه مرتبط با فهم قراردادهای قانونی، هوش مصنوعی توانست با استفاده از خودآگاهی موجود در آن، وکلای برجسته دادگستری را شکست بدهد. بر اثر این مسابقه، پژوهشگران دریافتند که هوش مصنوعی در دریافت مسایل کلیدی مرتبط با قراردادهای تجاری، ده درصد دقیق تر از وکلاء عمل می نماید. اصل خودآگاهی البته مضرات زیادی نیز برای مشاغل دارد چرا که این انتظار وجود دارد که تا سال ۲۰۳۰ میلادی، هوش مصنوعی بتواند هم در بخش نرم افزاری هم در بخش سخت افزاری جایگزین ۳۰۰ میلیون فرد شاغل در سرتاسر جهان شود.

اصل خودآگاهی در هوش مصنوعی حتی در مسابقات دیگر نیز مورد آزمون قرار گرفت به نحوی که در نتایج رقابت با اساتید حقوق دانشگاه های استنفورد، دوک و کالیفرنای جنوبی، نیز مشخص گردید که فناوری های مبتنی بر هوش مصنوعی مبتنی بر همین اصل خودآگاهی توانسته اند سریع تر موفق شوند.

۲-۳-۲- مبانی خاص

در گفتار پیشین در ارتباط با مبانی عام کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در نظام حقوقی ایران و آمریکا به طرح موضوع پرداخته شد. در این گفتار به مبانی خاصی که در زمینه کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا وجود دارد، اشاره می‌گردد. نکته ای که در این بین وجود دارد و در قسمت پیشینه نیز بدان اشاره می‌شود، پیشینه کاربرد هوش مصنوعی در دستگاه قضایی در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، بیشتر از ایران بوده و همین امر موجب می‌شود که مبانی دقیق تری در این راستا مطرح باشد.

۲-۳-۱- در نظام حقوقی ایران

اصل مدیریت خدمات قضایی به عنوان مهم ترین اصل در زمینه بکارگیری هوش مصنوعی در زمینه دادرسی ها در نظام حقوقی ایران می باشد. بر اساس اولویت و به تدریج به این سیستم اضافه گردیده است که اهم آن ها عبارتند از :

خودکار نمودن دفاتر - در یک شعبه دادگاه نزدیک به ۱۰ دفتر و فهرست مختلف وجود دارد. این دفاتر و فهرست ها ابزارهای اصلی دادگاه برای مدیریت جریان پرونده و وقایع مهم پرونده است. کثرت پرونده های ورودی به دادگاه ها و نیز حجم بالای اطلاعات مورد نیاز برای هر پرونده، استفاده از دفاتر و فهرست های دستی برای مدیریت موثر و کارآمد پرونده ها را غیر ممکن ساخته است. از همین رو در سراسر جهان مکانیزه نمودن دفاتر دادگاه

به عنوان یکی از قابلیت های اصلی سیستم مدیریت پرونده در مد نظر بوده است. اهمیت این امر تا آنجاست که در بسیاری از کشورها، سیستم مدیریت پرونده را مترادف با دفاتر مکانیزه دانسته اند. در ایران نیز از اولین نسخه عملیاتی سیستم به این موضوع توجه شد. در نسخه های بعدی نیز این قابلیت توسعه یافت. در حال حاضر تمامی دفاتر دادگاه ها مکانیزه شده است و از امکانات مختلف مانند رنگ بندی، قابلیت جستجو، قابلیت هشدار وقایع مهم، مرتب سازی و امثالهم برای کمک به کاربران در مدیریت بهتر جریان پرونده ها استفاده شده است. (رمضانی خورشید دوست، ۱۳۸۱: ۲۱)

دستاوردهای سیستم مدیریت پرونده قضایی را می توان در چهار گروه به شرح زیر بیان نمود: (Walton D.F 2002)

-افزایش سرعت و کیفیت دادرسی

- کمک به جلوگیری از طرح دعاوی تکراری در مراجع قضایی متعدد
- تسریع در برقراری ارتباط مراجع قضایی با سایر سازمان های تابعه
- کاهش هزینه های دادرسی از طریق مکانیزه نمودن فرایندهای دستی
- امکان انتشار آرای مراجع مختلف قضایی و قانونی برای بهره برداری مجامع علمی و قضات

- کاهش اشتباهات کارکنان شعب در تنظیم اوراق نظیر اخطاریه

- کمک به کاربران در رعایت مهلت های قانونی

- ارتقای توان ارزیابی و نظارت قضایی

- امکان ارزشیابی و نظارت بر فعالیت قضات و دادگاه ها

- مقایسه وضعیت رسیدگی به پرونده های مختلف در سراسر کشور

- تسریع دسترسی به اطلاعات سجل قضایی افراد
- یافتن کاستی های آموزشی و تجربی قضات و کارکنان امور قضایی
- کمک به توزیع مناسب پرونده ها به شعب
- تعیین عوامل فرایندی موثر بر اطاله دادرسی بر حسب تاثیر زمانی
- پیشگیری و کاهش تخلفات در فرایند دادرسی
- امکان پیگیری تغییرات در داده های سیستم
- افزایش امنیت تبادل و انتقال اطلاعات قضایی
- جلوگیری از مفقود شدن اوراق پرونده
- ارائه خدمات الکترونیک به شهروندان
- پاسخگویی و ارائه اطلاعات از وضعیت پرونده از طریق پایگاه اطلاع رسانی
- اطلاع رسانی در موارد مهم پرونده به طرفین دعوا از طریق پیامک
- ارسال ابلاغیه ها به مردم به صورت پست الکترونیکی
- دریافت لایحه ، دادخواست و شکواییه از مردم از طریق شبکه اینترنت
- جلوگیری از سردرگمی مردم در پیگیری پرونده ها از طریق سامان دهی شماره پرونده (Walton D.F,2002)

۲-۳-۲-۲- در نظام حقوقی آمریکا

- در این قسمت به مبانی خاصی که ناظر بر بکارگیری هوش مصنوعی از منظر حقوقی وجود دارد، در نظام حقوقی آمریکا پرداخته می شود..
- ۲-۳-۲-۱- اصل تصمیم گیری

اصل تصمیم گیری که می توان آن را از نتایج اصل شخص انگاری دانست بر این مبنا استوار شده است که فناوری های مبتنی بر هوش مصنوعی، قدرت استقلال و تصمیم گیری در اکثریت امور را دارند. البته اصل تصمیم گیری در مورد هوش مصنوعی واجد استثنایاتی نیز است به طوری که طبعی است که هوش مصنوعی نمی تواند به مانند شخص حقیقی در همه امور خود تصمیم گیری مستقلانه ای را داشته باشد و از این رو، بایستی وی را به شخص حقوقی شباهت بیشتری دانست تا به شخص حقیقی. شخص حقوقی که بایستی در حکم اموال تلقی گردد و دارایی و اراده او مستقل از نمایندگان خود نباشد. (Rajan, 2017: 1)

اصل تصمیم گیری امروزه به وضوح از سوی فناوری های مبتنی بر هوش مصنوعی بکار گرفته می شود به نحوی که در جدیدترین هوش مصنوعی که به شکل ربات اجتماعی تدوین شده است و بدان سوفیا اطلاق می شود، قوه اراده و تصمیم گیری و استقلال در رای در آن لحاظ شده بود. (Potember, 2017: 1-3)

۲-۳-۲-۲- اصل مسئولیت پذیری

بدیهی است که زمانی که صحبت از حقوق و تعهدات برای فناوری های مبتنی بر هوش مصنوعی می گردد، بایستی در کنار آن اصل مسئولیت پذیری نیز مورد پذیرش قرار گرفته شود. این موضوع حتی در طرح پیشنهادی پارلمان اروپایی در مورد هوش مصنوعی نیز موجود است که بر آن تاکید داشته است. مواردی که می تواند مرتبط با اصل مسئولیت پذیری ذکر شود، عبارتند از:

- ۱- استفاده از هوش مصنوعی نبایستی به نحوی باشد که آزادی های بنیادین بشری را محدود یا نقض کند ؛
- ۲- هوش مصنوعی بایستی در راستای اهداف و منافع عمومی بکار گرفته شود
- ۳- هوش مصنوعی نبایستی بر زندگی انسان ها تفوق داشته باشد و این انسان است که همیشه بایستی هوش مصنوعی را تحت کنترل خود قرار بدهد
- ۴- هوش مصنوعی بایستی به نحوی طراحی و تدوین شده باشد که امکان دسترسی عمومی فراهم باشد.

۲- ۴- ضرورت و اهمیت هوش مصنوعی در نظام های حقوق بشری
در مبحث سوم این فصل به دلایل ضرورت و اهمیت هوش مصنوعی پرداخته می شود. نکته ای که در این خصوص ، بسیار حائز اهمیت است این نکته است که اصلی ترین دلیل ضرورت و اهمیت هوش مصنوعی ، حمایت از آینده صرف، مدیریت بهتر راهبردی حقوق بشر و شناسایی حقوق دارندگان مالکیت فکری در فضای مجازی است. در هر صورت، در ادامه به مهم ترین این دلایل پرداخته می شود.

۲- ۴- ۱- تسهیل امور عمومی

یکی از اصلی ترین ضرورت ها و اهمیت های هوش مصنوعی در نظام های ثبت مالکیت فکری، سهولت امور عمومی است. در این میان به طور نمونه به دستیاران صوتی اشاره داشت که از طریق کاربرد الگوریتم های پردازشی زبان طبیعی، از این قابلیت برخوردار هستند که با افراد ارتباط برقرار کرده و

پس از این که صدای کاربر را دریافت نمودند، زبان استفاده شده آن را مورد تفسیر قرار بدهند و پاسخ مناسبی را به وی در زمان معقول بدهند. مهم ترین دلیل مقبولیت دستیار صوتی آن است که نسبت به سایر روش های جستجو محصولات بسیار سریع تر عمل نموده و موجب رضایت بیشتر مصرف کنندگان را فراهم می سازد. (شاگری و امیرشاه کرمی، ۱۴۰۱: ۳۲)

۲-۴-۲- تسریع در زمینه رسیدگی ها

یکی دیگر از ضرورت های ناظر بر بکارگیری سامانه های هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده، تسریع در زمینه رسیدگی ها می باشد. اگرچه فناوری های الکترونیکی، نقش بارزی در زمینه تسریع در زمینه رسیدگی ها ایفاء نموده است اما این فناوری ها هم تا حدود زیاد به مداخله نیروی انسانی در زمینه عملکردشان متکی هستند. در این زمینه، فناوری های هوش مصنوعی با بکارگیری الگوریتم های متعدد و پیچیده، نیاز به مداخله انسانی را به حداقل خود رسانیده اند و همین امر موجب سرعت بیشتر در زمینه رسیدگی ها می شود. بدیهی است که تسریع در زمینه رسیدگی ها همراه با اعمال دقت همراه بوده است و همین امر نیز یکی دیگر از وجوه تمایز سامانه های هوش مصنوعی نسبت به سایر فناوری ها می باشد.

**فصل دوم - مولفه های حاکم بر بکارگیری هوش
مصنوعی در جایگاه مقام رسیدگی کننده در نظام
حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا**

در این فصل به مولفه های مهم در زمینه کاربرد هوش مصنوعی در جایگاه مقام رسیدگی کننده یعنی منابع، گستره، اصول و شرایط حاکم در نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا اشاره می شود. اهدافی که در این فصل در پی تحقق آن هستیم اولاً این موضوع می باشد که چه منابع قانونی ناظر بر کاربرد هوش مصنوعی در نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا وجود دارد ثانیاً کاربرد هوش مصنوعی در نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا صرفاً در رسیدگی های قضایی امکان پذیر بوده یا این

که در شیوه های جایگزین حل و فصل اختلافات مانند داوری، میانجی گری و سازش نیز امکان استفاده دارد؟ نهایتاً به این موضوع خواهیم پرداخت که اصول و شرایط حاکم بر بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده چه بوده و چه تفاوت ها و شباهت هایی که در این زمینه بین آنها وجود دارد؟

۳-۱- منابع حاکم بر بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا

در مبحث نخست این فصل به منابع حاکم بر بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا اشاره می شود. بدیهی است که در نظام حقوقی ایران به تاسی از فقه امامیه، شرایط خاصی برای قاضی مطرح شده است که از جمله آن می توان به مسلمان بودن و عادل بودن اشاره داشت. عمده ویژگی ها و شرایطی که برای قاضی مطرح شده است در ارتباط با هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی قابل اعمال نیست و از همین روست که در سند تحول قضایی، هوش مصنوعی نه به عنوان قاضی بلکه به عنوان دستیار هوشمند قضایی مطرح شده است.

در هر صورت، در این مبحث به منابع قانونی ناظر بر بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا پرداخته می شود. در این راستا، اولویت با قانون اساسی بوده که بالاترین قوانین در هر نظام حقوقی است و سپس به قوانین عادی و نهایتاً به آیین نامه ها و دستورالعمل هایی که در این زمینه وجود دارند، اشاره می

گردد.

البته آنچه که در مبحث نخست این فصل مورد اشاره قرار می گیرد، ناظر بر منابع الزام آور حقوقی است و از این رو، منابعی که غیرالزام آور هستند برای نمونه آرای قضایی صادره از محاکم قضایی که با وجود منبع بودن اما غیرالزام آور هستند، در این مبحث مورد نظر نیستند اگرچه هم در خلال این فصل و هم در فصل های گذشته و آتی به نمونه هایی از آرای قضایی اشاره شده است.

۳-۱-۱- منابع حاکم بر بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایران

در گفتار نخست این مبحث به منابع حاکم بر بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایران اشاره می شود. در وهله اول باید به این امر اشاره نمود که در حال حاضر، نظام حقوقی ایران فاقد یک قواعد تقنینی خاص ناظر بر هوش مصنوعی است و صرفاً در چندین سال گذشته در بطن اسناد کلی از جمله سند تحول قضایی به موضوع کاربرد هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده اشاره شده است. در وهله دوم، این نکته حایز اهمیت است که عمده منابعی که در ادامه مورد اشاره قرار می گیرند، اسنادی هستند که در زمان تصویب آنها، بحث هوش مصنوعی مطرح نبوده است و از روی استنباط قواعد کلی مندرج در این قوانین است که به این نکته پی خواهیم بود که بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایران مجاز است یا خیر؟ بدیهی است که ترتیب بحث بر اساس سلسله مراتب قوانین از قانون اساسی به آیین

نامه ها و دستورالعمل ها است.

۳-۱-۱- قانون اساسی

بالاترین سند قانونی در نظام های حقوقی نوشته، قانون اساسی آن است و نظام حقوقی ایران نیز به عنوان یک نظام حقوقی نوشته از این امر مستثنی نیست. قانون اساسی هر کشور، نمایانگر تضمین بنیادین ترین حقوق شهروندان و تنظیم اختیارات و تکالیف نهادهای عمومی و دولتی است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سلف های آن، هیچ اشاره ای به مباحث هوشمند با توجه به عدم مطرح شدن این چنین بحث هایی در آن زمان نشده است. با این حال، در این قانون از حق دسترسی آحاد ملت اعم از زن و مرد به صورت برابر به دادگاه اشاره شده است. از این منظر، دسترسی آسان تر و سهل تر شهروندان ایرانی از طریق فضای اینترنتی و سایبری به محاکم قضایی خود می تواند منتهی به تحقق عمده تر دادرسی منصفانه توسط مراجع قضایی شود.

از سوی دیگر، فناوری های هوش مصنوعی که در زمینه قضایی به کار برده می شود، بایستی در جهت احقاق حقوق آحاد ملت بتواند بکار گرفته شود تا این امکان حاصل گردد که دسترسی شهروندان به خدمات قضایی تسهیل شده است چرا که بر طبق اصول قانون اساسی، نمی توان هیچ یک از شهروندان را از احقاق حقوق خود بازداشت. از دیگر مواردی که می توان به عنوان ظرفیت های هوش مصنوعی در دستگاه قضایی یاد نمود، ارتقای شفافیت در عملکرد قضایی به صورت عام و قضات و کارمندان دستگاه قضا به صورت خاص است.

اگرچه در سیاست‌های کلی نظام در حوزه قضایی با توجه به سال تصویب آن، به صراحت از دسترسی دستگاه قضایی به امکانات هوشمند، صحبت نشده است اما الزامات و مطالبات متعددی که در این زمینه وجود دارند، می‌توانند از طریق استنباط، مخاطب را به سمت و سوی هوشمند شدن دادرسی‌های مدنی نیز بکشاند از جمله نظام‌مند کردن استفاده از بینه یا تخصصی شدن رسیدگی در دادگاه‌ها که هر دوی این اهداف بدون هوشمند شدن دادرسی‌ها خواه دادرسی مدنی و هوشمند امکان‌پذیر نیست. نکته‌ای که می‌توان از این سیاست‌ها متوجه شد، آن است که هوشمند شدن دادرسی‌های مدنی صرفاً بخشی از روند کلی اصلاحات در قوه قضاییه است و بنابراین بایستی همراستا با سایر تحولات صورت پذیرد.

۳-۱-۱-۲- قانون آیین دادرسی مدنی

قانون آیین دادرسی مدنی به عنوان قانون مادر در زمینه امور شکی یا همان دادرسی مدنظر می‌باشد. نکته‌ای که در این بین باید به آن توجه کرد، آن است که نه تنها قواعد مربوط به دادرسی‌های هوشمند بلکه قواعد مربوط به دادرسی‌های الکترونیک نیز در قانون آیین دادرسی مدنی مندرج نشده‌اند و در این زمینه استثنایا بخش نهم قانون آیین دادرسی کیفری تحت عنوان دادرسی‌های الکترونیک است که به موضوع دادرسی‌های الکترونیک می‌پردازد. با این حال، می‌توان این امر را مورد پذیرش قرار داد که در نبود قواعد افتراقی در زمینه دادرسی‌های هوشمند، بایستی این دیدگاه را داشت که همان قواعد آیین دادرسی مدنی در حوزه دادرسی‌های هوشمند نیز بکار برده می‌شوند. این تفسیر به ویژه از آن رو مورد پذیرش بیشتری قرار

می گیرد که هوش مصنوعی به عنوان دستیار هوشمند قضایی در دستگاه قضایی مورد استفاده قرار می گیرد و نه به عنوان شخص قاضی که در تسری مقررات قانون آیین دادرسی مدنی به دادرسی های هوشمند خلل ایجاد نماید. بنابراین، در دادرسی های هوشمند از منظر قانون آیین دادرسی مدنی، آیین طرح دادخواست و هم چنین ارائه لوایح و ایراداتی که خواننده یا حتی خواهان می تواند نسبت به دعوی مطرح نمایند، همانند دادرسی های عادی است.

۳-۱-۱-۳- قانون تجارت الکترونیک

اگرچه قانون تجارت الکترونیک در ارتباط با مباحث مربوط به معاملات الکترونیکی است اما با توجه به شیوه کارکردهای الکترونیکی را تنظیم گری می نماید و بخشی از نرم افزارهای هوش مصنوعی نیز می توانند در همین قالب توجیه شوند، ارتباط با بحث پیدا می نماید.

نکته ای که ارتباط بیشتر قانون تجارت الکترونیک با بکارگیری هوش مصنوعی در جایگاه مقام رسیدگی کننده را توجیه می نماید، این است که قانون مزبور علاوه بر این که همان گونه که نشان می دهد، یک قانون در ارتباط با مبادلات الکترونیکی و اینترنتی است، یک قانون مرتبط با تقویت و تضمین زیرساخت های فنی اینترنتی و الکترونیکی و به صورت کلی فناورانه است که از این منظر، نقض تکالیف قانونی در زمینه زیرساخت فناورانه، موجبات مسئولیت مدنی و حتی کیفری قلمداد شده است. در این راستا، می توان این چنین برداشت نمود که در صورتی که تعهداتی که یک قاضی در

زمینه رسیدگی به یک دعوی مدنی برعهده دارد از جمله حفظ محرمانگی داده ها، به واسطه ضعف در زیرساخت های هوش مصنوعی بکار گرفته شده، نقض شود، می توان بر اساس قانون تجارت الکترونیک، مسئولیت مدنی و کیفری را در این زمینه مطالبه نمود ثانيا قانون تجارت الکترونیک، قانونی است که تمامی مواد آن به صورت الزام آور بوده و از این رو، در صورتی که در مقام بکارگیری هوش مصنوعی در قوه قضاییه، توافق خلاف مفاد مقررات قانون تجارت الکترونیک صورت پذیرد، این توافق محکوم به بطلان است.

چند نتیجه اصلی را می توان از این قانون در ارتباط با بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایران دریافت نمود اولاً اینکه وزارت ارتباطات به عنوان متولی اصلی توسعه مباحث مربوط به بکارگیری هوش مصنوعی در دستگاه های حاکمیتی کشور از جمله قوه قضاییه است. از این رو، هر یک از شرکت هایی که تمایل به سرمایه گذاری در حوزه هوش مصنوعی در دستگاه قضایی دارند، پیشتر مجوزهای لازم را باید از وزارت ارتباطات اخذ نموده باشند ثانيا همان طور که در ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک در ارتباط با اهداف وضع این قانون آمده است، بکارگیری هوش مصنوعی در دستگاه قضایی نیز بایستی توأم با فراهم نمودن زیرساخت های اصلی و اجرایی، بدون تبعیض و ... باشد. تجارت هوشمند که معاملات اینترنتی تحت پوشش آن قرار می گیرند؛ در قانون تجارت هوشمند مورد نظر قرار گرفته است. اهمیت تجارت هوشمند و مبادلات اینترنتی در قانون تجارت الکترونیک نیز مورد توجه قرار گرفته

است به نحوی که تصریح شده است که «دولت جمهوری اسلامی ایران عزم خود مبنی بر استفاده و گسترش تجارت هوشمند در کشور را بر طبق اصول و سیاست‌های زیر اعلام می‌نماید» (گنج بخش، ۱۴۰۲: ۳۴)

ماده‌ی ۲ اصول مذکور را بدین شرح بیان می‌دارد:

«۱. فراهم نمودن زیرساخت‌های اصلی و زمینه‌های حقوقی و اجرایی مورد نیاز برای استفاده از تجارت هوشمند؛

۲. توسعه‌ی آموزش و ترویج فرهنگ استفاده از تجارت الکترونیک؛

۳. حمایت از توسعه‌ی فعالیت‌های بخش غیر دولتی و جلوگیری از

انحصار و ایجاد زمینه‌های رقابت؛

۴. رفع هر گونه محدودیت تبعیض آمیز در تجارت الکترونیک؛

۵. گسترش استفاده از شبکه‌ی اینترنت برای انجام تجارت الکترونیکی

در کشور و اتخاذ تدابیر لازم برای بهداشت محتوایی شبکه‌ی یاد

شده.» (محمدی، ۱۳۹۹: ۱۱۲)

ماده‌ی ۳ که سیاست‌های اجرایی را اعلام می‌کند، برای بخش‌های مختلف دولت، از جمله شرکت مخابرات، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی ایران، وزارت بازرگانی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت امور خارجه، وزارت پست، تلگراف و تلفن و دبیرخانه‌ی شورای عالی اطلاع‌رسانی، سازمان صدا و سیما، دبیرخانه‌ی شورای عالی مناطق آزاد وظایفی برشمرده و در ادامه مقرر کرده است: «وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی موظف‌اند نسبت به راه‌اندازی تجارت هوشمند در مبادلات خود اقدام و تا پایان برنامه‌ی سوم توسعه حداقل نیمی

از مبادلات خود را به این روش انجام دهند.»

گفتنی است گزارش عملکردها در این زمینه چندان خرسند کننده نیست؛ مثلاً طبق بررسی‌های شورای عالی اطلاع‌رسانی، طی سال فقط ۴ میلیارد و ۸۷۵ میلیون ریال از بودجه‌ی اختصاص داده‌شده به وزارت بازرگانی تخصیص یافت. این رقم کم‌تر از نیمی از بودجه‌ی مصوب برای این وزارت‌خانه برای اجرای پروژه‌های تجارت هوشمند است (روزنامه‌ی عصر ارتباط، ص ۶). نتیجه‌ی کاستی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری موجود در کشور، آن است که میان ۶۰ کشور، در تجارت الکترونیک، ایران در رتبه‌ی ۵۸ قرار گرفته است؛ البته امید است که با عزم ملی بتوان بر مشکلات غلبه کرد و جایگاه کشور را ارتقا داد.

از مهم‌ترین قوانینی که، برای پاسخ به این نیاز اجتماعی و اقتصادی تصویب شده است، قانون تجارت الکترونیک (مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷) است. این قانون مشتمل بر ۶ باب و ۸۱ ماده است.

مهمترین مقررہ قانون تجارت هوشمند که در مورد هوش مصنوعی در رسیدگی‌ها نیز متسری است، ماده ۷۸ این قانون ذیل باب پنجم (جبران خسارت) است که مقرر می‌نماید: «هرگاه در بستر مبادلات هوشمند در اثر نقص یا ضعف سیستم مؤسسات خصوصی و دولتی، به‌جز در نتیجه قطع فیزیکی ارتباط هوشمند، خسارتی به اشخاص وارد شود، مؤسسات مزبور مسؤول جبران خسارات وارده می‌باشند مگر اینکه خسارات وارده ناشی از فعل شخصی افراد باشد که در این صورت جبران خسارات برعهده این اشخاص خواهد بود».

۳-۱-۴- قانون داوری تجاری بین المللی

به این دلیل که مقررات قانون آیین دادرسی مدنی در ارتباط با داوری، قدیمی و تقریباً غیرقابل اجراء بود و به ویژه برای رسیدگی به دعاوی تجاری و بازرگانی کافی تلقی نمی شد، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۶ شهریورماه ۱۳۷۶، قانونی تحت عنوان «قانون داوری تجاری بین المللی» را به تصویب رسانید که در تاریخ ۹ مهرماه همان سال نیز از سوی شورای نگهبان مورد تایید قرار گرفت. این قانون اقتباسی از قانون نمونه آنستیرال بوده که در ۳۶ ماده و نه فصل به رشته تحریر درآمده است. این نه فصل عبارت هستند از: مقررات عمومی، موافقت نامه داوری، ترکیب هیات داوری، صلاحیت داور، نحوه رسیدگی داور، خاتمه رسیدگی، صدور رای، اعتراض به رای. (عندلیبی، ۱۳۹۸: ۲۱)

طبیعی است با توجه به این که قانون داوری تجاری بین المللی از روی نسخه به روز نشده قانون نمونه آنستیرال تدوین و تصویب شده است و در آن زمان نیز به موضوع هوش مصنوعی و قابلیت های هوش مصنوعی در زمینه رسیدگی های تجاری بین المللی پی برده نشده بود، مقرره ای خاص در این زمینه دیده نمی شود.

۳-۱-۵- سند تحول قضایی

مهم ترین آیین نامه ای را که می توان در آن به هوش مصنوعی در رسیدگی ها اشاره داشت، سند طرح تحول قضایی است که از سوی ریاست قوه قضاییه وقت در سال ۱۳۹۸ به تمامی سازمان ها و واحدهای تابعه این قوه ابلاغ شد و در مواد مختلف آن به موضوع، هوشمند شدن دادرسی ها و ابعاد مختلف آن

اشاره شده است. (علی محمدی، ۱۴۰۳: ۷) برای نمونه، در بند یک راهبرد شماره یک تحت عنوان «شناسایی هوشمند آراء متعارض و قوانین و مقررات متعارض، مبهم و ناقص» آمده است: «جمع‌سپاری ثبت مصادیق آراء متعارض و داده‌کاوی اطلاعات **سامانه مدیریت پرونده** به منظور افزایش صدور آرای وحدت رویه قضایی با ایجاد رویه واحد» یکی دیگر از مواردی که نشان‌دهنده رویکرد این آیین‌نامه نسبت به هوش مصنوعی در رسیدگی‌ها است، در ذیل راهبرد شماره ۳ آن تحت عنوان «ایجاد سامانه دستیار هوشمند قضایی» جلوه گر می‌باشد که مجدداً یکی از نمودهای هوش مصنوعی در رسیدگی‌ها است. هم‌چنین در این آیین‌نامه یکی از راهکارهای اصلی پیشگیری از صدور نظرات کارشناسی نادرست، ایجاد سامانه و کاربرگ‌های استاندارد با قابلیت اتصال به سامانه مدیریت پرونده است. (حسنی، ۱۴۰۲: ۹۸)

از زمان لازم‌الاجراء شدن قوانین جدید در حوزه هوشمند شدن دادرسی مدنی در نظام حقوقی ایران که شرح آن، در قسمت‌های قبلی رفت، تاکنون آرای متعددی در زمینه دادرسی هوشمند مدنی صادر شده است که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

الف - دادنامه شماره 9209970220100432 به تاریخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۶ شعبه یک دادگاه تجدیدنظر استان تهران: در این دادنامه به این موضوع اشاره شده است که با وجود سیستم هوشمند ثبت دادخواست، لزومی به تحریر دادخواست در برگ چاپی مخصوص منشور شده از سوی وزارت دادگستری نیست. در بخشی از این دادنامه با اشاره به هوشمند شدن

دادرسی مدنی، اشعار می دارد: ((با عنایت بر احیای سیستم هوشمند دادخواست تجدیدنظر خواه با وجود درج کد رهگیری و درج میزان هزینه دادرسی پرداختی مطابق مقررات قانونی بوده فلذا در اجرای قسمت اخیر ماده ۳۵۳ از قانون آیین دادرسی مدنی ضمن نقض دادنامه معترض عنه پرونده عیناً جهت رسیدگی به شعبه محترم نخستین اعاده می گردد.)) (<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/4571>)

ب- دادنامه شماره 9309970907100487 به تاریخ ۱۳۹۳/۰۹/۲۸ شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مبنی بر اعتبار ادله هوشمند است. از آنجا که ادله هوشمند به تصریح قانون تجارت هوشمند که در قسمت های قبلی مورد اشاره قرار گرفته است، با ادله سنتی هیچ تفاوتی از نظر پذیرش در محاکم قضایی ندارد، در این دادنامه به این موضوع اشاره شده است

۳-۱-۲- منابع حاکم بر بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا

در گفتار دوم این مبحث به منابع حاکم بر بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا اشاره و بحث می گردد. از سوی دیگر، لزوماً توسعه قضایی در زمینه بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در تمامی ایالات آمریکا به یک اندازه نبوده و در برخی از ایالات ممکن است که با حرکت بیشتری به این سو همراه باشد. در ادامه به مانند گفتار مربوط به ایران بر اساس سلسله مراتب قوانین به تبیین رویکرد نظام حقوقی ایالات متحده در این زمینه پرداخته می شود.

۳-۱-۲-۱- قانون اساسی فدرال

در اصلاحیه چهارم قانون اساسی ایالات متحده به منظور دسترسی موثرتر شهروندان به خدمات قضایی، نهادهایی در وزارت دادگستری این کشور مامور شده اند تا روند رایحه خدمات قضایی به مردم عادی بکوشند. از آنجا که وزارت دادگستری ایالات متحده آمریکا بر عملکرد تمامی قضات در سرتاسر کشور نظارت دارد؛ بنابراین مرجع رسیدگی به اختلافات ناظر توسط اطراف دعوی از سوی وزارت دادگستری ایالات متحده آمریکا انتخاب می شود.

۳-۱-۲-۲- قانون آیین دادرسی مدنی

قوانین عادی متعددی در ایالات متحده آمریکا و ایالت های آن در زمینه هوشمند شدن دادرسی به تصویب رسیده اند اما زمانی که انتشار، پخش تلویزیونی، ضبط و یا عکاسی در دادگاه اجازه داده شد، قضات باید تضمین کنند که این کار به روش انجام شده است که ۱- مطابق با حقوق طرفین پرونده هست ۲- به صورت بی جهت حواس افراد شرکت کننده در دادرسی را پرت نمی کند. ۳- به طور دیگری با اجرای عدالت مداخله ندارد (O'Conner, 2016: 28) از سوی دیگر، از آنجا که سامانه های الکترونیک قضایی بایستی متصل به اینترنت باشند، هرگونه اشتباه در این سامانه ها که بر روند مدیریت اطلاعات پرونده های قضایی تاثیر گذار باشد، با ضمانت اجراهای مسئولیت مدنی و حتی مسئولیت کیفری همراه خواهد بود. از

جمله در بخش «۲» ۱۰ قانون هوشمند ایالت یوتا^۱، در مورد خطا در محیط هوشمند راه حل عملی ارائه کرده است منطبق این بند، "اگر سامانه هوشمند به نحوی طراحی شده باشد که به طرف مقابل، امکان تصحیح خطا یا اشتباه را ندهد در این صورت با تحقق شرایط زیر، آثار اشتباه یا خطا متوجه شخص یا سامانه هوشمند که خطا کرده نخواهد بود

۱. وقوع اشتباه و عدم قصد انعقاد قرارداد را به شیوه ای متعارف به طرف مقابل اعلام کند.

۲. اقدامات لازم را انجام داده باشد. برای مثال: در جهت تصحیح خطا راهنمایی های ارائه شده در تارنما را به کار گیرد یا آنچه به دلیل اشتباه در مبادله داده پیام دریافت کرده، مسترد کند.

۳. از این اشتباه یا خطا نفع یا سودی عاید وی نشود.

این موضوع در بند «د» بخش ۲۱۳ و بند «ب» بخش ۲۱۴ قانون متحدالشکل مبادلات اطلاعات رایانه ای آمریکا (یوسیتا) نیز مورد توجه قرار گرفته است. بخش بند «ب» بخش ۲۱۴ مقرر داشته است: «مصرف کننده در معاملات خود کار، به پیام هوشمند که قصد ایجاد آن را نداشته و از طریق خطای هوشمند، به وجود آمده ملتزم نیست، مشروط بر آنکه مصرف کننده:

طرف دیگر را از وجود خطا، مطلع کند و اطلاعات را به طرف دیگر تسلیم کرده یا برحسب دستورات معقول و متعارف، که از طرف دیگر دریافت کرده، به طرف دیگر تسلیم یا تمام کپی های آن اطلاعات را از بین ببرد؛ از آن

^۱ Iotta

سابقه استفاده نکرده و یا هیچ نفع و فایده ای از آن نبرده باشد و یا موجب شده باشد که آن اطلاعات یا منافع آن به شخص ثالثی رسیده باشد.»

درمورد افشای اسناد هوشمند باید گفت که افشای اسناد هوشمند در آمریکا از طریق دو منبع، یعنی مقررات آیین دادرسی مدنی (فدرال و ایالتی) و رویه قضایی هدایت می شود. این دو منبع موتور محرکه افشای اسناد هوشمند در این کشور هستند. طبق مقررات مربوط به افشای اسناد هوشمند، پس از تشکیل ماده نزاع و در بستر دادرسی، هر گونه اطلاعات غیرمحرمانه که به یک ادعا یا دفاع مربوط است باید براساس درخواست طرف مقابل افشا و ارائه شوند در واقع همان طور که دیوان عالی آمریکا در پرونده مشهور «هیچمن علیه تیلور» بیان کرده است «آگاهی هر طرف از تمامی واقعیات گردآوری شده توسط طرف دیگر برای یک دادرسی شایسته و مناسب ضروری است. بدین منظور، هریک از طرفین می تواند دیگری را به افشای حقایقی که در دست دارد اجبار کند». بر این اساس در آمریکا همه طرف های اختلاف ملزمند در جلسه ای موسوم به «ملاقات و مذاکره» موضوعات مربوط به افشای اسناد هوشمند را مورد بحث قرار داده، بعد از حصول توافق، برنامه ای در مورد نحوه افشا تنظیم کنند. مسائلی که طرفین نمی توانند درخصوص آنها به توافق برسند، باید برای حل اختلاف به دادگاه ارجاع شوند. (Bockweg, gary, 2012)

۳-۱-۳- قانون رسیدگی های مدنی الکترونیک

یکی از وجوه متمایزکننده رویکرد نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا نسبت به ایران در ارتباط با بکارگیری هوش مصنوعی در جایگاه مقام رسیدگی

کننده، قانون رسیدگی های مدنی الکترونیک است که این امکان را داده است که فناوری ها با تشخیص وزارت دادگستری آمریکا، به صورت جزئی یا کلی در قوه قضاییه بکار برده شوند. این تصریح که به صورت مطلق در ارتباط با هر گونه فناوری که مورد تایید وزارت دادگستری آمریکا صورت گرفته است، می باشد، طبیعتاً در ارتباط با فناوری های هوش مصنوعی نیز قابل اعمال است. این چنین رویکردی، موجب می شود که فناوری های هوش مصنوعی که مورد تایید وزارت دادگستری ایالات متحده قرار بگیرند نیز بتواند به صورت جزئی یا کلی به عنوان مقام رسیدگی کننده در دادگاه های فدرال و ایالتی مورد استفاده قرار بگیرد. (Anderson, 2024: 27)

با توجه به اصل تفکیک قوا که در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا حاکم است، به صورت کلی، رئیس جمهور نمی تواند دستور اجرایی صادر نماید که در آن، به هوشمند شدن دادرسی های مدنی اشاره شده است چرا که این امور در صلاحیت کنفرانس قضایی ایالات متحده آمریکاست که بالاترین نهاد تصمیم گیر قضایی در این کشور محسوب می شود. با وجود این، چندین دستور اجرایی از ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا وجود دارد که در آن، بر امنیت سایبری و هوشمند شدن در حوزه های مختلف تاکید شده است که می تواند در زمینه دادرسی مدنی نیز استفاده شود. از جمله می توان به دستور اجرایی ریاست جمهوری فعلی ایالات متحده آمریکا با عنوان ارتقای امنیت سایبری ملت اشاره نمود در بخشی از این سند آمده است که ارایه دهندگان خدمات اینترنتی در هر بخشی که می تواند شامل بخش قضایی نیز باشد؛ بایستی تهدیدات سایبر و اطلاعات ناظر بر

وقوع حوادث سایبری با نهادهای متولی ایالات متحده آمریکا به اشتراک گذاشته شده باشند.

۳-۱-۲-۴- آرای دادگاه های فدرال

در سال ۱۹۷۲ کنفرانس قضایی ایالات متحده آمریکا ممنوعیت نسبت به «انتشار، پخش تلویزیون، ضبط و عکس گرفتن در دادگاه» را پذیرفت. این ممنوعیت که شامل رفتار قضات ایالات متحده بود، شامل پرونده های حقوقی و کیفری می شد. برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ روش کنفرانس ویدیویی برای جلسه تعیین قرار در دادگاه ایلینوئز مطرح شد، متعاقباً دادگاه فیلادلفیا روش تلویزیون مدار بسته را در سال ۱۹۷۴ برای جلسه مقدماتی دادگاه بکار گرفت. دادگاه فلوریدا در سال ۱۹۸۳ این روش را برای جرایم جنحه ای بکار برد. در اکتبر ۱۹۹۸ قاضی رن کوئیست به کمیته ویژه خود در مورد حضور دوربین در دادگاه را پذیرفت. این گزارش یک طرح پایلوت را توصیه می کند تا پوشش رسانه ای هوشمند رسیدگی حقوقی را در شش دادگاه محلی و دو دادگاه تجدید نظر پذیرد. این کنفرانس همچنین ممنوعیت موجود در قوانین را از بین برد و سیاست جدید را در ارتباط با ویدیو کنفرانس پذیرفت. سیاست جدید معتقد است: قضات می توانند انتشار، پخش تلویزیونی، ضبط و عکس گرفتن در دادگاه و نواحی مجاور را مجاز بشمارد. (Robertson, Burke Cassandra 2012)

۳-۱-۲-۵- آرای دادگاه های ایالتی

در حوزه ایالتی، قدمت کاربرد هوش مصنوعی در دادگاه ها از حوزه فدرال

بیشتر است. برنامه آزمایشی سه ساله از یک جولای سال ۱۹۹۱ در دادگاه های تجدید نظر ایالات متحده برای دادگاه های محلی، ناحیه ایندیانا ی جنوبی، ناحیه ی ماساچوستس، ناحیه شرقی میشیگان، ناحیه جنوبی نیویورک، ناحیه شرقی پنسیلوانیا و ناحیه غربی واشینگتن شروع شد. در جلسه سپتامبر ۱۹۹۴، کنفرانس همچنان اصلاحیه پیشنهادی برای ماده ۵۳ کیفری را نپذیرفت که در رسیدگی های کیفری اجازه ورود دوربین ها به دادگاه را در صورتی که بر اساس راهنمایی های متعاقب کنفرانس انتشار داده می شود، مجاز می دانست دوربین ها در برنامه پایلوت دادگاه ها در سال ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴ ظاهر شد. اولین قوانین مرتبط با این امر نیز در سال ۱۹۹۶ با تصویب قانون اصلاح دعاوی مرتبط با حبس مطرح گشت. به موجب این قانون امکان طرح دعاوی افراد زندانی از طریق تلفن، ویدیو کنفرانس رسیدگی نمی کرد، این تکنولوژی در دیگر جنبه های فرایند رسیدگی کیفری، از جمله از زمان رسیدگی و تعیین قرار تا حکم دادن و اعلام محکومیت مورد استفاده قرار می گرفت. ویدیو کنفرانس هنگام شهادت دادن شاهد بچه در پرونده های مورد استفاده جنسی مورد استفاده قرار می گرفت تا آن ها را از حضور در مقابل متهمان سو استفاده کننده در طول شهادت محافظت کند. در جلسه سپتامبر ۲۰۱۰، کنفرانس قضایی، برنامه پایلوت ۳ ساله برای ارزیابی اثرات دوربین بر دادگاه های محلی، ضبط ویدیویی جریان دادگاه و انتشار چنین ویدیوهای ضبط شده را تصویب کرد. این طرح فقط مربوط به دعاوی حقوقی بود. جریان دادرسی می تواند تنها با موافقت قاضی اداره کننده ضبط شود، و طرفین باید به ضبط جریان

دادرسی هر پرونده رضایت داشته باشند. به جز موافقت قاضی اداره کننده هیچ کس نمی تواند جریان دادگاه را در دسترس عموم قرار دهد و متعاقبا باید آن را در سایت دادگاه و نیز سایت دادگاه های محلی شرکت کننده با صلاحدید دادگاه قرار بدهند. طرح پایلوت توسط مرکز قضایی فدرال بررسی می شود. چهارده دادگاه در این پایلوت شرکت کرده اند که از ۱۸ ژوئن ۲۰۱۱ شروع شده و در ۱۸ جولای ۲۰۱۵ خاتمه یافته است. سیاست رایج در ارتباط با حضور دوربین در دادگاه عبارت است از اینکه: قاضی می تواند انتشار، پخش تلویزیون، ضبط و عکس گرفتن در دادگاه را در طول تشریفات دادرسی مجاز کند و همچنین می تواند انجام چنین فعالیت هایی را در دادگاه در جریان دیگر دادرسی ها یا فرصت آزاد میان دیگر دادرسی ها مجاز کند.

(Day O'Conner, Sandra, 2016)

تنها در مورد

۱- ارائه ادله

۲- ضبط جریان دادرسی

۳- اهداف امنیتی

۴- دیگر اهداف اجرای قضایی

۵- عکاسی، ضبط یا انتشار استدلالات دادگاه تجدید نظر خواه

۶- مطابقت با طرح پایلوت تصویب شده توسط کنفرانس قضایی.

همچنین در ماه دسامبر ۲۰۰۷، دیوان عالی ایالات متحده تعدادی از تغییرات

مهم در قوانین فدرال دادرسی مدنی (قوانین فدرال دادرسی مدنی)،

اطلاعات ذخیره شده هوشمند (ای اس آی) را تأیید کرد. این اصلاحات چارچوبی را برای انجام کشف الکترونیک فراهم می کند و دادخواهان را ملزم به شناسایی، حفظ و جمع آوری اطلاعات ذخیره شده هوشمند در یک مورد می کند. این اصلاحات بر همه سیستم های رایانه ای مورد استفاده مؤسسات آموزش عالی تأثیر می گذارد که ممکن است در دادگاه های فدرال درگیر دعوا شوند. از این رو در ایالت کالیفرنیا آیین نامه دادگاه های کالیفرنیا به تشکیل پرونده هوشمند و ثبت اسناد و پرونده ها به صورت هوشمند اشاره نموده است. مطابق قانون ۲,۲۵۱ که به سرویس های هوشمند اختصاص داده شده است، در بند الف آن اشاره شده است « اسنادی که ممکن است به نحو نامه هوشمند یا فکس ارائه شود می تواند مطابق بخش ۱۰۱۰,۶ آیین دادرسی مدنی ایالات متحده در فصل پنجم مصوب ۱۸۷۲ در دادگاه ارائه شود ». در قانون فوق الذکر اشاره شده که پرونده ها ممکن است در اقدامی که در این بخش به دادگاه ارائه شده است، به صورت هوشمند ارائه شود. بنابراین برای پیشبرد اهداف منظور، بخش های زیر قبل بررسی است: (Monta Prado, Mariana 2010)

در بند یک بخش d ماده ۲,۵۳۰ قانون دادرسی فلوریدا راجع به شهادت یک قاضی دادگاه یا بخشنامه دادگاه، دادرس کل، دادرس ویژه، یا مسئول دادرسی می تواند شهادت را از طریق تجهیزات ارتباطی در صورت رضایت همه طرفین یا در صورت مجاز بودن یک آیین دادرسی در مورد مجاز دیگر، اجازه دهد.

همچنین مطابق بند دو ماده فوق الذکر « هر کدام از طرفین که مایل به ارائه

شهادت از طریق تجهیزات ارتباطی است، باید قبل از رسیدگی یا محاکمه ای که قرار است شهادت در آن ارائه شود، با همه طرفین تماس بگیرید تا مشخص کند که آیا هر یک از طرفین به این شکل از شهادت رضایت دارند. طرف مورد نظر برای ارائه شهادت باید از طریق تجهیزات ارتباطی حرکت کند، که این حرکت علت خوبی را در مورد چرایی مجاز بودن شهادت به این شکل نشان می دهد. (Richard, 2012)

مطابق بند سه: «شهادت می تواند از طریق تجهیزات ارتباطی تنها در صورتی صورت بگیرد که یک دفتر اسناد رسمی یا شخص دیگری که مجاز به ادای سوگند در حوزه قضایی شاهد است با شاهد حضور داشته باشد و سوگند مطابق با قوانین صلاحیت دار را اجرا کند.»

مطابق بند چهارم «اگر شهادت ارائه شده از کنفرانس ویدئویی یا قابلیت های دیداری دو طرفه قابل مقایسه استفاده کند، دادگاه به صلاحدید خود می تواند روش های مندرج در این قانون را برای تطبیق درفن آوری مورد استفاده اصلاح کند.» (Richard, 2012)

۳-۲- گستره حاکم بر بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا

در مبحث دوم این فصل به گستره حاکم بر بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا اشاره می شود. نکته ای که باید توجه داشت، این است که منظور از گستره در این چارچوب، حوزه هایی هست که هوش مصنوعی اجازه دارد

تا در آنها به عنوان مقام رسیدگی کننده استفاده شود. منظور از این حوزه ها، به جز قضایی، در داوری ها، میانجی گری و سازش ها می باشد که در ادامه به ترتیب ابتدا یا به نظام حقوقی ایران و سپس به نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا اشاره می شود.

۳-۲-۱- در نظام حقوقی ایران

در ادامه به گستره حاکم بر بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایران اشاره می شود. در همین راستا، باید توجه داشت که شیوه های رسیدگی به دو دسته شیوه های قضایی و شیوه های غیرقضایی تقسیم می شوند. منظور از شیوه های قضایی همان شیوه های رسیدگی مبتنی بر قضا و شیوه های غیرقضایی که بدان ها شیوه های جایگزین حل و فصل اختلافات نیز اطلاق می شود، شیوه هایی مانند داوری، میانجی گری و سازش است. هدفی که هم در بخش مربوط به نظام حقوقی ایران و هم در بخش مربوط به نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا وجود دارد، آن است که به این موضوع توجه گردد که آیا امکان بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده صرفاً در رسیدگی های قضایی است یا اینکه در رسیدگی های جایگزین نیز محقق می گردد؟

۳-۲-۱-۱- در رسیدگی های قضایی

بدیهی است که در زمینه رسیدگی های قضایی، شرایط خاصی برای قاضی در نظر گرفته شده است از جمله عدالت، مسلمان بودن، ایمان، عدم شهرت به فسق و فجور و ... که احراز بسیاری از این ویژگی ها در هوش مصنوعی در جایگاه مقام رسیدگی کننده قضایی بسیار دشوار می رسد. از همین رو بوده

است که سند تحول قضایی که پیشتر مورد اشاره قرار گرفت، جایگاه هوش مصنوعی در دستگاه قضایی را به عنوان دستیار هوشمند قضایی قرار داده است. البته از یک سوی دیگر، می توان این استدلال را ارائه داد که از آنجا که در امور حقوقی برخلاف امور کیفری، قاضی بایستی بر اساس دلایل ارائه شده رای صادر نماید ولو آن که مغایر با علم او باشد، می توان نقش هوش مصنوعی در جایگاه هوش مصنوعی در امور حقوقی را بسیار مقبول تر از امور کیفری دانست که علم قاضی در آن بالاترین دلیل است. از مواد مختلف قانون آیین دادرسی مدنی می توان در زمینه تشریح قابلیت های هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده استفاده نمود. از جمله بر اساس ماده ۵۱ قانون فوق الذکر، تکالیفی برعهده خواهان قرار داده شده است که عدم رعایت آن، موجب توقف دادرسی تا زمان حصول شرایط می شود. در این راستا، خواهان ملزم شده است که اطلاعاتی شفاف در ارتباط با نام، نام خانوادگی، اقامتگاه خویش و هم چنین خوانده، بهای خواسته و موضوع خواسته را بیان نماید. در این راستا، هوش مصنوعی می تواند به صورت خودکار و دقیق به راستی آزمایی اطلاعات افراد پرداخته و این امر، نیاز به ساز و کار ماده ۵۱ را از بین می برد. (حسین آبادی، ۱۴۰۲: ۲۸)

یکی دیگر از کارکردهای هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایران در ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی بوده که دادگاه را ملزم ساخته است تا در رای خویش، مستندات رای را ذکر نماید. در این راستا، هوش مصنوعی می تواند به ارائه مستندات به قضات کمک نماید.

داوری پرکارترین روش «ای.دی. آر» و نزدیکترین روش قضایی و رسمی حل اختلاف می‌باشند. داوری یکی از آن دسته تاسیساتی است که چه در حقوق داخلی چه در حقوق بین الملل از دیرزمان وجود داشته که امروزه شکل پیشرفته تر و کامل تری به خود گرفته است. داوری واژه ای فارسی از ریشه داد است. در لغت داور و داوری چندین معنی دارد که یکی از آن معانی، قضاوت است. (ملکوتی، ۱۳۸۹: ۶۷) داوری در حقوق داخلی و در لغت اسم خداست؛ در اصطلاح کسی است که برای داوری انتخاب شده و داوری عبارت است از فصل خصومت توسط یک یا چند نفر نه به طریق فصل خصومت قصات دادگاه های رسمی (داوری فصل خصومت توسط غیرقاضی و بدون رعایت تشریفات رسمی رسیدگی دعاوی) در مورد داوری تعاریف متعددی وجود دارد: داوری آنست که افراد از مداخله و مراجعه رسمی (قضات) در قطع و حل و فصل دعاوی مربوط به حقوق خصوصی شان صرف نظر نمایند و به حکومت خصوصی اشخاص تسلیم شوند که از نظر معلومات و اطلاعات فنی یا درست کاری و امانت مورد اعتماد آن ها هستند البته همان گونه که در بند ۲ ماده یک کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام خارجی آمده است، ((اصطلاح احکام داوری نه تنها شامل احکام داوران منصوب برای هر پرونده می باشد بلکه شامل احکام صادره از ارکان دائمی داوری که طرف ها به آن رجوع کرده اند نیز می شود.)) اسناد مختلف بین المللی در حوزه داوری تجاری بین المللی به تصویب رسیده اند علاوه بر کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام خارجی موسوم به کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸، کنوانسیون مهم دیگر در این حوزه،

کنوانسیون ۱۹۶۱ اروپایی داوری تجاری بین المللی (The 1961 European Convention on International Commercial Arbitration) است که مهم ترین سند منطقه ای در حوزه داوری تجاری بین المللی است. این کنوانسیون در وهله اول به منظور داوری تجاری بین المللی بین اشخاص حقیقی و حقوقی تابع یکی از دولت های اروپایی طرف آن منعقد شده بود. این کنوانسیون در ۲۱ آوریل ۱۹۶۱ میلادی برای امضاء گشوده شد و در سال ۱۹۶۴ میلادی لازم الاجراء گشت. ۳۱ دولت تاکنون این کنوانسیون را امضاء نموده و این کنوانسیون در ارتباط با موافقت نامه های داوری، آیین های داوری و احکام داوری می باشد. به علاوه، یکی دیگر از اسناد منطقه ای مهم در حوزه داوری تجاری بین المللی، کنوانسیون آمریکایی داوری تجاری بین المللی (The Inter-American Convention on International Commercial Arbitration) موسوم به کنوانسیون پاناما (Panama Convention) بوده که در سال ۱۹۷۵ میلادی بین ایالات متحده و کشورهای آمریکای لاتین مورد مذاکره قرار گرفت. این کنوانسیون تا حدود زیادی به کنوانسیون نیویورک شباهت داشته و قابلیت اجرای احکام و موافقت نامه های داوری را در هر یک از دولت های عضو مقرر می نماید. به علاوه در ارتباط با موافقت نامه های داوری، مرکز بین المللی حل و فصل اختلافات تجاری موسوم به ایکسید، کنوانسیون واشنگتن را در سال ۱۹۶۵ به امضاء رسیده و تقریباً از سوی ۱۵۰ کشور امضاء شده است. این کنوانسیون بر روی اختلافات سرمایه گذاری متمرکز شده و اختلافاتی را که ناشی از سرمایه گذاری خارجی بین سرمایه

گذار خصوصی و دولت میزبان بوده است را مورد توجه قرار می دهد. اسناد بین المللی ناظر بر داوری تجاری بین المللی صرفا اسناد الزام آور بوده بلکه اسناد نرم در این حوزه می باشد. ((کردارنامه داوران تجاری)) (۲۰۰۳) (Code of Ethics for Commercial Arbitrotrs)، ((Revised Uniform Arbitration Act)). این اسناد که از سوی نهادهای خصوصی و غیردولتی داخلی و بین المللی منتشر شده است نشان دهنده آن است که نه تنها از طریق اسناد بین المللی الزام آور، شیوه های جایگزین حل و فصل اختلافات تجاری بین المللی دنبال می شود، بلکه از طریق اسناد غیرالزام آور بین المللی که بدان ها اصطلاحا اسناد حقوق نرم اطلاق می گردد، این شیوه دنبال می گردد.

«داوری فنی است که هدف آن حل و فصل یک مسئله مربوط به روابط بین دو یا چند شخص است به وسیله یک یا چند شخص دیگر به نام داور یا داوران که اختیارات خود را از یک قرارداد خصوصی می گیرند و بر اساس آن قرارداد رأی می دهند بی آنکه دولت چنین وظیفه ای را به آنان محول کرده باشد» (رنه داوید، ۱۳۷۵، ص ۸۲).

ماده ۳۷ قرارداد اول لاهه همان گونه که قبلا گفته شد به تعریف داوری می پردازد. از تعریف قرارداد لاهه، ویژگی های اساسی دوگانه داوری آشکار می شود. در دکتترین نیز داوری تعریف شده است از جمله رنه داوید داوری را چنین تعریف کرده است: ((داوری فنی است که هدف آن حل و فصل یک مساله مربوط به روابط بین دو یا چند شخص است به وسیله یک یا چند

شخص دیگر به نام داور یا داوران که اختیارات خود را از یک قرارداد خصوصی می گیرند و بر اساس آن قرارداد، رای می دهند بی آنکه دولت چنین وظیفه ای را به آنها محول کرده باشد.) این حقوقدان خود، تعریف مزبور را از جهاتی بیش از حد موسع و از جهاتی بیش از حد مضیق می داند لیکن ابراز می دارد که کوشش کرده است تعریفی به دست دهد که ضمن در نظر گرفتن مبنا و هدف داوری، خطوط مشخصه این نهاد را نیز نشان دهد. (David, 1985: 362) با توجه به آنچه در تعریف داوری و ماهیت آن گفته شد می توان داوری را از دادرسی دولتی تمیز داد؛ در دادرسی دولتی، حل و فصل بر عهده دادگاه و مستقل از اراده طرفین و به تبعیت از قوانین شکلی و ماهوی است و صلاحیت این دادگاه کلی، عمومی و دائمی است اما دیوان داوری فقط بنا به توافق طرفین یک اختلاف خاص و برای رسیدگی به همان اختلاف خاص تشکیل می شود و صلاحیت آن مربوط به رسیدگی به اختلاف طرفین موافقت نامه داوری است؛ به عبارت دیگر می توان گفت هدف واقعی از توسل به داوری، خارج ساختن دعوا از حیطه کار دادگاه های دولتی و حل اختلاف به نحو دوستانه، سریع، غیرعلنی و موافق ضوابط و معیارهای تعیین شده از سوی خود طرفین است.

۳-۲-۱-۳ در میانجی گری

میانجیگری در لغت به معنای «وساطت» و «واسطه شدن میان دو نفر برای رفع اختلاف آنها» است. میانجیگری روشی است که در آن شخص ثالث بی طرف به طرفین اختلاف کمک می کند تا از طریق مذاکره و گفت و گو

و سنجش راه‌حل‌های مختلف، اختلاف را به طور دوستانه و بر مبنای توافق مورد بررسی قرار دهند تا در خصوص یک راه‌حل قابل پذیرش به تفاهم برسند. لذا این آیین برای طرفین الزام‌آور نخواهد بود. هدف میانجیگری این است که طرفین با مشاوره و کمک میانجی، اختلاف خود را به صورت خصوصی و مسالمت‌آمیز حل نموده و سازش‌نامه کتبی امضاء نمایند. در میان اقسام شیوه‌های حل و فصل اختلاف، میانجیگری پس از داوری مهمترین و پرکاربردترین شیوه می‌باشد که از آن به عنوان مرکز ثقل شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات یاد شده است. (Marriot, 2003: 450)

تعاریف بسیاری از میانجیگری ارائه شده، اما آنچه به طور کلی از این تعاریف برمی‌آید آن است که میانجیگری، مداخله یک واسطه ماهر و بی‌طرف می‌باشد که برای تسهیل حل و فصل مسائل مورد اختلاف بین طرف‌ها از طریق مذاکره و تراضی، فعالیت می‌کند. بدین ترتیب، میانجیگری اساساً رویکردی صلح‌آمیز، غیرقهری و غیرالزام‌آور بوده و به مدیریت منازعه می‌اندیشد تا طرف‌های درگیر، آزادانه تصمیم گیرند. در واقع میانجیگری جریانی است که به موجب آن میانجی به عنوان شخص ثالث بی‌طرف با طرفین اختلاف از طریق انعقاد یک موافقت‌نامه همکاری می‌کند و هیچ‌راه-حلی را نیز بر طرفین تحمیل نمی‌کند.

در میانجیگری طرف سوم کوشش می‌کند با شرکت در مذاکرات موضع دو طرف را به هم نزدیک کرده و راه‌حلی که منطبق با نظریات دو طرف و مرضی‌الطرفین است ارائه دهد. بدیهی است شخصی می‌تواند نقش میانجی

داشته باشد که مورد اعتماد هر دو طرف اختلاف باشد. معمولاً یافتن چنین فرد یا دولتی، کار آسانی نیست. (مقتدر، ۱۳۷۲: ۱۱۰)

یک میانجی به عنوان حلقه‌ی ارتباطی بین طرف‌های منازعه عمل می‌کند. برداشت هر یک را نسبت به طرف دیگر بهبود می‌بخشد، برای حل مسالهای مورد منازعه راه‌حلی را پیشنهاد می‌نماید و برای پذیرش آنها طرف‌های منازعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. (مدنی، ۱۳۷۷: ۴۰۳)

نزدیک به همین تعریف توسط سازمان ملل متحد مورد اشاره قرار گرفته است. این سازمان در دستورالعمل خود تحت عنوان «میانجیگری موثر» اعلام نموده که میانجیگری عبارت است از: «فرآیندی که در آن، طرف ثالث با رضایت طرف‌های اختلاف به کمک آنها می‌آید تا با پیشرفت توافق‌های مورد قبول دو طرف به جلوگیری، مدیریت یا حل اختلاف مبادرت نماید.» (United Nations, 2012: 4)

میانجیگری در برگیرنده مجموعه‌ای از رفتارهاست که دامنه آن از طیف کاملاً غیرفعال (ارائه مساعی جمیله) تا طیف کاملاً فعال (فشار به طرفین مناقشه) را شامل می‌شود. میانجیگری انواع متعدد دارد و به اندازه طرفین مختلف درگیر در مناقشه می‌تواند از تنوع و گوناگونی برخوردار باشد.

رضایت طرفین منازعات از میانجیگری از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی ماهیت میانجیگری است. طرفین منازعات عموماً رضایت خود را از میانجیگری بدان دلیل مورد تاکید قرار میدهند که عمل میانجیگری فرصت لازم برای اظهار نظر نهایی و یا خدمات مورد انتظار را برای آنها فراهم می‌آورد. همچنین رعایت بی‌طرفی و انصاف نیز از زمره دیگر معیارهایی است که در ارزیابی

میانجیگری بکار گرفته می‌شود. بی‌طرفی و رعایت انصاف را می‌توان از طریق تاکیداتی که طرفین منازعات بر عمل میانجیگری یا نتایج آن می‌نمایند ارزیابی نمود. بعنوان نمونه یک میانجیگری زمانی عادلانه تعبیر می‌شود که معارضان بتوانند به طور مستمر نظرات اصلاحی خود را ارائه نمایند و میانجی‌ها رفتار یکسان و بی‌غرضانه‌ای نسبت به هر دو طرف داشته باشند. میانجی‌هایی که به این اهداف دست پیدا کنند موفق شمرده می‌شوند. (کاظمی، ۱۳۸۴: ۲۷۲)

۳-۲-۱-۴- سازش

سازش نیز هم چون میانجی‌گری با در نظر گرفتن تراضی طرفین و رسیدن به نتیجه دلخواه، یکی از طرق ویژه حل و فصل اختلافات است که در ارتباط با بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان سازشگر هم در نظام حقوقی ایران و هم در فقه امامیه نمی‌توان ممنوعیتی را در نظر گرفت چرا که ممنوعیت موجود صرفاً در مقام قاضی قابل اعمال بوده و برای سایر شیوه‌های حل و فصل اختلافات نمی‌توان این چنین ممنوعیتی را در نظر گرفت. به صورت کلی، چند شرط کلی در ارتباط با سازشگر در وضعیت عادی وجود دارد که در ارتباط با کاربرد هوش مصنوعی به عنوان سازشگر نیز باید مطرح گردد اولاً این که هوش مصنوعی نباید به عنوان یکی از اطراف دعوی همزمان سازشگر شود. از این رو، در صورتی که از یک فناوری هوش مصنوعی طرح دعوی شده باشد یا اینکه خود خواهان در یک دادخواست باشد، نمی‌تواند به عنوان سازشگر مطرح شود ثانیاً موضوعات دعاوی سازشی غالباً تجاری هستند و از این رو، در دعاوی که از سوی هوش مصنوعی نیز مورد

رسیدگی قرار می گیرند، باید این وجه تجاری بودن مورد نظر قرار بگیرد.

۳-۲-۲- در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا

در گفتار دوم این مبحث به نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا و گستره هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا اشاره می شود. این گفتار از چهار بند تشکیل شده است که در بند اول به رسیدگی های قضایی در بند دوم به داوری ها، در بند سوم به میانجی گری و در بند چهارم به سازش پرداخته می شود.

۳-۲-۲-۱- در رسیدگی های قضایی

در نظام قضایی ایالات متحده آمریکا، از سال ۲۰۱۰ میلادی به بعد، یک هیات تخصصی با عنوان ((پانل مشورتی در ارتباط با ادله اثبات دعوی)) در کنفرانس قضایی این کشور که بالاترین نهاد مشورتی قضایی این کشور است به منظور امکان سنجی کاربرد هوش مصنوعی در روند رسیدگی های قضایی تشکیل شد. این پانل تاکنون توانسته است با ارائه توصیه نامه های مختلف به وزارت دادگستری ایالات متحده آمریکا، زمینه کاربرد هوش مصنوعی در روند رسیدگی های قضایی را فراهم نماید از جمله می توان به توصیه نامه اخیر خود در ارتباط با شبه ادله ای که از سوی هوش مصنوعی تولید می شوند و به عنوان ((واقعیت عمیق)) (Deep Fake) شناخته می شود؛ اشاره نمود. موضوع مربوط به هوش مصنوعی در رویه قضایی ایالات متحده آمریکا به کرات مورد استناد قرار گرفته است برای نمونه در رای صادره در قضیه ((Huang v. Tesla))، اولیای دم خواهان یعنی والتر هوانگ که در اثر سانحه رانندگی خودرو تسلا خود که مجهز به فناوری

های هوش مصنوعی بود، به دلیل نقض در این فناوری کشته شده بود، دعوایی را علیه شرکت تسلا به دلیل خسارت منتهی به مرگ او در دادگاه سانتا کلارا ایالات متحده مطرح نمودند. هم چنین، خواهان از دادگاه خواستند تا شخص ایلان ماسک به دلیل اظهاراتش در ارتباط با ایمنی بالای خودروی تسلا تحت تعقیب قرار بگیرد. با این حال، استدلال و کلاهی شرکت تسلا مبتنی بر این بود که ویدیوهای زیادی با استفاده از واقعیت عمیق از ایلان ماسک تولید شده است و ویدیوهایی که در آن از سوی خواهان استناد شده است، واقعی نبوده و مبتنی بر واقعیت عمیق است.

۳-۲-۲- در داوری ها

داوری ها به دو صورت برگزار می شود. یا داوری بر اساس قانون انجام می شود و داور به موجب قانون و قواعد حقوقی رأی خود را صادر می کند یا داوری به صورت کدخدانمشی یا بر اساس انصاف صورت می گیرد. در این حالت داور مکلف به رعایت قانون نیست و می تواند مطابق عدالت و انصاف تصمیم بگیرد (همان، ص ۱۸۹). در این گونه داوری ها با این که داور مقید به مر قانون نیست آزادی مطلق و نامحدود در رسیدگی و تصمیم گیری ندارد بلکه باید اصول اساسی داوری ها مانند اصل رفتار مساوی و قواعد مربوط به نظم عمومی و قواعد آمره قانون حاکم بر داوری را رعایت کند (صفایی، ۱۳۷۷، ص ۲۵).

داوری به طور کدخدانمشی در برخی کشورها پذیرفته نشده اما امروزه در بیشتر مقررات داخلی خصوصا در کشورهای رمی ژرمنی و اسناد بین المللی مورد قبول قرار گرفته است (Hong - Lin Yu, 2000, p. (79) با این

حال اصل این است که داور باید بر اساس قانون تصمیم بگیرد و هنگامی می تواند به طور کدخدامنشی یا بر اساس انصاف رأی صادر کند که طرفین صریحا چنین اختیاری را به او داده باشند. در برخی از مقررات بین المللی داوری شرط دیگری هم به آن افزوده شده است که عبارت از تجویز قانون حاکم بر داوری است (صفایی، ۱۳۷۷، ص ۲۵).

مفهوم داوری به طور کدخدامنشی که ابتدا در قانون مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۸۰۶ فرانسه جنبه قانونی به خود گرفت و سپس در سایر کشورهای دارای حقوق نوشته توسعه یافت، در داوری های بازرگانی بین المللی مبتنی بر این عقیده است که از نقطه نظر طرفین اعمال قواعد قانونی برای حل و فصل اختلاف نمی تواند به طور کامل برطرف کننده نیازهای خاص آنها باشد. در چنین شرایطی داور باید اختیار داشته باشد که به طور کدخدامنشی و بر مبنای انصاف عمل نماید. این اختیار داوران را قادر می سازد که از اعمال قانون معاف شوند و اختلاف را بر مبنای آنچه معقول و منصفانه به نظر می رسد و بر طبق احساس خود از انصاف مورد تصمیم گیری قرار دهند (Hong - Lin Yu, 2000, p. 80).

هرچند بین داوری بر اساس انصاف و داوری به طور کدخدامنشی نزدیکی و مشابهت زیادی وجود دارد و اغلب این دو را با هم به کار می برند اما می توان این دو را از هم تمایز کرد: در داوری بر اساس انصاف داور یا داوران هرگاه احساس نمایند که اعمال قواعد قانونی با انصاف در تعارض است می توانند از آن اغماض کرده و بر طبق برداشت خود از انصاف اتخاذ تصمیم نمایند. اما در داوری به طور کدخدامنشی داوری تابع قواعد عدالت

طبیعی است و داور اصولاً به قواعد قانونی بی اعتنا است و بحثی در خصوص تطبیق قواعد قانونی با انصاف در میان نیست (همان، ص ۸۲). ذکر این موضوع نیز ضروری است که مشکلات ناشی از تعارض قوانین و تفاوت قواعد حقوقی کشورها و نظام های حقوقی مختلف و یا اثر بازدارندگی قواعد حقوقی بر رشد تجارت و سرمایه گذاری بین المللی موجب شده است که بازرگانان در تجارت بین الملل تمایل داشته باشند که حقوق و قواعد خاص خود موسوم به حقوق بازرگانی فراملی بر اختلافات آنها حاکم باشد (Stoecker, 1990, pp. 101)

تفاوت میان داوری به صورت کدخدامنشی و حقوق بازرگانی فراملی در این است که داوری به صورت کدخدامنشی ناظر بر ساختار داوری است درحالی که حقوق بازرگانی فراملی اشاره به مجموعه ای از قواعد دارد که می تواند در داوری اعمال گردد. داوری به طور کدخدامنشی داوران را ملزم نمی کند که اختلافات را بر طبق قواعد حقوقی داوری نمایند بلکه برطبق برداشت شخصی خود از انصاف حکم نمایند. اما حقوق بازرگانی فراملی مجموعه ای از اصول و قواعدی است که در طول قرون توسعه یافته و ریشه در سیستم حقوقی ملی خاصی ندارد. با این حال گاه داورانی که اجازه یافته اند اختلاف را به طور کدخدامنشی حل و فصل نمایند اذن ضمنی برای اعمال حقوق بازرگانی فراملی نیز در محدوده اجازه و اختیار آنان نهفته است و بنابراین می توانند اعمال این حقوق را نیز مدنظر قرار دهند.

در میان اقسام شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف میانجی‌گری پس از داوری، مهمترین و پرکاربردترین شیوه حل اختلاف است و از آن به عنوان روشی که در مرکز ثقل ای. دی. آر قرار دارد یاد شده است (Arthur (Marriott, 2003, p 450).

تعاریف مختلفی از میانجی‌گری شده است که به پاره ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

طبق یک تعریف «میانجی‌گری روشی است که به وسیله آن طرفین اختلاف کمک شخص ثالث به دنبال رسیدن به توافق مشترک هستند (Thomas (Clay et Emmanuel altern Jeuland, 2005, p. 70).

تعریف فوق کل است و بسیاری از شیوه‌های ای. دی. آر را در بر می‌گیرد. بنا بر تعریف دیگری میانجی‌گری عبارتست از «مداخله یک شخص ثالث مورد قبول (بی طرف) که اختیاری برای صدور رأی ندارد و به طرفین درگیر در اختلاف برای اینکه به طور اختیاری به حل و فصل دوجانبه قابل قبول راجع به موضوعات مورد اختلاف دست یابند کمک می‌نماید».

یکی دیگر از نویسندگان میانجی‌گری را به عنوان پروسه ای تعریف می‌کند که از طریق آن یک شخص ثالث بی طرف یعنی میانجی، مذاکرات میان طرفین را به منظور کمک به آن‌ها در رسیدن به حل و فصل اختلاف تسهیل می‌کند. هدف پشت پروسه میانجی‌گری آن است که سریع ارزان و محرمانه باشد (Andrew Tweeddale and KerenTweeddale, 2005, p. 6).

همسو با همین تعریف در تعریف دیگری میانجی‌گری به عنوان روش غیر

الزام آوری توصیف شده است که در آن شخص ثالث بی طرف به طرفین اختلاف جهت رسیدن به حل و فصل مورد توافق در خصوص اختلاف مساعدت می کند و بنابراین میانجی گری به عنوان هنر نویسندگان در تعریف جمع کردن طرفین اختلاف جهت حل و فصل اختلاف تلقی می شود (O. P. Motiwal, 1998, p. 118)

یکی دیگر از این تعریف میانجی گری بر الزام آور نبودن نظر میانجی تأکید می کند. طبق طرف است با طرفین برای «میانجی گری جریان یافته است که به موجب آن میانجی که شخص ثالث بی طرفی است با طرفین برای حل اختلافاتشان از طریق (انعقاد) موافقت نامه کار می کند به جای اینکه راه حلی را به آن ها تحمیل نماید» (Locaus A Mistelis, 2001, p. 205).

سرانجام طبق تعریف دیگر «میانجی گری روشی است که در آن یک ثالث بی طرف، میانجی، به طرفین اختلاف در حصول «حل و فصل خوشایند دوجانبه» کمک می کند. هدف میانجی ها تسهیل مبادله اطلاعات، تحریک تفاهم میان طرفین و تشویق ارائه راه حل های مؤثر و سازنده است» (Kimbelee K. Kovach, 2005, p. 304).

شخص با توجه به آنچه گفته شد می توان گفت میانجی گری روشی است که در آن ثالث به طرفین اختلاف کمک می کند تا از طریق مذاکره و گفتگو و سنجش راه حل های مختلف، اختلاف را به طور دوستانه و بر مبنای توافق حل و فصل نمایند. میانجی با کمک به طرفین در انجام مذاکره و پیشنهاد راه حل های مختلف روند حل اختلاف را تسهیل می نماید. چنانچه میانجی در پایان نظری هم ارائه نماید این نظر برای طرفین الزام آور نیست و همچون

پیشنهادی است که باید طرفین در خصوص آن توافق نمایند. میانجی‌گری به ویژه در مقام مقایسه با حل اختلافات از طریق داوری و دادگاه امتیازاتی را در بر دارد که از جمله انعطاف بیشتر و حل و فصل ارزان تر و سریع تر اختلافات قابل ذکر است. مهمتر از همه آنکه حل دوستانه اختلافات و توأم با توافق و رضایت دوجانبه طرفین این امکان را میسر می سازد روابط طرفین ادامه یابد. حل اختلافات از طریق میانجی‌گری در اختلافات میان تاجران که روابط تجاری مستمر دارند خللی در روابط بازرگانی آن‌ها ایجاد نمی کند و گسستن ارتباطات تجاری را آنگونه که به طور معمول در روش‌های ترافیعی حل اختلاف به چشم میخورد به دنبال ندارد. همینطور در بعضی از اختلافات از قبیل اختلافات میان همسایگان به دلیل حل دوستانه و بر مبنای تراضی طرفین، میانجی‌گری غالباً اختلاف را از اساس حل و فصل می کند.

۳-۲-۲-۴- سازش

در نظام حقوقی ایالات متحده، سازش یک روش انحصاراً جایگزین حل و فصل اختلافات تلقی نشده بلکه هم زمان با شیوه‌های قضایی، می توان از ظرفیت سازش نیز بهره برد. برخلاف نظام حقوقی ایران، در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، هر موسسه حقوقی می تواند برای خود یک قواعد سازشی داشته باشد که با قواعد سازشی نهادهای دیگر در تناسب نباشد. از این رو، در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا نمی توان یک قواعد عام الشمول در حوزه سازش یافت. بلکه بسته به موضوع دعوی و نیز موسسه‌ای که به عنوان سازشگر عمل می نماید، قواعد سازش متغیر است. به علت انعطاف پذیری بالاتر سازش نسبت به سایر شیوه‌های حل و فصل دعاوی از

جمله قضایی، داوری و حتی میانجی گری، اقبال به این نوع شیوه حل و فصل اختلافات بیشتر از سایرین در رویه کشور فوق الذکر به ویژه از منظر تجاری است.

عدم وجود قواعد متحدالشکل در حوزه سازش، در ارتباط با کاربرد هوش مصنوعی به عنوان سازشگر نیز در نظام حقوقی ایالات متحده قابل اشاره است. در این ارتباط، هیچ معنی برای استفاده از هوش مصنوعی به عنوان سازشگر وجود ندارد.

۳-۳- شرایط و اصول حاکم بر بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا
در مبحث سوم این فصل به شرایط و اصول حاکم بر بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا اشاره می گردد. شرایط در این مبحث به دو دسته شرایط ماهوی و شرایط شکلی ناظر بر بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده تقسیم می شود که در هر دو نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا مورد بحث قرار می گیرد.

۳-۳-۱- در نظام حقوقی ایران

۳-۳-۱-۱- شرایط

۳-۳-۱-۱-۱- ماهوی

دادگاه هوشمند در نظام قضایی تعریف نشده است ولی اولین چیزی که از این مفهوم به ذهن متبادر می شود، روند رسیدگی ماهیتی دادگاه را شامل می شود و نسبت به امور شکلی دادرسی از جمله ابلاغ اوراق قضایی و غیره

مفهومی مجزا محسوب می شود. در طرح ده ساله توسعه قضایی از سال ۱۳۸۰ توسعه سیستم های هوشمند قضایی و ایجاد دادگاه الکترونیک مد نظر قرار گرفته است. در این طرح مشکلات و مسائل موجود در این قوه را به تیمی ۱۹ نفره متشکل از ۶ کارشناس مسائل سیستمی و ۱۳ کارشناس حقوقی سپرد تا آن ها با حضور در «مجمع قضایی شمیران» به بررسی سیستمی و گردش پرونده در آن محل پردازند. نتیجه تلاش یک ساله این گروه انتشار ۱۳ جلد کتاب شامل ۱۱ جلد مطالعات استراتژیک، یک جلد مطالعات تطبیقی از ۲۰ کشور جهان و یک جلد کتاب «تحلیل و بررسی وضعیت موجود و راهکارهای آینده» بود. در این کتاب ها با استفاده از ماتریس و دیاگرام، مسائل و مشکلات بر سر راه توسعه قضایی کشور به تصویر کشیده شده و هشت استراتژی مهم برای مرتفع شدن آنها پیشنهاد و بر همین اساس طرح ۱۰ ساله توسعه قضایی نیز ارائه شد. (خجسته بات، مجتبی، ۱۳۸۸) دادگاه هوشمند و در مفهوم عام آن دادگستری هوشمند از مفهوم دادرسی الکترونیک دور نیست؛ چه اینکه لازم و ملزوم یکدیگر هستند. به عبارت دیگر دادگاه الکترونیک در پرتو سازوکارهای راه اندازی دادرسی هوشمند تبلور می یابد. گاهی اوقات مفهوم دادرسی الکترونیک از آنچه ذکر شد عامتر می شود؛ مثلاً تأسیس کتابخانه های حقوقی مجازی که به انتشار مقالات و حتی خالصه آراء می پردازند و به نوعی در نظام کامن ال که مبتنی بر رویه می باشد؛ به امکان دادرسی بهتر قضات در پرونده ها کمک می کنند، که خود نوعی مرتبط با مفهوم دادرسی الکترونیک می باشد و بهتر است عنوان اخیر را بهبود دهنده و ارتقاء دهنده مفهوم دادرسی

۳-۳-۱-۱-۲-شکلی

از سال ۱۳۵۲ تعداد دستگاه ورود اطلاعات IBM3712 جهت ارتباط دفتر آمار و خدمات ماشینی با سازمان بودجه از طریق تلفن اختصاصی مستقر گردید. سپس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا سال ۱۳۶۸ اطلاعات متهمان با استفاده از قاب اصلی استخراج و به صورت جزوه تکثیر و مورد استفاده قرار می گرفت. از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۸ با مدیریت قوه قضاییه سایت کامپیوتر بزرگی در دفتر آمار و خدمات ماشینی نصب و راه اندازی شد. سیستم طراحی شده از کامپیوتر سازمان تأمین اجتماعی بر روی کامپیوترها نصب گردید و سیستم آمار و پرسنلی و سیستم دیوان عدالت اداری و دیوان عالی کشور به صورت آنلاین با مرکز کامپیوتر در ارتباط بودند. در سال ۱۳۷۸ شورای عالی انفورماتیک قوه قضاییه زیر مجموعه نهاد ریاست قوه قضاییه تشکیل شد و دفتر امور رایانه و مدیریت سیستم (دفتر آمار و خدمات ماشینی سابق) زیر مجموعه شورای مذکور قرار گرفت که کلیه مصوبات شورای عالی انفورماتیک قوه قضاییه پس از تصویب توسط دفتر

امور رایانه و مدیریت سیستم اجرا می گردید. (شقایق، مهدی، ۱۳۸۹) در سال ۱۳۸۷ نیز تشکیلات دفتر آمار و انفورماتیک پس از تصویب ریاست محترم قوه قضائیه تغییر پیدا کرد و به دفتر آمار و فناوری اطلاعات و ارتباطات قوه قضائیه نیز تغییر نام پیدا کرد. فناوری اطلاعات و ارتباطات در قوه قضائیه کمک شایانی به نحوه ی رسیدگی در دادگاه ها و همچنین شیوه های نوین ابراز دلایل و دادرسی می نماید.

بحث فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه حقوقی ابتدا در حوزه حقوق تجارت به کار گرفته شده و قانون تجارت الکترونیک مصوب سال ۱۳۸۲ به این موضوع پرداخت و آثار حقوقی در خور توجه ی نیز در این خصوص تألیف گردید.

اما برای نخستین بار بحث فناوری اطلاعات در قوه قضائیه در دستورالعمل توسعه کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات در دستگاه قضایی و استقرار نرم افزار مدیریت پرونده قضایی پیشینی و در سیاست های کلی قضایی پنج ساله در سطح کلان مبنای قانون گذاری تکلیفی در قوانین برنامه پنج ساله پنجم و ششم، قانون احکام دائمی برنامه های توسعه و ... گردید.

در حقوق ایران بند ج ماده ۶۷ از قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه مقرر می دارد: «به منظور توسعه دولت الکترونیک و عرضه خدمات هوشمند و نیز توسعه و استقرار خزانه داری هوشمند و اصالت بخشیدن به اسناد هوشمند از جمله اسناد مالی و حذف اسناد کاغذی در هر موردی که به موجب قانون، تنظیم اوراق یا اسناد، صدور یا اعطای مجوز، اخطار و ابلاغ، مبادله وجه، استعلام و مانند آن ضروری باشد، انجام هوشمند آن با رعایت مفاد قانون

تجارت هوشمند مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ معتبر بوده و کفایت می نماید». (شقایق، مهدی، ۱۳۸۹)

مطابق بند هشتم اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یکی از اموری که دولت موظف است همه امکانات خود را برای تحقق آن به کاربرد « مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش » است. مطلب فوق که در فصل اول قانون اساسی و در زمره اصول کلی آمده است، در اصل یکصدم به صورت زیر تبیین شده و تفصیل یافته است: « برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می کنند» بدین ترتیب، نظام شورایی از کوچکترین تقسیمات جغرافیایی کشوری یعنی روستاها شروع شده و تا محدوده استان ها توسعه می یابد و در تمام این مراتب، مردم به طور جدی در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش مشارکت می نمایند. وسعت دایره عملکرد این شوراهای تا جایی است که مطابق اصل یکصد و سوم قانون اساسی «استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می شوند، در حدود اختیارات شوراهای ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند». از طرف دیگر برای نظارت بر کار شوراهای، در راس آنها شورایی به نام شورای عالی استان ها که از نمایندگان شوراهای استان ها

تشکیل می شود، قرار گرفته است. (شاه چراغ، سید حسین ۱۳۸۹) اصل یکصد و یکم) اختیار شورای عالی استانها تا حدی است که «حق دارد در حدود وظایف خود طرح هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق ولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرحها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد». (اصل یکصد و دوم) نظام شورایی در جمهوری اسلامی ایران تنها به موارد فوق محدود نمی شود؛ بلکه به دستور قانون اساسی، در واحدهای تولید، صنعتی، کشاورزی، آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها نیز شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می شود. هدف این شوراها، تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور است. (اصل یکصد و چهارم) در رتبه ای بالاتر از شورای عالی استان ها، مجلس شورای اسلامی قرار دارد (ماده ۱۲ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۱/۰۹/۰۱) که از نمایندگان مستقیم مردم تشکیل شده و در حدود مقرر در قانون اساسی، می تواند قانون وضع کند. (اصل هفتاد و یکم قانون اساسی) رکن دیگر قوه مقننه یعنی شورای نگهبان نیز که متشکل از شش نفر فقیه و شش نفر حقوقدان می باشد (اصل نود و یکم) به صورت شورایی اداره می شود. علاوه بر این، مجمع تشخیص مصلحت هم به صورت شورایی عمل می کند و اگر آن را یکی از ارکان قوه مقننه بدانیم، ملاحظه می شود که هر سه رکن این قوه بر اساس نظام شورایی اداره می شوند. (شاه چراغ، سید حسین ۱۳۸۹)

از طرفی هم در مقدمه آیین نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی نیز نشان

دهنده دغدغه مقنن ایرانی است. مفاد مقدمه آیین نامه مذکور مقرر می دارد: «در راستای رفع اطاله دادرسی، تسریع در امور جاری محاکم و پیشگیری از وقوع جرم و با عنایت به اینکه در کلیه مراحل تحقیق و رسیدگی مدنی و جزایی و ارائه خدمات الکترونیک قضایی، داده پیام مطمئن به حسب نوع و محتوا در حکم نوشته، امضاء و اصل می باشد و نمی توان صرفاً به لحاظ شکل یا نحوه تبادل اطلاعات از اعتبار بخشیدن به محتوا و آثار قانونی آن خودداری نمود، خدمات قضایی در فضای مجازی به شرح مواد آتی ارائه می گردد...». ماده ۶۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری (ذیل بخش نهم تحت عنوان دادرسی هوشمند) نیز بر این امر تأکید می کند: در هر مورد که به موجب قوانین آیین دادرسی و سایر قوانین و مقررات موضوعه اعم از حقوقی و کیفری، سند، مدرک، نوشته، برگه اجرائیه، اوراق رأی، امضاء، اثر انگشت، ابلاغ اوراق قضائی، نشانی و مانند آن الزام باشد صورت هوشمند یا محتوای هوشمند آن حسب مورد با رعایت ساز و کارهای امنیتی مذکور در مواد این قانون و تبصره های آن کافی و معتبر است. همایون رضایی نژاد، (۱۳۹۱)

دادگاه الکترونیک از جهات مختلفی می تواند مورد بررسی قرار گیرد؛ شامل مراحل اولیه یعنی شروع درخواست تا مراحل پایانی دادرسی و اجرای حکم را در برگیرد. از کشورهای پیشرو در این زمینه ایالات متحده آمریکا می باشد. ساختار الکترونیک در دادگاه ها و محاکم هم در قانون فدرال و هم در قوانین ایالتی مورد تصریح قرار گرفته است. (شاهسوند، مهدی، ۱۳۸۸)

۳-۳-۱-۱-۲-۱-تشکیل پرونده هوشمند

با تکامل اینترنت، تشکیل پرونده هوشمند دوباره تعریف شده است. امروزه، پرونده سازی و خدمات هوشمند مبتنی بر اینترنت به سرعت جایگزین سایر رویکردهای کمتر توانمند و کم اعتماد تر می شوند. هنگام اجرای صحیح، تشکیل پرونده هوشمند روشی بسیار مطمئن و مطمئن برای ارسال، دریافت و مدیریت اسناد حقوقی و اطلاعات پرونده است. (سلیمان فلاح، حمید، ۱۳۹۳)

در بخش دوم اقدامات مدنی در آیین دادرسی مدنی ۱۸۷۲ مطابق بند الف ماده ۱۰۱۰،۶: «یک پرونده ممکن است در اقدامی که در این بخش به دادگاه ارائه شده است، به صورت هوشمند ارائه شود». برای نیل به اهداف این بخش موارد زیر مد نظر می باشد؛ (شهبازی نیا، مرتضی، ۱۳۸۸)

الف) خدمات هوشمند

به معنای ارائه یک اسناد به طرف یا شخص دیگر از طریق انتقال الکترونیک یا اطلاع رسانی هوشمند است. خدمات هوشمند ممکن است مستقیماً توسط یک طرف یا شخص دیگر، توسط نماینده ی طرف یا شخص دیگری از جمله وکیل شخص یا وکیل شخص دیگر یا از طریق ارائه دهنده خدمات تشکیل الکترونیک انجام شود. خدمات الکترونیک ابتدائاً در اطلاع رسانی خدمات به شیوه الکترونیک خلاصه شده است. در حقیقت از اواسط قرن بیستم به موازات بین المللی شدن تجارت و به رسمیت شناخته شدن آن رویکردها به سمت غیر مستقیم شدن ارائه خدمات تحول یافته است. دیوان عالی ایالات متحده در اصلاحیه چهاردهم به چنین خدماتی تصریح نموده

است. بنابراین قبل از اینکه یک کشور بتواند قدرت خود را به طور مشروع اعمال کند، صلاحیت آن باید توسط چنین خدمات اثربخش فرآیندی تکمیل شود. پس خدمات الکترونیک به معنای ارائه یک سند به طرف یا شخص دیگر از طریق انتقال الکترونیک یا اطلاع رسانی هوشمند است. خدمات هوشمند ممکن است مستقیماً توسط یک طرف یا شخص دیگر، توسط نماینده ی طرف یا شخص دیگری از جمله وکیل شخص یا وکیل شخص دیگر یا از طریق ارائه دهنده خدمات تشکیل الکترونیک انجام شود.

ب) ارسال هوشمند

به معنی انتقال سند به روش هوشمند به آدرس خدمات هوشمند است که از طریق آن شخص یا شخص دیگری خدمات هوشمند مجاز ساخته است.

ج) اطلاع رسانی هوشمند

به معنای اطلاع رسانی طرف یا شخص دیگری است که با ارسال پیام هوشمند به آدرس هوشمند در طرف یا شخص دیگری از طریق آن مجاز به ارائه خدمات هوشمند است، با ذکر نام دقیق نام سند ارائه شده و ارائه پیوندی که در آن می توان سند ارائه شده را مشاهده و بارگیری نمود. ؛ (شهبازی نیا، مرتضی، ۱۳۸۸)

۳-۳-۱-۱-۲-۲-۱ اعلامیه تشکیل پرونده هوشمند

عبارت است از تأیید نامه هوشمند در مورد رسیدگی به دادخواست هوشمند توسط دادگاه و همچنین اطلاع رسانی رسمی درباره تشکیل پرونده به همه طرفین. این اطلاعیه شامل متن ورودی داکت و همچنین پیوندی به اسناد ثبت شده است. تعاریف مختلفی از تشکیل پرونده هوشمند ، اعم از اقدام

ساده ارسال اسناد توسط فرآیند هوشمند، تا توسعه سیستم های پیچیده تری که شامل انواع عملکردهای فرعی هستند، وجود دارد. در تعریف ساده، تشکیل پرونده هوشمند شامل انتقال یک سند به روش هوشمند است. برخی دیگر اصطلاحات تشکیل پرونده هوشمند را فقط به فرایندی که مدارک برای تشکیل پرونده به دادگاه ارائه می شوند، تفسیر می کنند. اما این جنبه تنها بخشی از یک فرآیند هوشمند بالغ و پایان یافته برای اسناد است. کتاب راهنمای تهیه شده توسط مرکز ملی دادگاه های ایالتی (ان سی اس سی) تعریف جامع تری ارائه می دهد:

تشکیل پرونده هوشمند فرآیند انتقال اسناد و سایر اطلاعات دادگاه به دادگاه از طریق یک رسانه هوشمند است تا کاغذ. تشکیل پرونده هوشمند به افراد اجازه می دهد تا بیشتر کار خود را با رایانه های شخصی خود انجام دهند، برای ارسال و دریافت اسناد، پرداخت هزینه تشکیل پرونده، اطلاع به طرف های دیگر، دریافت اعلامیه های دادگاه و بازیابی اطلاعات دادگاه. (شهبازی نیا، مرتضی، ۱۳۸۸)

لازم به ذکر است در مورد پرونده های ثبت شده در مورخه ۱ ژانویه ۲۰۱۹ یا بعد از آن اگر یک سند از طریق پست، پست هوشمند، تحویل شبانه یا انتقال فکس صورت گیرد، خدمات هوشمند این سند مجاز نیست، مگر اینکه طرف یا شخص مقابل صراحتاً رضایت داده باشد. دریافت خدمات الکترونیک در آن اقدام خاص یا دادگاه دستور داده است تا خدمات هوشمند را به یک شخص نماینده یا شخص نماینده دیگری که در زیر تقسیم (ج) یا (د) ارائه شده باشد. رضایت صریح به خدمات هوشمند ممکن

۳-۳-۱-۱-۳-۱ اصول

۳-۳-۱-۱-۳-۱-اصل سرعت

اصل سرعت در رسیدگی آن چنان در دادرسی های مدنی و کیفری واجد اهمیت است که رعایت آن منجر به حفظ کرامت انسانی، کاهش هزینه ها، احساس عدالت، امنیت قضایی، رضایت مندی افکار عمومی و اعتماد عمومی به دستگاه عدالت کیفری می گردد که این نتایج موافق اصول و قواعد فقهی همچون اصل برائت و قاعده لاضرر می باشد. (سهرابی، ۱۳۹۵:

۱۱) این در حالی است که سامانه‌های هوشمند قوه قضاییه سبب شده تا مشکلات موجود در زمینه ابلاغ برطرف شود و همین سبب می‌شود تا سرعت رسیدگی به پرونده‌های قضایی افزایش یابد. در ارتباط با اصل سرعت در دادرسی‌ها در نظام حقوقی ایران، مقرراتی وجود دارند از جمله در بند ۲ ماده ۱۴ و بند ۷ ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات (۱۳۹۰)، تاخیر غیرموجه قاضی از صدور رای بیش از یک ماه یا اجرای آن را مستوجب ضمانت اجراهای انتظامی دانسته است. این موضوع در رسیدگی‌های کیفری به نحو دقیق‌تری به چشم می‌خورد به نحوی که بر طبق تبصره ۴ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مرجع تجدیدنظر ملزم است که حداکثر ظرف شش ماه در رابطه با جرایم اقتصادی و فسادهای مالی اظهارنظر نماید در غیر این صورت، تاخیر غیرموجه قاضی در صدور رای بیش از این مدت، وی را در معرض محکومیت‌های انتظامی قرار می‌دهد. (وطنی، ۱۳۹۷: ۲۶۳)

۳-۳-۱-۱-۲-۳-۲-۱-۳-۳ اصل شفافیت

تعریف دقیقی از شفافیت نه تنها در نظام حقوقی ایران بلکه تقریباً در هیچ نظام حقوقی وجود ندارد و بسته به حوزه مورد مطالعه، مصادیق و نه تعاریفی از شفافیت وجود دارد. ((بر اساس اصل شفافیت، فرآیند رسیدگی و حل و فصل اختلافات باید به صورت علنی برگزار و هرگونه اسناد و مدارک مربوط به آن و آراء باید منتشر و در دسترس عموم قرار بگیرد. از سوی دیگر، اشخاص ثالث (ذی نفع)، باید حق ارسال دفاعیه کتبی در راستای

حمایت از منافع خود در دعوی را داشته باشند.)) (اسکینی، ۱۳۹۸: ۴۹) اصل شفافیت در نظام حقوقی اسلام نیز مورد توجه قرار گرفته است به نحوی که از نظر اسلام، ابزار و بیان واقعیات مفید به حال بشر چه در قلمرو مادی و چه در قلمرو معنوی نه تنها آزاد است بلکه کسی که از حقایقی اطلاع داشته باشد و قدرت بیان آنها را در خود احساس نماید و با این حالت ساکت باقی بماند و مردم را از دریافت آن حقایق محروم سازد، مسئول است. (جاوید و شاهمرادی، ۱۳۹۴: ۱۵) ماده ۲۷ قانون مدیریت خدمات کشوری در کنار اصل برابری در بهره مندی از خدمات عمومی، دو اصل «مستند و مستدل بودن تصمیم اداری» و «اصل شفافیت» را نیز مورد توجه قرار داده است. مطابق این ماده؛ مردم در استفاده از خدمات دستگاه های اجرایی در شرایط مساوی از حقوق یکسان برخوردارند، دستگاه های اجرایی موظفند حداکثر ظرف سه ماه، مراحل، زمان و کیفیت و استاندارد ارائه خدمات و تغییرات آنها را مستند و شفاف نموده و از طرق مختلف به اطلاع مردم برسانند و در صورت بروز هر گونه تخلف، مسوولین دستگاه های اجرایی مسوولیت پاسخگویی به مردم و شکایت آنان را برعهده خواهند داشت. لذا همانطور که منطوق ماده فوق گویاست، اصل شفافیت جزء اصولی است که مورد تاکید تدوین کنندگان قانون مزبور بوده و صراحتاً مورد اشاره واقع گردیده است.

۳-۳-۱-۱-۳- اصل خودمختاری

اصل خودمختاری به این معناست که سامانه های هوش مصنوعی فعال ناظر

بر کارکردهای قوه قضاییه می توانند به صورت مستقل یا با درجه کمی از نیاز به کمک کاربر انسانی، تصمیم سازی نمایند. این تصمیم سازی در سامانه های هوش مصنوعی همان گونه که گفته شد در یک سطح نبوده بلکه بسته به سطح خودمختاری که شرکت تولید کننده و توسعه دهنده سامانه های مزبور بدان ها داده است، متغیر است. نکته ای که در این ارتباط شایان ذکر است، این می باشد که اصل خودمختاری بسته به کارکردهایی که هر یک از سامانه های هوش مصنوعی برای آن پیش بینی شده است؛ متفاوت است برای نمونه برخی از سامانه های هوش مصنوعی در زمینه جمع آوری ادله و مدارک کمک می نمایند. از این رو، سطح خودمختاری شان بر اساس این کارکرد تعریف می گردد.

۳-۳-۱-۱-۳-۴- اصل استقلال

حق دسترسی به دادگاه و برخورداری از یک دادرسی منصفانه از حقوق اولیه بشر است که در اسناد بین المللی حقوق اصحاب دعوی از جمله اعلامیه جهانی حقوق اصحاب دعوی به آن اشاره شده است. "حق برخورداری از یک دادرسی منصفانه" در بردارنده مجموعه ای از اصول و قواعدی است که جهت رعایت حقوق طرفین در رسیدگی به دعوای آنان پیش بینی گردیده است. مطابق اصول مزبور هر کسی حق دارد دعوایش به وسیله دادگاهی مستقل و بی طرف، به طور منصفانه و ظرف مهلتی منطقی و با امکان برابر با طرف مقابل در دفاع از خود به طور علنی مورد رسیدگی قرار گیرد.

نظام های حقوق داخلی نیز این حق را برای تضمینی جهت اطمینان بخشیدن

به اینکه افراد به صورت غیر قانونی و ناعادلانه مجازات نمی شوند، برقرار ساخته اند. و به همین جهت کلیه مراجع کیفری از قبیل دادسرا، دادگاه بدوی، تجدید نظر و .. مکلف به رعایت این اصول می باشند.

دادرسی منصفانه، مدل و الگویی برای اداره و انسجام کیفری است که به ویژه در سال های اخیر در سطح ملی و بین المللی مورد توجه نهادهای مختلف قضایی و حقوقی قرار گرفته است. دادرسی عادلانه مشتمل بر شناسایی حقوقی برای فرد و نیز پیش بینی تضمین هایی برای رعایت آنهاست که بدون آن، دادرسی کیفری نمی تواند به اجرای عدالت و رعایت انصاف منتهی شود. این حقوق و تضمین ها از زمان ارتکاب جرم و دستگیری احتمالی او شروع می شود و تا صدور حکم قطعی ادامه پیدا می نماید. در کشور ما اگرچه ماده قانونی وجود ندارد که به صراحت بر چگونگی اجرای این اصل تاکید نماید، ولی بدیهی است که قاضی در تمامی مراحل دادرسی باید به این اصل مهم پای بند باشد.

۳-۳-۱-۲- در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا

۳-۳-۱-۲- شرایط

۳-۳-۱-۲-۱- ماهوی

برای اولین بار در سال ۱۹۷۲، روش کنفرانس ویدیویی برای تشکیل جلسه رسیدگی در دادگاه ایلینوز مطرح شد. متعاقباً، سیستم مدیریت هوشمند پرونده که از اواخر دهه ۱۹۹۰ در ایالات متحده آغاز شده است، چگونگی تغییر دادگاه های فدرال و وکلای دادگستری، قضات و کارمندان شاغل را

با هم تغییر داده اند. در آن ها، اقداماتی انجام شده است. و کلا از کمبود استرس در پایان روز کاری صحبت می کنند و می دانند که می توانند به صورت هوشمند سندی را تا نیمه شب و بدون ترس از بسته شدن درهای دادگستری به آن ها ببندند. در دفاتر منشی، کار از پر کردن و تمبر کردن اوراق به انجام کنترل کیفیت تغییر کرده تا مطمئن شوند که ورودی های هوشمند دقیق و به روز هستند. و همه، از یک دادخواست خود به یک قاضی استیناف، می توانند پرونده ها و اسناد پرونده را در زمان تقریباً واقعی پیگیری کنند. (Fleming, Mark, 2007)

البته در سال ۱۹۸۶ و قبل از آن سیستم ثبت هوشمند پرونده در مورد ثبت پرونده های مالیاتی نیز در ایالات متحده پیش بینی شده بود. (خدمات درآمد داخلی) در سال ۱۹۸۶ تشکیل پرونده هوشمند را برای کاهش هزینه های بهره برداری و استفاده از کاغذ آغاز کرد. از آن زمان، ویژگی های اضافی، اضافه شده است. در سال ۱۹۸۷ سپرده مستقیم هوشمند به عنوان شکلی از پرداخت اضافه شد. نقاط عطف در طول سال ها تنظیم و شکسته شده است. در سال ۱۹۹۰؛ ۴٫۲ میلیون بازده حاصل شد و در سال های اخیر رکورد ۱ میلیارد و ۱۰۴۰ پرونده هوشمند ثبت شده است. (Angelia, 2011)

پتانسیل کامل پیسر در اواخر دهه ۱۹۹۰ با اولین آزمایش از پرونده های مدیریت پرونده/پرونده های هوشمند مشخص شد. در جائیکه پیسر به مردم فرصتی داد که تجارت در دادگاه را ببینند، سیستم مدیریت پرونده / پرونده های هوشمند به جامعه حقوقی این امکان را می دهد تا پرونده های دادگاه

را بصورت هوشمند ثبت و بدون بروزرسانی به دادگستری ثبت و به روز کند. با ورود سیستم مدیریت پرونده / پرونده های هوشمند به اینترنت، خطوط پیک شرکت های حقوقی در دفاتر کارمندان فدرال ناپدید شدند. در مورد سیستم مدیریت هوشمند باید گفت بهترین چیز شفافیت گسترده در امور دادگاه است. در حالی که اکثریت قریب به اتفاق سوابق دادگاه همیشه عمومی بوده اند، آن ها فقط در یک دادگاه دادگاه فدرال در دسترس بوده و دسترسی برای بسیاری از عموم سخت است. "دسترسی آنلاین، سوابق عمومی را واقعاً عمومی می کند، که منطقاً از ارزش بالایی برخوردار باشد." (Ibid).

مقیاس سیستم مدیریت پرونده / پرونده های هوشمند و پیسر در اوایل دهه ۲۰۰۰ به طرز چشمگیری تغییر کرد، زیرا دادگاه های بیشتری پرونده سازی آنلاین را پذیرفتند. در سال ۲۰۰۲، دادگاه منطقه ۹۴ ایالات متحده و ۴۰ از ۹۰، دادگاه ورشکستگی از پرونده های هوشمند استفاده کردند. تا سال ۲۰۰۷، پیسر و سیستم مدیریت پرونده / پرونده های هوشمند، تقریباً جهانی بودند. (S. GENSLER, STEVEN, 2010)

۳-۳-۱-۲-۲-۲-از نظر شکلی

از آنجا که قواعد آیین دادرسی به قواعد شکلی نیز مشهور هستند، ساختار و تشکیلات رسیدگی را دربرمی گیرد، در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا عمدتاً به جنبه ساختار و تشکیلات رسیدگی توجه شده است تا قواعد افتراقی رسیدگی توسط هوش مصنوعی. از نظر ساختار هوشمند شدن دادرسی مدنی در نظام حقوقی ایالات متحده، بایستی نخست به سامانه هایی که در

این زمینه موجود است، اشاره نمود :

تمامی دادگاه های ایالات متحده آمریکا از سیستم جدید مدیریت الکترونیک پرونده های قضایی موسوم به Vera بهره می برند . از طریق سامانه Vera ، ادغام اطلاعات برای اهداف بسیار متفاوت امکان پذیر می باشد . سامانه آماری دیگری موسوم به SIV-System بر مبنای ارایه اطلاعات از سامانه Vera و خلاصه پرونده های قضایی که از گزارش های دادگاه ها برگرفته شده اند ، به پایش اطلاعات می پردازد . تمامی اطلاعاتی که در سامانه Vera مندرج است نه تنها در تولید گزارش های آماری مورد استفاده قرار می گیرد بلکه انجام ارزیابی های دیگری با ابزارهای موجود در سامانه فوق امکان پذیر می باشد . برای نمونه ، از طریق استفاده از موتور جستجوی Vera ، مطرح ساختن یک گزارش موجز و مختصر ، تمامی فرآیندها و مراحل رسیدگی قانونی که در آن یک شخص شرکت داشته خواه به عنوان خواهان یا خوانده یا شاکی یا متشاکی عنه نمایش داده می شود.

یکی دیگر از موارد اصلی استفاده از سامانه Vera ، تعیین مدت زمان رسیدگی به یک پرونده و به عبارت دیگر ، تعیین بازه زمانی رسیدگی هر مرحله از دادرسی می باشد بدین صورت که از زمان آغاز رسیدگی تا پایان مدت رسیدگی ، زمان مشخصی در سامانه Vera مندرج شده است که بیش از آن ، نوعی اطاله دادرسی محسوب شده و بدین صورت ، محاکم قضایی ایالات متحده آمریکا می توانند به مدیریت مطلوب زمان رسیدگی بپردازند . یکی دیگر از مصادیق هوشمند شدن دادرسی مدنی در نظام قضایی ایالات

متحده، سامانه مدیریت پرونده های قضایی که در مراحل رسیدگی های بدوی در برخی از ایالات آمریکا از جمله بوستون مورد استفاده قرار می گیرند، سامانه مدیریت پرونده های قضایی TUOMAS و سامانه انتقال هوشمند اطلاعات SANTRA می باشد. محاکم قضایی ایالت بوستون در طول سال، حدود ۶۵ درصد از دادخواست ها و شکایت ها را از طریق سامانه SANTRA دریافت می دارند. هم چنین ایمیل یا فاکس می تواند مورد استفاده واقع شود. (Albanese, 2015: 61) خواهان یا شاکی که از سامانه SANTRA استفاده می نمایند می تواند به طور روزانه، اطلاعات تمامی دعاوی مطروحه خود را به صندوق مشترک ایمیل دادگاه ها ارسال دارد و از طریق آن به ایمیل دادگاه های مربوطه ارسال شده و سامانه TUOMAS آنها به روز می شود. هم چنین در جهت کاهش مدت رسیدگی به پرونده های قضایی، امکان ارسال دادخواست به صورت مستقیم از سوی خواهان یا شاکی از طریق ایمیل به دادگاه ها وجود دارد. (Albanese, 2015: 61) هم چنین دادگاه ها، خوانده یا متشاکی عنه را از طریق سیستم خدمات پست الکترونیک بوستون موسوم به BPS احضار می نمایند که این موضوع نیز به جهت هوشمند بودن موجب کاهش مدت رسیدگی به پرونده های قضایی می گردد. هم چنین اسنادی که اصل آنها ضرورت دارد تا در روند دادرسی توسط طرفین دعوا ارایه شود به موجب سامانه TUOMAS در معرض دید طرفین دعوی قرار می گیرد و طرفین ملزم هستند تا نسخه ای از آن را در سامانه مزبور قبل از شروع اولین جلسه دادرسی، بارگذاری نمایند. (Albanese, 2015: 61) سامانه

TUOMAS، ضرب العجل ها و حداکثر مدت زمانی را که برای اعتراض به خوانده یا خواهان داده می شود به طور خودکار پیگیری کرده و به آنها اخطارها و هشدارهای لازم را در این خصوص می دهد. یکی از قابلیت های منحصر به فرد سامانه TUOMAS، کمک و همکاری دادن به قضات رسیدگی به پرونده در جهت صدور رای می باشد به عبارت دیگر، سامانه مزبور با استفاده از ادله و اسناد ارایه شده طرفین، قضات را در صدور رای نهایی کمک می نماید. همین امر منجر به کاهش اشتباهات قضایی شده که سهم موثری در کاهش اطاله دادرسی در فنلاند ایفاء نموده است. در بسیاری از قضایا، محاکم قضایی ایالت بوستون ناچارند تا با خواهان یا شاکی دعوا نیز ارتباط داشته باشند. از طریق سامانه EPS، محاکم قضایی بوستون پیام هایی را به صورت پست الکترونیک به خواهان یا شاکی ارسال نموده ضمن آنکه این شیوه ابلاغ در سایر مراحل استماع و رسیدگی دعوا در تمامی مراحل قضایی دنبال می شود (Albanese, 2015: 61)

سامانه TUOMAS، تمامی اسناد مندرج در قضیه را ذخیره و مورد ارزیابی قرار می دهد و در صورتی که اسناد به صورت هوشمند ارسال شده باشند، می تواند در سایر دعاوی نیز مورد استفاده قرار بگیرد. همین امر، مجدداً موجب کاهش مدت رسیدگی های قضایی می شود.

همچنین مطابق مقررات قضایی فوریدا در ماده ۲,۵۳۰ در بند C «یک قاضی دادگاه حوزه قضایی اصلی یا بخش می تواند، بنا به درخواست کتبی یک طرف با توجه به تمام طرفین، به یک طرف درخواست کننده اجازه دهد تا از طریق تجهیزات ارتباطی در یک جلسه دادرسی موقت

شرکت کند. با این حال، هر درخواست (به جز در دادرسی کیفری، نوجوان و استیناف) باید اعطا شود...» پس مطابق این قاعده رضایت طرفین در استفاده از تجهیزات الکترونیکی در مرحله رسیدگی ماهوی نیز شرط می باشد. (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۸)

در سال ۲۰۱۰، کمیته فناوری و کالت دادرسی ایالتی میشیگان چگونگی استفاده از فناوری برای افزایش کیفیت عدالت و اطمینان از عادلانه و دسترسی سیستم را مشخص کرد. به ویژه، در این گزارش آمده است که از فناوری می توان برای بهبود (۱) ارائه اطلاعات به دادگاه (به عنوان مثال پرونده هوشمند، بررسی سوابق کیفری، ارتباطات از راه دور، شهادت کنفرانس ویدئویی)، (۲) توزیع اطلاعات در داخل استفاده کرد. دادگاه (به عنوان مثال، دادگاه های بدون کاغذ و سیستم های مدیریت حوضه)، و (۳) دسترسی عمومی به اطلاعات دادگاه (دستورات تشکیل پرونده هوشمند، اطلاعات داکت آنلاین و توزیع هوشمند تقویم های روزانه، ۲۰۱۰).

(Evert-Jan, 2011)

وسيله هوشمند هر وسيله ای است که قادر به ایجاد یا انتقال عکس ها، ضبط های ویدئویی یا تصاویر از هر نوع دیگری است که هنوز هم ایجاد یا انتقال می دهد. هر دستگاه قادر به ایجاد، انتقال یا دریافت متن یا داده است. هر دستگاهی که قادر به دریافت، انتقال یا ضبط صدا باشد. دستگاه های هوشمند، بدون محدودیت، دوربین فیلمبرداری، دوربین دیجیتال، دوربین فیلمبرداری، هر نوع دوربین دیگر، تلفن های همراه، ضبط صوت، ضبط صوت دیجیتال، هر نوع ضبط صوتی، رایانه لپ تاب، دستیاران دیجیتال

شخصی یا سایر فناوری های مشابه را شامل می شوند. دستگاه هایی با امکان ایجاد یا انتقال ضبط های ویدئویی، ضبط های صوتی، تصاویر، متن یا داده ها. (مهرآبادی، ۱۳۹۴: ۱۱۲)

در این گزارش همچنین آمده است که این فناوری می تواند فرآیندهای دادگاهی را شامل تفسیر زبان، انتخاب هیئت منصفه و مراحل دادرسی در مسافت طولانی، سیستم های دفاع عمومی و آموزش و آموزش قضات و کارمندان دادگاه را بهبود بخشد. قوانین فدرال از شواهد ۹۰۲ (۱۳) و ۹۰۲ (۱۴)، که در تاریخ ۱ دسامبر سال ۲۰۱۷ شروع به کار کرد، تأیید هویت مدارک هوشمند را فراهم می کند. طبق این قوانین، شواهد هوشمند می توانند به جای گواهی، توسط گواهینامه تأیید شوند. قانون ۹۰۲ (۱۳) در مورد مدارک هوشمند مانند پرونده های رایانه ای، ارسال های رسانه های اجتماعی، داده های دستگاه های هوشمند و غیره اعمال می شود. قانون ۹۰۲ (۱۴) در مورد نسخه های هوشمند اعمال می شود. (همان)

در سیستم قضایی آمریکا نیز دادگاه هوشمند تحت تأثیر ابزارها و سیستم های فناورانه می توانند تبلور یابند. در ایالات فلوریدا به عنوان پیشگام استفاده از فناوری در دادگاه این رویکرد چشم گیرتر است. با این رویکرد فرصت های ایجاد شده توسط فن آوری های نوظهور، انگیزه ای را برای دستگاه قضایی فراهم آورده است تا بسیاری از چالش های پیش روی سیستم دادگاه ها را برآورده سازد. در این زمینه سندی موصوف به Ctf برآورد شده است که مروری بر مفهومی به نام چارچوب (چارچوب فناوری دادگاه) ارائه می دهد. چارچوب فناوری دادگاه (سی تی اف) توسط کمیته

فناوری مشترک (جی تی سی) و مرکز ملی دادگاه های ایالتی به عنوان ابزاری برای فراهم کردن زمینه های موجود، و شناسایی ابتکارات جدید استانداردهای فناوری جدید برای جامعه دادگاه ها در حال توسعه است. سی تی اف مفهومی است که هنوز در حال توسعه است و به همین ترتیب کار بسیار در دست اقدام است. در نتیجه جی تی سی خوانندگان این سند را ترغیب می کند تا هرگونه فکر، ایده و یا بازخورد دیگری که ممکن است برای توسعه بیشتر و اهداف سی تی اف داشته باشند را به اشتراک بگذارند. (خجسته بات، ۱۳۸۸: ۲۴)

در آیین نامه دادگاه های کالیفرنیا در قانون ۲،۲۵۱ بخش خدمات هوشمند، به خدماتی که توسط دادگاه ها به صورت هوشمند ارائه می شود اشاره شده است.

در این بخش مطابق بند k اولین خدمت اینست که دادگاه می تواند اسناد را مطابق مقررات بخش ۱۰۱۰،۶ آیین دادرسی مدنی ایالات متحده ارائه دهد. دوم اینکه اگر دادگاه موافقت کند که خدمات هوشمند قانونی است که توسط قانون یا حکم دادگاه مقرر شده باشد، اسناد را می توان به صورت الکترونیک در دادگاه تحویل داد و دادگاه با این رضایت اعلام کرده که با قبول خدمات الکترونیک موافقت کرده است با موارد زیر:

- در مورد اینکه دادگاه خدمات هوشمند را بپذیرد، اطلاع رسانی به کلیه طرفین و اشخاص دیگر. این اطلاعیه باید آدرس خدمات هوشمند باشد که در آن دادگاه با پذیرش خدمات موافقت می کند.

- تصویب یک قاعده محلی با بیان اینکه دادگاه خدمات هوشمند را می

پذیرد. این قانون باید حاکی از این باشد که آدرس خدمات هوشمند را که در آن دادگاه با پذیرش خدمات موافقت کرده است، نشان دهد. (Benmn, 2014: 17)

به منظور این تحقیق، یکی از سازمانهای ذیربط که سیستم CM / ECF را پیاده سازی کرده است، دادگاه تجارت بین المللی ایالات متحده (CIT) است.

CIT یک دادرسی قانونی است که در ایالات متحده می تواند به جای اینکه درخواست تجدیدنظر خود را به دبیرخانه NAFTA ارائه دهد، دادخواستهای تجاری خود را شنیده شود.

اجرای سیستم CM / ECF36 در CIT مستلزم نگاه دقیق تری است زیرا رویه های آنها احتمالاً با دبیرخانه NAFTA قابل مقایسه است، به ویژه برای مواردی که می توانست تحت مقررات NAFTA آغاز شود.

سیستم CM/ECF، یک مدیریت پرونده و یک سیستم داکت هوشمند، دیوان و نوار را قادر می سازد تا از طریق اینترنت به صورت هوشمند در تعامل باشند. مشاور می تواند اسناد را ارائه دهد و دادگاه می تواند دستورات و نظرات را بصورت هوشمند با استفاده از اینترنت ارائه دهد. مشاوران، احزاب و عموم مردم در هر زمان دسترسی فوری به اطلاعات پرونده و اسناد دارند.

سیستم CM / ECF از سخت افزار رایانه ای استاندارد، اتصال اینترنتی و یک مرورگر استفاده می کند و اسناد را در قالب اسناد قابل حمل (PDF) می پذیرد.

سیستم آسان برای استفاده است - فیلترها یک سند را با استفاده از نرم افزار معمولی پردازش کلمه تهیه می کنند، سپس آن را به عنوان یک فایل PDF ذخیره کنید. پس از ورود به وب سایت دادگاه با گذرواژه صادر شده از دادگاه، پرونده چندین صفحه با اطلاعات اولیه مربوط به پرونده، طرف و پرونده در پرونده را پر می کنند، سند را ضمیمه می کند و آن را به دادگاه ارسال می کند. اخطار تأیید صحت رسیدگی به پرونده به صورت خودکار ایجاد می شود. سایر طرفین پرونده سپس به طور خودکار اعلان نامه هوشمند از تشکیل پرونده را دریافت می کنند.

هنگام تهیه نتایج نظرسنجی، برخی از وکلای ایالات متحده، که تجربه استفاده از سیستم فوق را داشتند، CIT را به عنوان نمونه ای که باید دبیرخانه NAFTA دنبال کند، معرفی کردند.

با استفاده از CM/ECF، کاربران ممکن است از طریق پیوندی که با ورودی داکت ظاهر می شود به پیوست های PDF دسترسی پیدا کنند. همانطور که قبلاً در بخش پیش زمینه ذکر شد، این آخرین ویژگی دسترسی به درخواستهای مربوطه در حال حاضر برای اسناد دیجیتالی شده برای کارمندان در سامانه اطلاعات رجیستری در دسترس است.

در حال حاضر، فقط اسناد غیر محرمانه از طریق سیستم موسوم به ((سی.آی.تی)) در دسترس هستند، که می تواند محتمل ترین راه حل برای دعاوی باشد زیرا اسناد محرمانه پس از اتمام بررسی پانل توسط دبیرخانه حفظ نمی شوند.

همچنین، دادگاه عالی کارولینای شمالی به اولین دادگاه استیناف ایالتی

تبدیل شد که ارسال هوشمند خلاصه نامه را پذیرفت برای اعطای کمک هزینه از سوی مؤسسه دادگستری ایالتی به منظور ایجاد سیستم مبتنی بر اینترنت برای تشکیل پرونده ها و بازیابی اسناد مختصر، دادخواست ها، دادخواستها و سایر سوابق دادگاه های استیناف تصویب شد و تست این روند با ۲۰ مؤسسه حقوقی قبل از اجرای کامل. پس از تکمیل چندین ده پرونده با موفقیت، دادگاه آماده پذیرش ارسال هوشمند بدون اسناد مقاله پیگیری بود. (Christie, 2001:10) دادگاه عالی کارولینای شمالی نیز قوانین خود را اصلاح کرد تا امکان ارائه خدمات هوشمند ۴۰ را در هنگام ارائه سندی به صورت هوشمند فراهم کند. با توجه به اینکه دبیرخانه مجبور به تبادل اطلاعات با بسیاری از موسسات حقوقی نمی باشد، مرحله آزمایش باید با بررسی تابلوی از پیش تعیین شده به جای وکلای خاص قبل از اجازه پرونده هوشمند در کلیه موارد انجام می شد.

سایر پیاده سازی های موفقیت آمیز شامل ایالت کلرادو است که نخستین ایالتی شد که سیستم دادرسی هوشمند در سراسر کشور را در کلیه دادگاههای صلاحیت عمومی آنها، مشابه تلاش در کانادا با مدل ارائه دهنده خدمات هوشمند تشکیل پرونده، اجرا کرد.

اخیراً، دادگاه های کالیفرنیا پروژه مشخصات هوشمند تشکیل نسل دوم خود را که به دنبال توسعه نسل جدیدی از مشخصات تشکیل پرونده های هوشمند است، آغاز کردند.

منطقه شمالی اوهایو از ژانویه ۱۹۹۶ دریافت پرونده های هوشمند را آغاز کرد. از اول آوریل ۲۰۰۵، دادگاه به شدت وکلا را تشویق می کند تا اسناد

خود را به صورت هوشمند ثبت کنند. (U.S Courts, 2005: 2) حتی اگر داستانهای موفقیشمار باشند، برخی از پروژه ها با شکست مواجه شده اند و بررسی دقیقتر دو دلیل اصلی را نشان داده است: فقدان استانداردهای فناوری و بودجه های کوچک. به طور خلاصه، تعدادی از دادگاههای دو طرف مرز، سیستم تشکیل پرونده هوشمند خود را توسعه داده اند یا در مرحله طراحی هستند.

۳-۳-۱-۲-۳-أصول

۳-۲-۱-۳-۱-اصل سرعت

در مورد اصل سرعت، یک قانون گذاری خاص در ایالات متحده آمریکا موسوم به "قانون رسیدگی سریع" (۱۹۷۴) تصویب شده است که محدودیت های زمانی برای رسیدگی به هر یک از دعاوی مدنی و کیفری در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا قرار داده است از جمله فرآیند رسیدگی بدوی در محاکم دادگستری ایالات متحده نایستی بیش از هفتاد روز از تاریخ اقامه دعوی باشد و دقیقاً مینوی بر اصل سرعت است. اصل سرعت بیانگر این نکته است که تمامی مراحل رسیدگی تا اجرای حکم قضایی بایستی بدون هیچ گونه مانعی صورت پذیرد. البته موانع شخصی از این موضوع مستثنی هستند. به علاوه، در همین قانون الذکر ضمانت اجراهای حقوقی و کیفری را برای قضاتی تعیین نموده است که به سرعت به پرونده های قضایی منتقل شده است.

سرعت در دادرسی به عنوان یکی از قواعد و اصول مسلم و مهم دادرسی بیان شده که حتی عدم رعایت آن به صحت و اقتدار رسیدگی خدشه وارد می کند. یکی از شرایط مهم بهره مندی از حق دادرسی عادلانه، رسیدگی به دعاوی، صدور حکم و اجرای آن در اسرع وقت است.. (Christie, 2001:10)

اهمیت دادن به زمان دادرسی نه تنها در رضایت خاطر اصحاب دعوی مؤثر است، بلکه موجب میشود از لحاظ سیاسی، مردم به قوای حاکمه اعتماد بیشتری کنند و با طیب نفس رأی آنها را بپذیرند. اهمیت زمان در دادرسی امروزه تا حدی است که آن را یکی از معیارهای ارزیابی کیفیت دادرسی میدانند. هنگامی که به ارزیابی کیفیت دادرسی پرداخته میشود، خود به خود ارزش اقتصادی زمان محل توجه قرار میگیرد. زمان در اقتصاد به بازدهی و نابازدهی اعمال انجام شده توجه دارد و از کارآیی و ناکارآیی آن پرده برمی دارد. در این معنا زمان معیاری است برای قضاوت نسبت به اثر بخش بودن یا نبودن اعمال و اقدامات دادرسی و رأی حاصل از آن در حقیقت این برداشت بیشتر ناظر به ارزش و قیمت خود زمان مصروف است تا نتیجه دادرسی در حقوق کشور ما اگرچه این قبیل مباحث مورد توجه جدی قرار نگرفته و نمی گیرد. اما همگی مقامات قضایی به وجود اطاله دادرسی اذعان دارند. ولی همانطور که سرعت و توجه به زمان در دادرسی مطلوب است. اما چگونه می توان در تمسک به سرعت تا آنجا پیش رفت که سایر اصول مسلم دادرسی فراموش نگردد، یا برعکس به بهانه ی داشتن دقت آنقدر دعوی را ادامه

دهیم که نتیجه آن هرچه که هست دیگر مطلوب طرفین نباشد. (خجسته بات، ۱۳۸۸: ۲۴)

سرعت را به معنی «تندی، تیزی، نقیض کندی، تند رفتن، شتافتن، شتاب» می توان دانست. برخی بین سرعت و عجلت فرق گذاشته اند و گفته اند عجلت آن است که کاری را پیش از هنگام انجام داد و سرعت آن است که کار را در زمان مقرر ولی در مدت کمتری انجام داد. ولی باید دانست چنین مرزی در اینجا وجود ندارد. زیرا روشن است که تند انجام دادن کارها به تنهایی نمی تواند سرعت لازم را فراهم آورد، بلکه نهادهائی مانند رسیدگی خارج از نوبت یا فوق العاده خود به گونه ای ترجمات عجلت هستند و دلیلی ندارد که عجلت را امر ناپسندی دانست. (همان)

رسیدگی موضوع این اصل می تواند هم رسیدگی قضائی و هم داوری را پوشش دهد ولی به یقین به سازش و میانجیگری رسیدگی اطلاق نمی شود که موضوع این اصل قرار بگیرد. گرچه تردیدی وجود ندارد که داوری بهتر از رسیدگی قضائی می تواند سرعت رسیدگی را تامین نماید و شاید به همین منظور در برخی کشورها طرفین ملزم هستند که دعاوی بازرگانی و حقوقی را از طریق صلح و سازش و بطور کلی طرق جایگزین رسیدگی قضائی حل و فصل نمایند. ولی تمرکز این پژوهش بر روی سرعت رسیدگی قضایی و دعاوی حقوقی است و حالتی را بررسی می کند که اختیار مراجعه به دادگاه داشته و با پناه بردن به دادگاه انتظار اجرای عدالت و سرعت در رسیدگی با حفظ قوانین و مقررات مربوطه را دارند. (Christie 2001:10)

۳-۲-۱-۲-۳-۲-اصل شفافیت

در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا نیز به مانند نظام حقوقی ایران، شفافیت در رسیدگی قضایی تعریف نشده است. با این حال، مولفه‌های مختلفی از اصل شفافیت در نظام قضایی ایالات متحده مورد پذیرش قرار گرفته است برای نمونه کنفرانس قضات به عنوان عالی‌ترین نهاد سیاست‌گذار قضایی این کشور، از سال ۲۰۰۶ میلادی، دادگاه‌های فدرال ایالات متحده را ملزم نموده است تا از نرم افزارهای تعارض منافع یابی برای کمک به شناسایی پرونده‌هایی استفاده نمایند که در آنها، قضات از تعارض منافع برخوردار بوده و می‌بایستی رد صلاحیت از رسیدگی در این پرونده‌ها، برای آن قضات صادر شود.

<https://www.uscourts.gov/news/2021/10/26/judiciary-takes-action-ensure-high-ethical-standards-and-transparency>

مهم‌ترین قانونی که در نظام حقوقی ایالات متحده در ارتباط با اصل شفافیت در دادرسی‌های مدنی موجود است، قانون موسوم به «دادگاه قرن بیست و یکم» است. اولاً اصل دسترسی عموم به رسیدگی‌های حقوقی در آن به رسمیت شناخته شده است و از جمله دادگاه‌های استیناف ملزم شده‌اند تا رسیدگی‌های قضایی خود را در اینترنت منتشر نمایند. ثانیاً، بر اساس این قانون، سامانه‌ای تحت عنوان «سامانه ثبت هوشمند دادگاه‌ها» پیش‌بینی شده است که شهروندان با ثبت نام در آن، می‌توانند به صورت رایگانی شده به رسیدگی‌های قضایی دسترسی داشته باشند. (Bennn,)

(2014: 17)

مهم ترین تفاوتی که میان رویکرد نظام حقوقی ایران با ایالات متحده در مورد اصل شفافیت وجود دارد، آن است که اصل شفافیت در نظام حقوقی ایالات متحده در چارچوب گسترده تری تحت عنوان اصل حکمرانی مطلوب دنبال می شود. به عبارت دیگر، یکی از مولفه های اصلی و اساسی که موجب تحقق حکمرانی مطلوب، اصل حاکمیت قانون و ... می شود؛ اصل شفافیت است. این در حالی است که در نظام حقوقی ایران، جایگاه اصل شفافیت به وضوح مشخص نشده است و هر آنچه که تحت عنوان اصل شفافیت مطرح می شود و تمایزهای آن به صورت دقیق مشخص نشده است.

۳-۲-۱-۲-۳- اصل خودمختاری

در نظام قضایی ایالات متحده، چند نوع کارکرد سامانه های هوش مصنوعی را شاهد هستیم به نحوی که برخی از انواع سامانه های هوش مصنوعی هستند که مبتنی بر فناوری خاصی تحت عنوان یادگیری عمیق هستند. این نوع سامانه ها، قابلیت آن را دارند تا ضمن این که داده های برنامه ریزی شده را داشته باشند، داده های محیط اطراف را نیز جمع آوری نموده و بر اساس کلیه داده های اولیه و ورودی اقدام به تصمیم گیری نمایند. با این حال، این سطح تصمیم گیری کاملاً به صورت مستقل صورت می پذیرد و نیاز به کاربر انسانی نیست. از سوی دیگر، یک نوع دیگر سامانه هوش مصنوعی است که مبتنی بر یادگیری محدود است. در این نوع سامانه های هوش مصنوعی که عمدتاً در زمینه های مربوط به جمع آوری اطلاعات به

کار برده می شوند، پس از این که اطلاعات جمع آوری شد نیازمند صحت سنجی مقام رسیدگی کننده است.

۳-۲-۱-۲-۳-۴-اصل استقلال

اصل استقلال، یکی از اصول مسلم در زمینه رسیدگی ها اعم از قضایی و غیرقضایی است. این اصل بدان معناست که مقام رسیدگی کننده نباید در زمینه رسیدگی های خود، بین طرفین رسیدگی ایجاد تبعیض نماید یا بر اساس مولفه هایی غیر از مدارک و ادله اقدام به تصمیم گیری نماید. با این حال، این اصل در ارتباط با سامانه های هوش مصنوعی ممکن است در معرض ریسک باشد چرا که سامانه های هوش مصنوعی صرفاً بر اساس داده ها، اقدام به تصمیم گیری می نمایند و بر این اساس ممکن است ویژگی های ظاهری طرفین دعوی در این زمینه تعیین کننده باشد. با وجود این، نکته ای که از اهمیت برخوردار است، آن می باشد که مداخله دادن ویژگی های غیرترافعی در رسیدگی ها به ویژه رسیدگی های قضایی، می تواند استقلال سامانه های هوش مصنوعی را تحت الشعاع قرار بدهد.

فصل سوم - چالش ها و خلاءهای ناشی از بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا

در این فصل به این امر می پردازیم که چه چالش ها و خلاءهایی در زمینه بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا وجود دارد. این چالش ها و خلاءها به دو دسته تقسیم می شوند که در مبحث اول به چالش ها و خلاءهای ماهوی و در

مبحث دوم به چالش ها و خلاءهای شکلی در هر یک از نظام های حقوقی مورد مطالعه اشاره می شود. بدیهی است که این نکته قابل ذکر است که در هر دو نظام حقوقی، چالش ها و خلاءهای مبنایی در این زمینه وجود دارد از جمله این که در صورتی که هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در دعاوی بکار گرفته شود، در آن صورت؛ تصمیم گیری هایی که از سوی این سامانه ها اخذ می شود، مبتنی بر عدالت قضایی خواهد بود و به حل و

فصل موثرتر اختلافات کمک می نماید؟ بدیهی است که یک مزیت عمده ای که قطعا استفاده از سامانه های هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده برجای خواهد گذاشت، سرعت بیشتر در رسیدگی است به این معنا که می توان با تنظیم سامانه های هوش مصنوعی، پرونده های معینی در ماه را برای رسیدگی به آن سپرد. ضمن این که سامانه های هوش مصنوعی برخلاف قضات انسان، به کمبود وقت به علت خستگی دچار نشده و می توانند هفت روز هفته و به صورت بیست و چهار ساعت به رسیدگی بپردازند. اما در کنار سرعت در رسیدگی و وقفه ناپذیری، باز هم این پرسش تکرار می گردد که آیا سرعت در رسیدگی می تواند عدالت قضایی موثرتری را با بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده تحقق بخشد؟

در ارتباط با پاسخ به پرسش فوق الذکر، تحقیق مستقلی صورت پذیرفته است حتی در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا که سبقه بیشتری نسبت به ایران در بحث بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده داشته است. در هر صورت، همان گونه که گفته شد در این فصل، هدفی که از نگارش متون دنبال می کنیم چند مورد اصلی است اولاً تبیین چالش ها و خلاءهای ماهوی ناشی از بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده ثانیاً تبیین چالش ها و خلاءهای شکلی ناشی از بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در هر یک از نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا.

۴-۱- چالش ها و خلاءهای ماهوی

در مبحث نخست این فصل به چالش ها و خلاءهای ماهوی که در بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در هر یک از نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا وجود دارد، اشاره می شود. نکته ای که در این خصوص، حائز اهمیت می باشد؛ آن است که به صورت عمده در بخش مربوط به چالش ها و خلاءهای ماهوی، عمده چالش ها متوجه نظام حقوقی ایران است تا نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا. البته این چالش ها و خلاءهای ماهوی عمدتاً در بخش قضایی ایران است تا بخش های دیگری حل و فصل کننده اختلافات برای نمونه داوری، میانجی گری، سازش و ...

این مبحث به دو گفتار تقسیم می گردد که در گفتار نخست به نظام حقوقی ایران و در گفتار دوم به نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا اشاره می شود.

۴-۱-۱- در نظام حقوقی ایران

در ادامه به چالش ها و خلاءهای ماهوی که در زمینه بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایران وجود دارد، اشاره می گردد. در این راستا، می توان به مواردی هم چون ناتوانی در حل و فصل پرونده های پیچیده و چالش ها در اعمال صلاحدید قضایی اشاره نمود که در ادامه مورد بحث و بررسی قرار می گیرند.

۴-۱-۱-۱- ناتوانی در حل و فصل پرونده های پیچیده

به پرونده هایی به عنوان پرونده های پیچیده اطلاق می گردد که حل و فصل آنها نیازمند بکارگیری مجموعه ای از شرایط و امکانات بوده و صرفاً نمی

توان با استناد به قدرت تصمیم‌گیری یک قاضی اقدام به حل و فصل آن نمود. پرونده‌های پیچیده اغلب دارای اطراف متعدد هستند. به صورت کلی پرونده‌های پیچیده به پرونده‌هایی اطلاق می‌گردد که دربرگیرنده مسائل حقوقی چندوجهی و چالش‌های مرتبط با تفسیر قوانین مختلف می‌باشد. این پرونده عموماً نیازمند تحلیل عمیق، تعامل نمودن با کارشناسان مختلف و نیز رویکردهای خلاقانه برای حل و فصل مسائل مختلف می‌باشد. استفاده از فناوری‌های نوین هم چون فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی می‌تواند در زمینه تحلیل داده‌ها و مدیریت اطلاعات مربوط به هر پرونده، ضمن کاهش خطاها و افزایش کارایی‌ها بر دقت رسیدگی به پرونده‌های قضایی از سوی قضات بیافزاید. نرم افزارهای هوشمند که در زمینه مدیریت پرونده‌های قضایی به کار برده می‌شوند، سناریوهای مختلفی که می‌تواند در زمینه دفاع موثر واقع گردد، را ترسیم نماید و مناسب‌ترین و بهترین راهکار را در ارتباط با یک پرونده ارائه نماید. (Honson, 2021: 23)

البته در بین عناوین دعاوی، دعاوی حقوقی از دعاوی کیفری و اداری پیچیدگی بیشتری دارند و این امر به چند دلیل عمده می‌باشد اولاً اینکه دعاوی حقوقی، هدف خواهان، اثبات دعوی مطروحه از طریق ارائه ادله هر چه عمده‌تر و متقن‌تر به لحاظ قانونی و قضایی است و اقناع وجدان قاضی آن چنان که در دعاوی کیفری به دلیل اهمیت وجود علم قاضی مرسوم است، در دعاوی حقوقی مطرح نیست و قاضی در امور حقوقی هرچند که با علم خویش در تعارض باشد، ادله و اسناد ابرازی را بایستی مدنظر قرار بدهد و نمی‌تواند برخلاف آن رای دهد. ثانیاً، دعاوی حقوقی، قلمروی وسیعی از

دعاوی را شامل می شوند که جدا از دعاوی مدنی، دعاوی تجاری، دعاوی امور حسبی و ... را شامل می شود. گستردگی قلمروی دعاوی حقوقی نسبت به دعاوی کیفری و اداری نیز خود موجب پیچیدگی بیشتر این دعاوی می گردد. (بهنود، ۱۳۹۴: ۲۸)

در رسیدگی های قضایی، بسیار اتفاق می افتد که نمی توان حکم موجود در یک قضیه را از قوانین موضوعه دریافت کرد. در اکثریت نظام های حقوقی برای حل این چنین وضعیتی، راهکارهایی پیش بینی شده است برای نمونه در نظام حقوقی ایران بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی، که مقرر داشته است که: ((قاضی موظف است کوشش کند که حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم هر قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوی و صدور حکم خودداری نماید.)) ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی نیز تصریح می دارد که: ((قضات دادگاه ها موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی نمایند و حکم مقتضی صادر نموده و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشند، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع نمایند والا مستنکف از احقاق حق شناخته می شوند و به مجازات آن محکوم خواهند شد.)) (زراعتیان، ۱۳۹۸: ۱۱۶)

از این رو، بر اساس مقررات فوق الذکر، در صورتی که در قوانین موضوعه، حکمی در ارتباط با قضایای مورد رسیدگی وجود نداشته باشد، قاضی باید از ابتکار خود استفاده نموده و با بکارگیری اصول حقوقی و هم چنین در نظام حقوقی ایران در ارتباط با فتاوی معتبر، دعوای مطروحه را حل و فصل نماید. با این حال، چالشی که در اینجا مطرح می گردد، این است که در صورتی که هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده قرار بگیرد، در این چنین شرایطی چه وضعیتی حاکم خواهد بود؟ به این پرونده ها در نظام های حقوقی کامن لا به عنوان پرونده های بدیع اطلاق می گردد. بدیهی است که در نظام های حقوقی هم چون ایران که قضات نقش فعال تری در زمینه رسیدگی به دعاوی دارند، بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده با چالش های بیشتری مواجه می گردد.

۴-۱-۱-۲- چالش ها در اعمال صلاحدید قضایی

در تمامی انواع رسیدگی های قضایی اعم از این که حقوقی یا کیفری یا اداری باشد، قاضی صادرکننده حکم بر اساس تشخیص خود و با استناد به منابع و ادله ای که ارائه شده اند، نسبت به صدور حکم خود اقدام نماید. صلاحدید قضایی در واقع همان تشخیص قضایی است. (فرهادی، ۱۴۰۱: ۲۱) صلاحدید قضایی به معنای بخشی از حقوق می باشد که به قاضی دادگاه این امکان را می دهد تا در موضوعات قانونی، رأی را صادر نماید که هیچ گونه پاسخ مطلقی برای آن در کتب قانونی نوشته نشده است. صلاحدید زمانی واقع می شود که قاضی بایستی تصمیم اخذ نماید که بر اساس کدام روش، یک پرونده حل و فصل می گردد. این نوع قضاوت در محاکم

قضایی بر مبنای این که چه چیزی حق و در راستای مساوات است، متفاوت می باشد. صلاحدید قضایی در هر پرونده ایی که در نزد دادگاه مطرح می باشد، روی می دهد مگر این که شرایط معینی آن را ایجاب نکند برای نمونه زمانی که دادگاه در ارتباط با یک موضوع فاقد صلاحیت است، قابلیت اعمال صلاحدید در ارتباط با آن را ندارد چرا که به آن ورود پیدا نمی کند. زمانی می توان قائل بدان بود که صلاحدید قضایی اعمال شده است که اسناد آشکارا نشان بدهند که تمامی مدارک مربوط به پرونده از سوی دادگاه مورد بررسی قرار گرفته اند. از آنجا که هر پرونده ای شرایط منحصر به فرد خود را داراست، از این رو، اعمال صلاحدید قضایی نیز نمی تواند استانداردهای خاص خود را داشته باشد. (پژوهشکده فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۲: ۳)

صلاحدید قضایی در مواردی مورد توجه قرار می گیرد که قانون به تمامی ابعاد و شرایط مربوط به هر قضیه به روشنی نپرداخته است و این امکان وجود دارد که در ارتباط با قضیه ای خاص، قانون مشخصی وجود نداشته باشد و یا این که در مواردی چندین گزینه پیش روی یک قاضی وجود داشته باشد. در این شرایط، اتخاذ تصمیم در ارتباط با یک موضوع از سوی دادگاه امکان پذیر نمی باشد و لذا صلاحدید قضایی از این منظر از اهمیت برخوردار می گردد که این دلالت را با خود به همراه دارد که قاضی بایستی از خودسری و اعمال سلیقه بر حذر داشته شده باشد و قضات نیز بایستی این آگاهی را با خود به همراه داشته باشند که چه زمانی بایستی صلاحدید را اعمال نمایند و چه زمانی نمی بایستی این صلاحدید را اعمال کنند. (جعفری، اسفندیاری و

امیری، ۱۴۰۱: ۷۶۳-۷۶۴)

ممکن است که در ابتداء، این چنین به نظر برسد که منطقی که حاکم بر رسیدگی های قضایی، است یک منطق صوری است و قضات در رسیدگی هایی که به پرونده های قضایی دارند، با اعمال یک استدلال قیاسی که مرکب از واقعه و مقدمه است به یک نتیجه گیری دست می یابند که همان صدور حکم قضایی است. اگرچه که این دیدگاه طرفداران خود را دارد اما بایستی گفت که در عمل، این قضات هستند که با تکیه بر صلاحدید قضایی به استدلالات خاص خویش دست می یابند. به عبارت دیگر، همان گونه که پازنر بیان داشته است، رسیدگی قضایی صرفا محدود به اعمال قواعد نبوده بلکه در صورتی که قضات را صرفا اجراءکننده قوانین و مقررات بدانیم، بهتر است که سامانه های هوش مصنوعی را به جای آن ها بنشانیم.

هوش مصنوعی امروزه به ویژه در صنایع مرتبط با ربات از کاربرد بسیار زیادی برخوردار است و بر همین مناسبت که ربات ها را از منظر هوش مصنوعی به سه دسته تقسیم می نمایند:

الف - ربات هایی که از راه دور کنترل می شوند و بدان ها ((Tele-operated robot)) اطلاق می گردد. این ربات ها متشکل از بخش هایی هستند که از سوی موتورهای حرکت داده می شوند که عامل آنها اشخاص انسانی هستند. در واقع، اقدامات این ربات ها، تماما از سوی افراد کنترل می شوند از طریق ابزاری هم چون جوی استیک یا حتی تلفن همراه هوشمند.

ب- ربات های خودکار که بدان ها ((Autonomous Robot))

اطلاق شده و قابلیت این را دارند که وظیفه ای را در یک محیط کاملاً ناشناخته بدون دخالت انسان در طول یک فرآیند انجام دهند و اغلب در مقابل اصطلاح ربات های برنامه ریزی شده استفاده می شوند.

ج- ربات های شناخت مدار که بدان ها ((**Cognitive Robot**)) نیز اطلاق می شود. این ربات ها نیز از انواع ربات های خودکار بوده که از فرآیندهایی استفاده می نمایند که به فرآیندهای شناختی شباهت زیادی دارد. این نوع از ربات ها به هوش مصنوعی متصل هستند و قابلیت برنامه ریزی و یادگیری را دارند. (**Lin et al,2012: 170**)

در ششمین جلسه مباحثاتی وایپو با عنوان ((فناوری های پیشرو- ابتکارات در حوزه هوش مصنوعی)) که در ۲۱-۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲ برگزار گردید به موضوع هوش مصنوعی و ارتباطات آن پرداخته شد و نهایتاً تصمیم گیری شد که دولت ها به تعاریف خود در این ارتباط پردازند.

۱- یادگیری عمیق (**Deep Learning**)

یادگیری عمیق، یک فناوری یادگیری خودکار است که به رایانه ها آموزش می دهد تا آنچه را که به طور طبیعی برای انسان ها پیش می آید، انجام دهند. در این مورد صرفاً از هوش مصنوعی عصبی یا شبکه های عصبی استفاده می گردد. اکثریت کاربردهایی که هم اکنون برای هوش مصنوعی قابل تصور است، در ارتباط با همین نوع قابلیت است. از این رو که یادگیری عمیق قابلیت گسترش دادن سریع را در طول سامانه های پیچیده تر را دارد و می توان با افزودن لایه های جدید، یادگیری عمیق را از حالت ساده به پیچیدگی تغییر داد، بایستی کاربردهای متفاوتی را برای یادگیری

عمیق متصور بود. یادگیری عمیق به ویژه در زمینه خودروهای بدون راننده و خودران به کار گرفته می شود؛ آنها را قادر می سازد تا یک علامت توقف را تشخیص دهند و یک عابر پیاده را از غیر عابر پیاده تشخیص دهند. (Tuffrey, 2022: 79) صداهای کنترلی در وسایلی مانند تلفن های همراه، تبلت ها، تلویزیون ها و سخنگوهای تلفنی خودکار از فناوری یادگیری عمیق بهره می برند. در یادگیری عمیق، یک الگوی رایانه ای یاد می گیرد تا وظایف توصیفی را مستقیماً از تصاویر، متن ها یا صداها بیاموزد. مدل های یادگیری عمیق حتی در عرصه هنر نیز به کار گرفته می شوند و پرینترهای سه بعدی که اکنون در حال استفاده در هنرهای نقاشی هستند، به صورت مستقیم از این فناوری استفاده می نمایند. (Ugail, 2022: 51)

یادگیری عمیق خود به سه نوع یادگیری تقسیم می گردد: یادگیری تحت نظارت، یادگیری بدون نظارت و یادگیری تقویت یافته. در اجرای این سه نوع یادگیری عمیق، روش های متفاوت و گوناگون زیادی ایجاد می شوند که امکان تبدیل ورودی به خروجی دلخواه فراهم گردد. در یادگیری عمیق نوع اول که یادگیری تحت نظارت است، ارزش ها و پارامترها از خارج از سامانه برای آن مشخص می گردد ولی در یادگیری بدون نظارت، این خود سامانه است که تلاش می دارد تا الگوهایی را در اطلاعات ورودی کشف نماید که بتواند آن ها را بازتولید کند. در یادگیری تقویت یافته نیز سامانه به صورت مستقل عمل نموده و موجب موفقیت، شکست، تشویق یا تنبیه می گردد. (زهروی، ۱۴۰۲: ۱۱۷)

اعاده به وضع سابق، یکی از اصلی ترین شیوه های مسئولیت مدنی ناشی از

اشتباهات تصمیم‌گیری هوش مصنوعی بوده که البته بدان جبران خسارت کامل نیز اطلاق می‌شود. این نوع روش جبران خسارت به صراحت در قوانین ایران به رسمیت شناخته نشده است اما این امر مانع از آن نشده است که این روش جبران خسارت در نظام حقوقی ایران مورد توجه قرار بگیرد و به عنوان اصل اولیه در زمینه مسئولیت مدنی هوش مصنوعی مورد نظر قرار بگیرد از جمله می‌توان به تعطیل شدن کارخانه‌های غیراستاندارد، جمع‌آوری محصولات زیان‌بار و ... اشاره نمود.

۲- یادگیری محدود

هوش مصنوعی انواعی دارد و تمامی آن‌ها در یک سطح مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. البته این تقسیم‌بندی بر مبنای استفاده‌ای است که برای هوش مصنوعی ترسیم شده است. در این گفتار به انواع هوش مصنوعی از نظر نوع کاربرد پرداخته می‌شود و آن عبارتند از یادگیری عمیق، یادگیری محدود. البته شاید بتوان در کنار این موارد، انواع دیگری نیز برای هوش مصنوعی ترسیم نمود. البته بایستی این امر اضافه گردد که این تنها تقسیم‌بندی راجع به هوش مصنوعی نبوده بلکه تقسیم‌بندی دیگری نیز مانند تقسیم‌بندی به هوش مصنوعی ضعیف و قوی نیز وجود دارد به نحوی که هوش مصنوعی ضعیف، تفکری شبیه‌سازی شده را به توصیف می‌کشد به این معنا که به نظر می‌رسد که سامانه‌ای به صورت هوشمند عمل می‌نماید اما هیچ نوع آگاهی در ارتباط با فعالیتی که انجام می‌دهد، ندارد مثال بارز آن در ارتباط با ربات‌های مکالمه است که به نظر می‌رسد که مکالمه‌ای طبیعی در مورد آن وجود دارد اما هیچ حسی در ارتباط با اینکه چه کسی یا در ارتباط با چه

موضوعی با آن صحبت می شود، ندارد. در هوش مصنوعی ضعیف، تلاشی در زمینه انجام کامل مهارت ها و توانایی های شناختی انسان نمی شود اما در عین حال، ویژگی های شبه تفکر را داراست و در صورت افزوده شدن به رایانه ها، می توان آن را به ابزار مفیدتری تبدیل نمود.

تعدیل قرارداد به معنی تغییر شرایط قرارداد به منظور متناسب کردن آن با شرایط و اوضاع و احوال جدید است. تعدیل قرارداد می تواند راجع به موضوع، مبلغ، مدت و سایر شرایط باشد. (بنایی اسکویی، ۱۳۹۲: ۴۲) البته تعدیل قرارداد در هر شرایطی امکان پذیر نبوده و به شروطی از جمله ((ارتباط مستقیم شرط الحاقی به عقد سابق))، ((صحت عقد سابق)) و ((متقابلانه نبودن قصد طرفین)) منوط شده است. (علوی قزوینی، ۱۳۸۹: ۱۴۸-۱۵۰)

علی رغم اینکه در قانون ما بطور صریح و به عنوان یک قاعده و مقرر کلی اشاره ای به تعدیل در قراردادها نشده است؛ اما در موارد متعددی حکم به تعدیل قراردادها در حال اجرا داده شده است. که در زیر به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

الف) ماده ۴ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶ را می توان ذکر کرد. طبق این قانون که قبل از تصویب قانون سال ۱۳۷۶ در مورد محل های تجاری قابلیت اعمال داشت روابط بین موجر و مستأجر در پایان مدت اجاره قطع نمی شد، بلکه قانون به مستأجر اجازه می داد به سکونت در محل ادامه دهد لذا ممکن بود اجاره سالیانی به طول بیانجامد و در اثر گذشت زمان، تعهدات طرفین نابرابر گردد. به همین علت در جهت پیشگیری از هر

نوع نابرابری، قانونگذار تحت شرایط خاصی اجازه درخواست بازبینی در عقد را به طرفین داده بود: «مؤجر یا مستأجر می تواند به استناد ترقی یا تنزل هزینه زندگی درخواست تجدید نظر نسبت به میزان اجاره بها را بنماید مشروط بر اینکه مدت اجاره منقضی شده و از تاریخ استفاده مستأجر از عین مستأجره یا از تاریخ مقرر در حکم قطعی که بر تعیین یا تعدیل اجاره بها صادر شده، سه سال تمام گذشته باشد. دادگاه با جلب نظر کارشناس اجاره بها را به نرخ عادله روز تعطیل خواهد کرد. حکم دادگاه در این مورد قطعی است.»

ب) نمونه دیگر مربوط به قانون روابط مؤجر و مستأجر سال ۱۳۶۲ است و بر اساس این قانون که قبل از تصویب قانون جدید مصوب سال ۱۳۷۶، بر اجاره های مسکونی حاکم بود و در مورد قراردادهای منعقد شده قبل از تاریخ قانون جدید نیز قابلیت اجرا داشت، پس از اتمام مدت اجاره می بایستی عین مستأجره بلافاصله تحویل مؤجر می گردید. لذا ممکن بود موجب مشقت برای مستأجر گردد بر همین اساس ماده ۹ این قانون بازبینی عقد توسط قاضی را مورد پیش بینی قرار داده بود: «در مواردی که دادگاه تخلیه ملک مورد اجاره را به علت کمبود مسکن موجب عسر و حرج مستأجر بداند و معارض با عسر و حرج مؤجر نباشد می تواند مهلتی برای مستأجر قرار دهد.»

ج) قانون مسئولیت مدنی به دادگاه اجازه می دهد در شرایط خاصی از میزان مسئولیت متعهد بکاهد. «بموجب ماده ۴ این قانون دادگاه می تواند میزان خسارت را در مورد زیر تخفیف دهد: هر گاه پس از وقوع خسارت واردکننده زیان به نحو مؤثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد.

هر گاه وقوع خسارت ناشی از غفلی بود که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی وارد کننده زیان شود. وقتی که زیان دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت وارد کننده زیان را تشدید کرده باشد.»

(۵) ماده ۲۷۷ قانون مدنی نیز در مقام بیان بخشی از قواعد عمومی قراردادی اشعار می دارد که: «متعهد نمی تواند متعهد له را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید ولی حاکم می تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد.»

(۵) ماده ۶۵۲ قانون مدنی نیز در باب قرض مقرر می دارد: «در موقع مطالبه حاکم مطابق اوضاع و احوال برای مقتضای مهلت یا اقساطی قرار می دهد.» ماده ۲۷۷ قانون مذکور این امکان را با توجه به «وضعیت مدیون» ممکن می داند در حالی که ماده ۶۵۲ قانون مدنی، قاضی را مختار می داند که مطابق اوضاع و احوالشان تصمیم بگیرد. با این برداشت، تغییر و تحولات خارجی که تعهدات عقد را تحت تأثیر قرار می دهند نیز می توانند توجه گر تمدید مهلت یا تقسیط تعهدات آن گردد.

(۵) آیین نامه شرایط عمومی پیمان: این آیین نامه بنا بر تکلیف قانون برنامه و بودجه سال ۱۳۵۱ توسط سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۵۳ آماده و به تصویب هیأت وزیران رسید.

می دانیم که اجرای قراردادهای پیمانکاری با توجه به طبیعت این نوع قراردادها غالباً نیازمند زمان طولانی است. از سوی دیگر سابقه این نوع از

فعالیت ها در کشور ما حکایت از تغییرات عمده اقتصادی از جمله تغییر قیمت مواد اولیه، کالاهای، دستمزد کارگران و کاهش ارزش پول دارد. (راستاد، ۱۳۹۶: ۴)

بنابراین در عرف رایج چنین قراردادهایی، طرفین به آینده ی خیالی خود دل نمی بندند و غالباً برای اوضاع و احوال متغیر آینده، چاره اندیشی می کنند تا از آثار نامطلوب حوادث خارج از وجود اختیار خود، رهایی یابند. قانونگذار نیز با درک این واقعیت و پذیرش مبنای منطقی آن در صدد سر و سامان بخشیدن به آن برآمده و با تصویب آیین نامه مورد بحث، قالب و فرمول معینی برای تعدیل نرخ قرارداد در طول اجرای آن در نظر گرفته است. پیمان هایی که بین دستگاه های دولتی (به ویژه سازمان هایی که بودجه آنها از محل بودجه عمومی کشور تأمین می شود) و پیمانکاران داخلی در ارتباط با کارهای ساختمانی و تأسیساتی منعقد می شود تابع آیین نامه یاد شده اند.

بر اساس بند الف و ب ماده ۳۶۷ مکرر این آیین نامه، پیمان های با مبلغ اولیه بیش از ۵۰ میلیون ریال شامل تعدیل آحاد بها خواهند بود و این تعدیل می تواند با توجه به افزایش قیمت های واحد در هزینه کار، حداکثر تا ۲۵ درصد افزایش قیمت را شامل شود.

فسخ قرارداد، یکی از اصلی ترین شیوه های حقوقی و قانونی برای عدم استمرار قرارداد می باشد. البته، فسخ قرارداد نبایستی به عنوان یک اصل بلکه به عنوان یک استثناء مورد پذیرش قرار گیرد چرا که اصل اخلاقی و هم چنین حقوقی حاکم بر قراردادها، اصل الزام آور بودن عقود و هم چنین اصل وفای به عهد، به عنوان دو اصل مهم اخلاقی حاکم بر قراردادها

می‌باشد این امر حتی با تصریح قانون‌گذار نیز همراه بوده است به نحوی که قانون‌گذار در ماده ۲۱۹ قانون مدنی، تصریح داشته است که در صورت تردید در لازم یا جایز بودن عقود، اصل بر لازم بودن آنهاست هرچند که تمامی عقودی که بر مبنای قانون منعقد شوند، بایستی اصل لازم‌الاتباع قراردادها را در مورد آنها حاکم دانست. احترام به اصل لزوم قراردادها و هم چنین استثناء بودن فسخ از طرق دیگر نیز در قانون مدنی قابل استنباط است چه آنکه قانون‌گذار در صورت تخلف هر یک از طرفین قرارداد از حدود تعهدات شان، ابتدایاً توسل به فسخ قراردادها را پیش‌بینی ننموده است بلکه در وهله اول در صورتی که اجبار متعهد به انجام تعهد امکان‌پذیر باشد، بایستی قبل از اعمال فسخ، بدان متوسل شد. (بادینی و فروزان برجنی، ۱۳۹۷: ۴۰) این امر نیز نشان می‌دهد که در توسل به فسخ در قراردادها، قانون‌گذار ایرانی یک شیوه اخلاقی یعنی احترام به اصل لزوم قراردادها را در پیش گرفته است.

در حقوق موضوعه ایران در باب فسخ، نشانهای از مفهوم نقض اساسی قرارداد دیده نمی‌شود. اصولاً در حقوق ما در اعمال فسخ قرارداد به اهمیت نوع تعهد نقض شده یا آثار ناشی از نقض توجهی نشده و اعلام فسخ قرارداد شکل و کیفیت خاص خود را دارد. ممکن است ادعا شود که چون تعهد به پرداخت ثمن یکی از تعهدات اساسی مشتری در قرارداد بیع به شمار می‌آید و قانون‌گذار نیز در ماده ۴۰۲ قانون مدنی تحت عنوان «خیار تأخیر ثمن» نقض آن را موجب ایجاد حق فسخ برای بایع دانسته است لذا نهاد نقض اساسی هم چندان نامأنوس و بیگانه با مبانی حقوق ایران نیست. به این ادعا

باید چنین پاسخ گفت که با توجه به اینکه حق فسخ به علت عدم پرداخت ثمن فقط در بیع عین معین یا در حکم معین پذیرفته شده و امتناع از تأدیه ثمن در بیع کلی از اسباب فسخ اعلام نشده و از طرفی نقض تعهد مربوط به تسلیم مبیع که اهمیت آن کمتر از پرداخت ثمن نیست، این حق را چه در بیع عین معین و چه در کلی، به مشتری نمی دهد. بنابراین به نظر می رسد پیش بینی حق فسخ در ماده ۴۰۲ قانون مدنی مبتنی بر مفهوم نقض اساسی نبوده بلکه مبنای آن روایات خاصی است که تدوین کنندگان قانون مدنی از آن الهام گرفته اند. در حقوق ایران در یک تقسیم بندی کلی قراردادها بر سه دسته اند: الف- قراردادهایی که موضوع آن فعل یا ترک فعل است بدون اینکه نقل و انتقالی صورت گیرد. ب- قراردادهایی که موضوع آن انتقال مالکیت و تسلیم عین کلی است. ج- قراردادهایی که موضوع آن انتقال و تسلیم عین معین است.

۴-۱-۱-۳- چالش ها و خلاءها در دسترسی به اطلاعات

قوه قضاییه یا همان دادگستری در معنای عام خود، پناهگاه افراد ستم دیده ای است که در صدد هستند که از طریق آن به احقاق حقوق خود دست یابند. بدیهی است که در این مسیر احقاق حقوق، اطلاعات متعددی عمدتاً محرمانه در اختیار این نهاد قرار می گیرد که بایستی در حفاظت از آن کوشا باشد. یکی از چالش های اصلی که در زمینه بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی وجود دارد، این است که این اطلاعات محرمانه شخصی به چه نحوی توسط سامانه های یادشده، مورد حفاظت قرار می گیرند. البته در سامانه های هوش مصنوعی عمدتاً الگوریتم هایی ترسیم شده که مسئولیت

حفاظت از داده های ورودی و خروجی را برعهده دارد. بدیهی است که وجود این الگوریتم ها در سامانه های هوش مصنوعی که به صورت عام در قوه قضائیه خواه در نقش همکار قضایی خواه در نقش همکار غیرقضایی ایفای وظیفه می نمایند، از اهمیت والاتری برخوردار است. (احمدی، ۱۴۰۳ : ۲۱)

با این حال، چالش اصلی که در این زمینه وجود دارد، آن است که هم چنان بسته به موقعیت، نمی توان یک الگوریتم خاص در سامانه های هوش مصنوعی در ارتباط با بخش های مختلف قوه قضائیه ترسیم نمود. نکته دیگر که دسترسی به اطلاعات را برای سامانه های هوش مصنوعی که درصدد هستند به عنوان قاضی در قوه قضائیه بکار گرفته شوند، این است که نمی توان به دلایل مختلف تمامی داده های مربوط به عملکرد قضایی را در اختیار سامانه های هوش مصنوعی قرار داد.

در بررسی آینده بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده، این نکته را نباید از نظر دورداشت که توسعه سیستم های هوش مصنوعی در دستگاه قضایی خواه در قالب یادگیری عمیق صورت پذیرد خواه این که به صورت یادگیری ماشینی انجام پذیرد، بستگی تام و تمام به داده ها دارند و در صورت نقص در ارائه اطلاعات یا ارائه اطلاعات نادرست به سامانه های هوش مصنوعی که در دستگاه قضایی به عنوان مقام رسیدگی کننده مورد استفاده قرار می گیرند، تصمیم یا همان حکمی نیز که صادر می شود، حکم صحیح و قانونی نبوده و قابلیت نقض در مراحل بعدی را پیدا می نماید. در شرایط کنونی به دلیل محدودیتی که به دلایل مختلف امنیتی به اطلاعات در

دسترس وجود دارد، کمبود دسترسی به اطلاعات به شدت در قوه قضاییه به چشم می خورد و این کمبود اطلاعات در دسترس می تواند موجب شود که سامانه های هوش مصنوعی که به عنوان مقام رسیدگی کننده مورد استفاده قرار می گیرند نیز از این گزند مصون نمانند. (بادینی و فروزان برجی، ۱۳۹۷: ۴۰)

گاه نیز اطلاعات در دسترس محدود نبوده با این حال وضعیت آنها به گونه ای نباشد که برای سامانه های هوش مصنوعی قابلیت استفاده را داشته باشند و به صورت کدهای قابل قرائت از سوی هوش مصنوعی درنیامده باشند.

۴-۱-۴- چالش ها و خلاءهای فقهی

چالش ها و خلاءهای فقهی به آن دسته از موارد دارای اشکال در زمینه بکارگیری هوش مصنوعی در مقام قضاوت اطلاق می گردد که ریشه آن به منابع معتبر فقهی هم چون قرآن کریم بازمی گردد یا این که اجماع فقهاء در ارتباط با موضوعی مانند شرایط قضاوت وجود دارد. نکته ای که در ارتباط با چالش ها و خلاءهای فقهی می توان در ارتباط با کاربرد هوش مصنوعی در مقام قضایی مورد استناد قرار داد چندین وجه دارد اولاً این که در آرای متاخر فقهی به نحو بسیار ضعیف به کاربرد هوش مصنوعی و جنبه های فقهی آن اشاره شده است. این ضعف ادبیات فقهی در حوزه هوش مصنوعی بدون این که هدف در ارتباط با دستگاه قضایی باشد یا خیر، یکی از اصلی ترین خلاءهای موجود تحقیقات فقهی را تشکیل می دهد ثانیاً، این ضعف در زمینه بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام قاضی به اوج خود می رسد چرا که به صورت کلی با توجه به اینکه شروطی هم چون بلوغ، عقل، اسلام،

عدالت، ذکوریت، اجتهاد، طهارت مولد و ... به عنوان یک مساله مورد اجماع در میان فقهای امامیه مورد توجه قرار گرفته است، فلذا نمی توان در وهله اول هوش مصنوعی را به عنوان قاضی در نظام حقوقی ایران مورد پذیرش قرار داد. با این حال، با تدقیق بیشتر در آرای فقهی مشخص می گردد که دو دیدگاه می تواند در ارتباط با کاربرد هوش مصنوعی توسط قوه قضایه برای تضمین حقوق شهروندی وجود داشته باشد. دیدگاه اول معتقد است که در صورتی که شخصی ماذون از سوی قاضی در زمینه تطبیق احکام و مفاهیم بر مصادیق باشد و مصونیت از خطا و اشتباه نیز داشته باشد، می توان هوش مصنوعی را به عنوان قاضی در زمینه فرآیند رسیدگی های حقوقی مورد پذیرش قرار داد. به عبارت دیگر، این فقهاء بر این اعتقاد هستند که معیارهایی هم چون بلوغ، عقل، اسلام و ... را می توان در ارتباط با شخص ماذون که در اینجا هوش مصنوعی است، مفروض دانست. در مقابل، برخی دیگر، معتقدند که هرگونه توسعه در زمینه مفهوم قضاوت نیازمند حکم صریح حاکم شرع است و از آن رو که در شرایط فعلی، این چنین حکمی وجود ندارد؛ نمی توان آن را مورد پذیرش قرار داد. (بیاتی، ۱۴۰۲:

(۸۷)

۴-۱-۱-۵- چالش ها و خلاءهای موضوعی

دادرسی هوشمند یک فرآیند مستمر بوده که از زمان طرح دعوی توسط خواهان آغاز شده و تا زمان اجرای حکم توسط وی ادامه می یابد. این دادرسی خود شامل مولفه های مهمی هم چون رسیدگی های هوشمند، ادله

الکترونیکی و ... می شود و یکی از مولفه های اصلی و عمده دادرسی هوشمند، حضور قاضی هوشمند یا بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی است. بنابراین، دادرسی هوشمند ناظر بر تمامی این مراحل است. از همین رو، بوده است که تجربیات دولت های توسعه یافته از جمله ایالات متحده آمریکا نشانگر آن است که پیش از این که در ارتباط با ماهیت رسیدگی هوشمند قضایی ورود پیدا نمایند به مراحل اولیه طرح دعوی و صلاحیت های مقامات انتظامی ورود پیدا کرده اند برای نمونه در سال ۱۹۸۶ میلادی در ایالات متحده آمریکا، قانونی تحت عنوان ((قانون حریم خصوصی ارتباطات الکترونیکی)) به تصویب رسید که به منظور دسترسی ضابطین قضایی به داده های الکترونیکی طرفین دعوی مورد تصویب قرار گرفته بود.

دادرسی هوشمند هم ناظر بر امور مدنی هم ناظر بر امور کیفری است و در برخی از نظام های حقوقی، قوانین جداگانه ای در این خصوص به تصویب رسیده اند برای نمونه در ایالات متحده آمریکا، قانونی تحت عنوان ((قانون تحقیق و مصادره رایانه ها و دستیابی به ادله الکترونیکی در تحقیقات کیفری)) (۲۰۰۱) به تصویب رسیده است که ناظر بر تحقیقات کیفری است. این در حالی است که در برخی دیگر، مانند جمهوری اسلامی ایران، دادرسی الکترونیکی در امور مدنی و کیفری مجزا از یکدیگر در نظر گرفته نشده است کما اینکه با تصویب بخش نهم ((قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی)) در سال ۱۳۹۳، این چنین رویکردی اتخاذ شده است. البته موضوعی که در مورد دادرسی الکترونیکی به ویژه در

کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا از اهمیت برخوردار است، موضوع حریم خصوصی افراد است چه آنکه اصلحیه چهارم قانون اساسی ایالات متحده از طریق ممنوعیت جستجو نابه جا در حریم خصوصی افراد در فضای مجازی، مانع از دخالت غیرقانونی در این حریم خصوصی می گردد.

با توجه به سیر اقدامات و قانونگذاری هایی که برای هوشمندسازی دادرسی صورت گرفته است، می توان موارد ذیل را به عنوان آثار بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی در حقوق ایران نام برد: تغییر فرهنگ دادرسی، رفع اطاله دادرسی و منطقی ساختن زمان دادرسی و اجرا، ارتقای کیفیت رسیدگی و بالا بردن شفافیت دادرسی، اتقان آرای صادره، تشریفات زدایی مادی، استفاده از ابزارهای نرم به جای وسایل سخت در دادگستری، تسریع در خدمت رسانی قضایی به مردم، کاهش جمعیت دادگاهی، کاهش منازعات مردمی، جلوگیری از انحرافات اداری، کاهش هزینه، امکان دسترسی سریع و آسان به سوابق قضایی افراد در سراسر کشور، ارتقای سطح امنیت شبکه های الکترونیکی و بانک های اطلاعاتی، کاهش حجم کاغذی در قوه قضاییه و نظام مند ساختن سیستم بایگانی این نهاد، حذف برخی واسطه ها در روند رسیدگی به پرونده ها، ایجاد شناسنامه حقوقی برای اشخاص، ساماندهی نظام دسترسی اشخاص به اسناد و مدارک، استاندارد سازی و ارتقاء سطح حفاظت و امنیت فیزیکی اسناد و مدارک و اماکن نگهداری از آنها، توسعه خدمات الکترونیک، توسعه زیرساخت های فناوری اطلاعات و ارتباطات، توسعه آمادگی سازمانی در بهره گیری از فناوری های نوین کاربردی، هوشمندسازی و کارآمدسازی نظام قضایی، امکان دسترسی

افراد به اطلاعات و بالا بردن شفافیت دادرسی.

۴-۱-۲- در نظام حقوقی ایالات متحده

این تفکر صحیح نیست که چالش ها و خلاءها اعم از ماهوی یا شکلی صرفاً در نظام حقوقی ایران وجود دارد، بلکه در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا نیز می توان این چنین چالش ها و خلاءها از جمله ماهوی را تشخیص داد.

۴-۱-۲-۱- چالش ها در زمینه مسئولیت قانونی هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده

یکی از چالش ها و خلاءهای ماهوی که در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا در ارتباط با بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده وجود دارد، مسئولیت قانونی آن است. به عبارت دیگر، این پرسش مطرح می گردد که در صورتی که یک سامانه هوش مصنوعی این صلاحیت را پیدا نماید که به اختلافات اشخاص رسیدگی نماید و در این مسیر، دچار اشتباهی شود که موجبات ورود خسارت به یکی از طرفین دعوی را فراهم آورد، مسئولیت قانونی هوش مصنوعی در این فرض به عنوان مقام رسیدگی کننده با چه شخصی است؟

این سوال و سوالات مشابه حتی در رویه قضایی برخی از کشورها نیز پاسخ گرفته اند برای نمونه در پرونده *Pintarich v. Deputy Commissioner of Taxation* به این امر اشاره نمود که صدور اشتباه برگه مالیات از سوی یک دستگاه رایانه ای نمی تواند موجب مسئولیت

قانونی آن دستگاه گردد.

البته در ارتباط با مسئولیت قانونی هوش مصنوعی از جمله در دستگاه های قضایی، رویکرد نظام های حقوقی مختلف متفاوت می باشد. برخی از نظام های حقوقی مانند عربستان سعودی، وجود هوش مصنوعی را به عنوان یک مساله دارای شخصیت حقوقی مستقل مورد پذیرش قرار داده اند. فناوری اطلاعات و ارتباطات نقش روزافزونی در زندگی یافته و بسیار سریع جای خود را در زندگی بشر پیدا نموده است. توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات همان طور که بیان شد به حوزه قضایی نیز راه یافته است. فناوری اطلاعات و ارتباطات به معنای کاربرد سامانه های اطلاعاتی و شبکه های ارتباطی و دیگر ابزارهای سخت و نرم است. کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه قضایی طیف گسترده ای دارد مواردی که رواج بیشتری یافته اند عبارتند از: (Haas, Aron2007)

(۱) سیستم مدیریت پرونده قضایی

(۲) سیستم تشکیل پرونده الکترونیکی

(۳) دادگاه های مجازی

سیستم مدیریت پرونده های قضایی به شیوه الکترونیکی در دادگستری یکی از نمونه های بارز توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات است. سایر سیستم ها در راستای تسهیل ارتباط بین دادگاه ها و نهادهای مرتبط و نیز برای افزایش دسترسی به اطلاعات توسعه یافته اند. سیستم مدیریت پرونده قضایی به عنوان اصلی ترین کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در دادگاه ها از اوایل دهه ۱۹۹۰ مورد توجه کشورها بوده است. این سیستم در استرالیا بیش از

سایر کشورها مورد توجه قرار گرفته است. استفاده از فناوری های نو در دادگاه های استرالیا از بخش کیفری آغاز شد. دادگاه های استرالیا در برخی بخش ها جایگاهی پیشرو در این زمینه دارند. تقریباً تمامی شعب دادسرا و دادگاه های بدوی استرالیا از سیستم مدیریت پرونده استفاده می کنند.

به موجب بند ۵ قسمت از ماده ی ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۰۶/۱۱ قوه قضاییه مکلف می شود نسبت به طراحی و استقرار نظام جامع اطلاعات (ام آی اس)، عملیات و مدیریت قضایی به منظور سرعت بخشیدن به عملیات، مدیریت کارآمد، اصلاح فرآیندها و بهبود روش های انجام امور قضایی تا پایان برنامه چهارم اقدام نماید. قانون برنامه پنجم توسعه نیز به گسترش مدیریت پرونده قضایی تصریح کرده است. توسعه سیستم مدیریت پرونده قضایی یک طرح ملی است که در راستای تحقق دادرسی الکترونیکی با هدف ارائه خدمات قضایی با سرعت و سهولت و با حداقل نیاز به حضور فیزیکی انجام شده است. بنابراین از جمله مفاهیم اساسی که در راستای دادرسی الکترونیکی مطرح است سیستم مدیریت پرونده قضایی است. (Monta Prado, Mariana 2010)

ب- قابلیت های مختلف سیستم مدیریت پرونده قضایی : بر اساس اولویت و به تدریج به این سیستم اضافه گردیده است که اهم آن ها عبارتند از :

خودکار نمودن دفاتر - در یک شعبه دادگاه نزدیک به ۱۰ دفتر و فهرست مختلف وجود دارد. این دفاتر و فهرست ها ابزارهای اصلی دادگاه برای

مدیریت جریان پرونده و وقایع مهم پرونده است. کثرت پرونده های ورودی به دادگاه ها و نیز حجم بالای اطلاعات مورد نیاز برای هر پرونده، استفاده از دفاتر و فهرست های دستی برای مدیریت موثر و کارآمد پرونده ها را غیر ممکن ساخته است. از همین رو در سراسر جهان مکانیزه نمودن دفاتر دادگاه به عنوان یکی از قابلیت های اصلی سیستم مدیریت پرونده در مد نظر بوده است. اهمیت این امر تا آنجاست که در بسیاری از کشورها، سیستم مدیریت پرونده را مترادف با دفاتر مکانیزه دانسته اند. در ایران نیز از اولین نسخه عملیاتی سیستم به این موضوع توجه شد. در نسخه های بعدی نیز این قابلیت توسعه یافت. در حال حاضر تمامی دفاتر دادگاه ها مکانیزه شده است و از امکانات مختلف مانند رنگ بندی، قابلیت جستجو، قابلیت هشدار وقایع مهم، مرتب سازی و امثالهم برای کمک به کاربران در مدیریت بهتر جریان پرونده ها استفاده شده است. (رمضانی خورشید دوست، رضا: ۱۳۸۱)

دستاوردهای سیستم مدیریت پرونده قضایی را می توان در چهار گروه به شرح زیر بیان نمود:

-افزایش سرعت و کیفیت دادرسی

- کمک به جلوگیری از طرح دعاوی تکراری در مراجع قضایی متعدد
- تسریع در برقراری ارتباط مراجع قضایی با سایر سازمان های تابعه
- کاهش هزینه های دادرسی از طریق مکانیزه نمودن فرایندهای دستی
- امکان انتشار آرای مراجع مختلف قضایی و قانونی برای بهره برداری مجامع علمی و قضات

- کاهش اشتباهات کارکنان شعب در تنظیم اوراق نظیر اخطاریه



- کمک به کاربران در رعایت مهلت های قانونی
 - ارتقای توان ارزیابی و نظارت قضایی
 - امکان ارزشیابی و نظارت بر فعالیت قضات و دادگاه ها
 - مقایسه وضعیت رسیدگی به پرونده های مختلف در سراسر کشور
 - تسریع دسترسی به اطلاعات سجل قضایی افراد
 - یافتن کاستی های آموزشی و تجربی قضات و کارکنان امور قضایی
 - کمک به توزیع مناسب پرونده ها به شعب
 - تعیین عوامل فرایندی موثر بر اطاله دادرسی بر حسب تاثیر زمانی
 - پیشگیری و کاهش تخلفات در فرایند دادرسی
 - امکان پیگیری تغییرات در داده های سیستم
 - افزایش امنیت تبادل و انتقال اطلاعات قضایی
 - جلوگیری از مفقود شدن اوراق پرونده
 - ارائه خدمات الکترونیک به شهروندان
 - پاسخگویی و ارائه اطلاعات از وضعیت پرونده از طریق پایگاه اطلاع رسانی
 - اطلاع رسانی در موارد مهم پرونده به طرفین دعوا از طریق پیامک
 - ارسال ابلاغیه ها به مردم به صورت پست الکترونیکی
 - دریافت لایحه ، دادخواست و شکواییه از مردم از طریق شبکه اینترنت
 - جلوگیری از سردرگمی مردم در پیگیری پرونده ها از طریق سامان دهی
- شماره پرونده (Walton D.F,2002)

۴-۱-۲-۲- چالش ها در زمینه تفکیک قوا

یکی دیگر از چالش های ماهوی در زمینه بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، چالش ها در زمینه اصل تفکیک قوا است. به عبارت دیگر، در اکثریت نظام های حقوقی، نظام تفکیک قوا حاکم بوده که هدف از آن، جلوگیری از کنترل قدرت و جمع شدن قدرت در دست یکی از قوای حاکمیتی اعلام شده است. با این حال، بسیاری از صاحب نظران بر این اعتقاد هستند که بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده، چالش های عمده ای در زمینه تفکیک قوا بر جای می گذارد.

۴-۱-۲-۳- تعارض ها با قوانین فدرال

در ایالات متحده مشکلاتی که برای این سیستم از مدیریت پرونده قضایی پیش بینی شده است: امنیت اطلاعات و محافظت در برابر داده هایی است که می تواند توسط افراد غیرمجاز، چه قبل، چه در هنگام و چه بعد از گزارش نادرست آنها را گردآوری یا تغییر دهید. این امر می تواند با اجرای کنترل های کافی بر روی سیستم های الکترونیکی (به عنوان مثال فایروال، رمز عبور، ضد ویروس و غیره) مرتفع شود. طیف گسترده ای از اقدامات ایمنی به سرعت در جهت رفع بسیاری از نگرانی ها تکامل یافته است و گرچه هنوز هم یک عامل اصلی است، اما مسائل مربوط به امنیت امروزه بسیار مؤثر و برطرف می شوند. به عنوان مثال، امضای دیجیتالی، رمزگذاری، زیرساخت کلید عمومی (پی کی آی) پیشرفت کرده و راه حل های معتبر اما معتبر از نظر احراز هویت و امنیت سیستم را برای دادگاه ها در نظر گرفته است که

هر نوع سیستم پر کردن الکترونیکی را ارائه می دهند. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد مسائل امنیتی مربوط به امکان سنجی سیستم پر کردن الکترونیکی، لطفاً به بخش موضوعات تکنولوژیکی که تحت عنوان "امکان سنجی" مورد بحث قرار گرفته است مراجعه کنید (بخش VII (ج) (IV)) (دهقان نیک، محمدقاسم، ۱۳۹۴).

مشکلات در حوزه فناوری در پنج حوزه عملکردی تقسیم می شوند:

۱. تهیه و ارائه پرونده، که در وهله اول توسط وکلا یا دادخواهان صورت می گیرد تا برای یک پرونده آماده شوند و مدارک مربوط به آن پرونده را در جلسات دادگاه و دادگاه ارائه کنند. همچنین شامل وظایف قضایی برای حکم دادخواست یا مدارک ارائه شده به دادگاه است. توابع در اینجا شامل حرکات پیش از موعد، قرار وثیقه یا تعیین آزادی پیش از موعد، انتصاب مشاور، کشف، تعیین میزان پذیرش مدارک و ارائه مدارک است.

۲. مدیریت اطلاعات دادگاه یک پرونده، از جمله تبادل اطلاعات مربوط به یک پرونده خاص از دادگاه ها به یا بین اشخاص خارجی، مانند دفتر دادستانی، مشاور دفاعی، اجرای قانون، خدمات پیشگیری یا سایر سازمان های نظارتی و عمومی. کارکردها در اینجا شامل تشکیل پرونده، ثبت مدارک پرونده، حفظ سیستم های مدیریت سوابق دادگاه، فراهم کردن دسترسی عمومی به سوابق دادگاه و فراهم کردن مبادلات با سایر سیستم ها یا سازمان های دادرسی کیفری است.

۳. پشتیبانی از جلسات دادگاه، از جمله کارکردهای دادگاه اداری که جلسات دادگاه و محاکمه را تسهیل می کند، مانند دسترسی به دادرسی برای

دادخواهان و عموم مردم (به عنوان مثال، تسهیل حضور حضوری یا از راه دور و ارائه خدمات ترجمه)، اطلاعات عمومی، عمومی درباره دادرسی و مدیریت هیئت منصفه.

۴. مدیریت تسهیلات، از جمله کلیه فرآیندها و سیستم های موجود برای مدیریت زیرساخت های بدنی دادگاه ها. عملکردها در اینجا شامل امنیت دادگاه، مدیریت فناوری اطلاعات، تلاش برای آمادگی در برابر بلایای طبیعی و سایر فعالیت های مدیریت ساختمان است.

۵. مدیریت مردم، از جمله کلیه فرآیندها و سیستم های موجود برای مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی از توسعه دانش و آموزش کارمندان دادگاه. (دهقان نیک، محمدقاسم، ۱۳۹۴)

۴-۱-۲-۴- تعارض با قوانین ایالتی

یکی از مهم ترین دلایل توجیهی شفافیت قانون را اصل «قطعیت قانون» دانسته اند. (شهبازی نیا و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۸) قطعیت و شفافیت قانون از الزاماتی است که از اصل قانون مندی منتج می شود و مستلزم تعریف یک نهاد حقوقی به صورت دقیق و شفاف از سوی قانون گذار است. (صفاری و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۵۷) البته اصل قطعیت قانون هم در مرحله وضع قانون و هم در مرحله اجرای قانون مطرح است اما نکته مهم آن است که تا زمانی که قطعیت در مرحله وضع قانون وجود نداشته باشد در مرحله اجرای قانون نیز نمی توان شاهد قطعیت بود. قطعیت قانون به ویژه در مواردی که مرتبط با حقوق عمومی یا ساختارهای آیین دادرسی اعم از آیین دادرسی مدنی و

آیین دادرسی شکلی، به نحو بارزتری احساس می شود چرا که مرتبط با نظم عمومی است. (ولی زاده، ۱۳۹۷: ۴۰۸-۴۰۹) اصل قطعیت قانون دارای آثاری هم چون محدودیت و استثنایی بودن موارد تفسیر خواهد بود. هم چنین، اصل قطعیت قانون نهایتاً تأمین و تضمین حقوق شهروندی را با خود به همراه خواهد داشت. (رسول زاده فرساد و علومی یزدی، ۱۳۸۷: ۱۸۹) این اصل در نظام حقوقی ایران و به ویژه دکترین نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. (رسول زاده فرساد و علومی یزدی، ۱۳۸۷: ۱۹۲) و این موضوع خود از قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح که به صورت یک قانون دائمی و نه آزمایشی به تصویب رسیده است و در آن، دادرسی الکترونیکی مندرج شده است نیز مشهود است. این اصل که دارای یک ساختار پیچیده است، در حقیقت این مطلب را بیان می کند که باید از شهروندان در مقابل تهدیدی که از طرف قانون ممکن است متوجه آن ها شود و نیز عدم امنیتی که ممکن است در نتیجه اجرای قانون به وجود بیاید، حمایت کرد. این اصل در سطح عمومی جامعه و در برخورد با مسائل مربوط به حقوق بشر بیشتر به وجود می آید.

یکی از مسائل مهم مربوط به اصل قطعیت قانونی این است که باید خود مبتنی بر قانون اساسی باشد و به عبارت دیگر باید دارای جایگاهی فراتر از قوانین عادی بوده و در سطح قانون اساسی تضمین گردد. در این صورت علاوه بر اینکه اعتماد عمومی به سیستم حقوقی تضمین می شود، از سوء استفاده و نادیده انگاشته شدن تفکیک قدرت قانون گذاری از یک سو و سیستم قضایی و اجرایی از سوی دیگر و در نتیجه معطل ماندن این اصل مهم

جلوگیری می شود، بنابراین تنها در این صورت است که می توان اصل حاکمیت قانون را نیز تضمین نمود.

مفهوم اصل قطعیت این است که قانون بایستی در دلالتش قطعی و ثابت باشد و موضوعات قانون بایستی کاملاً مشخص و مسلم الصدور باشد. در نتیجه، این اصل تضمین کننده حقوق و آزادی های تابعان قانون می شود. گرچه آنچه از قانون ناشی می شود ممنوعیت رفتار شهروندان است با این حال در فرض لزوم و ضرورت تعیین چنین محدودیت هایی، عدم تسری آن ها به موارد دیگر نهایتاً به تضمین امنیت و آزادی شهروندان می انجامد. اگر آنچه را که بر اساس قانون قابل اجرا انجام می دهیم هر آن در معرض نقض قرار بگیرد، هر گونه پیش بینی از رفتار غیرممکن شده و در نتیجه خود وجود قانون به مثابه تهدید تلقی خواهد شد زیرا اعتماد به قطعیت حقوق و ثبات جریان مدنی کاهش می یابد. (Eliescu, 1967, p.89)

در نتیجه قانون بایستی به شیوه ای تنظیم گردد که دقیقاً مرز حقوق و آزادی و ممنوعیت ها را تعیین نماید. چنین تکلیفی برای قانون گذار تنها زمانی انجام خواهد شد که قانون با صراحت و شفافیت کامل تنظیم شود. قانون شفاف و صریح به روشنی مشخص می کند چه عملی و تا چه اندازه ممنوع شده است. به همین دلیل است که بدون التزام به قطعیت قانون نمی توان انتظار قوانین شفاف داشت.

با این حال باید توجه داشت که بعضاً انتظار وضع قوانین صد در صد شفاف و بدون هیچ ابهامی و در واقع وجود قطعیت مطلق، انتظار معقولی نمی باشد زیرا عمومیت و گستردگی مصادیق و عدم امکان تشخیص تمام مصادیق

یک مقررہ قانونی در عمل، ذات برخی از ممنوعیت های قانونی است. بنابراین نمی توان انتظار داشت چنین مقررات و قوانینی تمام مصادیق ممکن و حالت های آینده را پیش بینی نموده و بدون ابهام بیان کند. به همین دلیل اغلب این قوانین نوع عمل را بیان می کنند و قاعده ای را برای شمول به مصادیق احتمالی تعیین می نمایند. در چنین وضعیتی می توان ادعا نمود که تابعان قانون کاملاً از سرنوشت رفتار خود آگاه نیستند، زیرا در زمان انجام رفتار مشخص نیست آیا رفتار اراده شده مشمول ممنوعیت قانونی است یا خیر؟ به همین دلیل تکلیفی دیگر به عهده شهروندان قرار می گیرد که علاوه بر تکلیف تبعیت از امر و نهی قانون گذار است و آن تکلیف به تطبیق مصداق بر قاعده و تشخیص غیرقانونی بودن آن رفتار است. در خصوص غیرقابل اجتناب بودن چنین حالتی، دیوان اروپایی حقوق بشر در یکی از آرای خود چنین ابراز عقیده نموده که به علت اصل تعمیم پذیری قوانین، بعضاً محتوای آن ها نمی تواند از قطعیت مطلق برخوردار باشد.

۴-۲- چالش ها و خلاءهای شکلی

۴-۲-۱- چالش ها و خلاءهای شکلی در نظام حقوقی ایران

۴-۲-۱-۱- عدم تصریح به بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در قوانین

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سلف های آن، هیچ اشاره ای به مباحث هوش مصنوعی با توجه به عدم مطرح شدن این چنین بحث هایی در

آن زمان نشده است. با این حال، در این قانون از حق دسترسی آحاد ملت اعم از زن و مرد به صورت برابر به دادگاه اشاره شده است. از این منظر، دسترسی آسان تر و سهل تر شهروندان ایرانی از طریق فضای اینترنتی و سایبری به محاکم قضایی خود می تواند منتهی به تحقق عمده تر دادرسی منصفانه توسط مراجع قضایی شود. جدا از قانون اساسی، از آنجا که منشور حقوق شهروندی ریاست جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۹۵ مورد پذیرش قرار گرفت، در هیچ یک از دسته بندی های این بخش قرار نمی گیرد، در این بخش مورد اشاره قرار می گیرد. در این منشور، مواد ۳۳-۳۵ به حق دسترسی شهروندان به فضای مجازی اختصاص داده شده اند از جمله در ماده ۳۴ که آمده است:

((حق شهروندان است که از امنیت سایبری و فناوری های ارتباطاتی و اطلاع رسانی، حفاظت از داده های شخصی و حریم خصوصی بهره مند شوند.))

بدیهی است که یکی از مصادیق دسترسی به فناوری های ارتباطاتی و اطلاع رسانی می تواند الکترونیکی شدن دادرسی مدنی باشد که با لحاظ امنیت سایبری شهروندان صورت می گیرد و از این رو، یک بعد حقوق بشری نیز به خود می گیرد.

اگرچه در سیاست های کلی نظام در حوزه قضایی با توجه به سال تصویب آن، به صراحت از دسترسی دستگاه قضایی به امکانات الکترونیکی، صحبت نشده است اما الزامات و مطالبات متعددی که در این زمینه وجود دارند، می توانند از طریق استنباط، مخاطب را به سمت و سوی الکترونیکی شدن

دادرسی های مدنی نیز بکشاند از جمله نظام مند کردن استفاده از بینه یا تخصصی شدن رسیدگی در دادگاه ها که هر دوی این اهداف بدون الکترونیکی شدن دادرسی ها خواه دادرسی مدنی و الکترونیکی امکان پذیر نیست . نکته ای که می توان از این سیاست ها متوجه شد ، آن است که الکترونیکی شدن دادرسی های مدنی صرفا بخشی از روند کلی اصلاحات در قوه قضائیه است و بنابراین بایستی همراستا با سایر تحولات صورت پذیرد.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ابلاغی مقام رهبری، سندی بالادستی است که بر اساس آن، به یکی از آثار الکترونیکی شدن دادرسی مدنی پرداخته شده است. این بیانیه که در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ ابلاغ شده است و در واقع اصول کلی کارکردی نظام حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران در دهه پنجم حیات خود را ترسیم می نماید؛ شامل چند بخش است که بخش اول به علم و پژوهش، بخش دوم به معنویت و اخلاق، بخش سوم به اقتصاد، بخش چهارم به عدالت و مبارزه با فساد، بخش پنجم به استقلال و آزادی، بخش ششم به عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و نهایتا بخش هفتم به سبک زندگی اختصاص پیدا کرده است. از آنجا که عملکرد دستگاه قضایی به بخش چهارم تحت عنوان ((عدالت و مبارزه با فساد)) مربوط می باشد، بنابراین تمرکز بر کارکرد صلح و سازش توسط شورای حل اختلاف در سند تحول قضایی نیز بایستی در چارچوب همین عدالت گستری و مبارزه با فساد مورد توجه قرار بگیرد. در قسمتی از این بخش آمده است :

((عدالت در صدر هدف های اولیه همه بعثت های الهی است و در

جمهوری اسلامی نیز دارای همان شان و جایگاه است؛ این، کلمه ای مقدس در همه زمان ها و سرزمین ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر (اوراحنا فداه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه ای برعهده همه به ویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه واژگونه نمایی و لاقبل سکوت و پنهان سازی که اکنون برنامه جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.))

۴-۲-۱-۲- چالش ها در زمینه استقلال قضایی هوش مصنوعی

استقلال قضایی در معنای کلی آن به معنای آن است که هم دستگاه قضایی به عنوان یک نهاد و هم قضات به عنوان تصمیم گیرندگان در پرونده های قضایی می باید وظایف و مسئولیت های خود را بدون اثرپذیری منفی از جانب قوای مجریه و مقننه و سایر عوامل فشار انجام دهند منظور از قضات در مفهوم استقلال قضایی به این صورت است که قضات اعم از قضات تحقیق، قضات تعقیب، قضات رسیدگی کننده و قضات اجرای احکام از جانب داری یکی از اطراف دعوی اعم از دعاوی حقوقی، دعاوی کیفری و دعاوی اداری، دادستان و سایر اشخاصی که به نحوی از انحاء می توانند بر تصمیم گیری شان تاثیر بگذارند، مصون باشند. برخی نیز بر این اعتقاد هستند که استقلال قضایی به معنای آن است که دادرس در زمان صدور رای، تنها به قانون و وجدان توجه داشته باشد و از دخالت دادن دستورها، نظرها و خواسته های دیگران پرهیز نماید. منشا استقلال قضایی به استقلال قوه

قضایه از سایر قوا در ساختار حاکمیت کشورها بازمی گردد و بدون آن، آرای قوه قضایه از تحکیم برخوردار نبوده و به عبارت دیگر، می توان استقلال قضایی را موجب اتقان احکامی دانست که بر افراد جامعه بار می شود.

تقسیم بندی های مختلفی در ارتباط با استقلال قضایی مطرح شده اند از جمله بر اساس یک تقسیم بندی، استقلال به شش قسم استقلال نهادی، استقلال در امور اجرایی و اداری، استقلال در امور مالی و استقلال در تصمیم گیری قضایی، استقلال فردی و استقلال در قانون گذاری قضایی تقسیم می گردد. در تقسیم بندی دیگر، استقلال قضایی به سه قسم شده است که عبارتند از استقلال به معنای انفکاک نسبی قوا، استقلال شخصی و فردی قاضی و استقلال از حکومت و قدرت. بایسته هایی برای استقلال قضایی بر شمرده شده است از جمله استقلال در انتصاب و عزل قضات، امنیت دوره تصدی قضایی، مصونیت شغلی، مصونیت از تعقیب کیفری، امنیت مالی، اصل ترفیع قضات، اصل آزادی صدور تصمیمات قضایی.

در ارتباط با استقلال خدمات دادستانی کل نمی توان مدل خاصی را بیان نمود چرا که مدل دادستانی در نظام های حقوقی مختلف متفاوت است به طوریکه در کشورهای تابع نظام کامن لا به علت این که نهاد دادستانی کل بخش جدایی ناپذیر قوه مجریه است، استقلال خدمات دادستانی کل به نحوی مطرح می شود. این در حالی است که در نظام های سیویل لا، رویکرد متفاوت است به نحوی که در برخی، بدنه دادستانی کل در قوه قضایه مستقل قرار دارد در حالی که در برخی دیگر، جزء بدنه قوه مجریه

است. در نظام های حقوقی که دادستانی بخشی از قوه قضاییه است، عموماً از الگوی استقلال فردی (Individual Independence) تبعیت می کنند با این حال در نظام های حقوقی که دادستانی بخشی از قوه مجریه است هم از استقلال ساختاری و هم از استقلال فردی دفاع می شود.

تاریخ قضای اسلامی از حساسیت و ارزش والای قضات در راستای تحقق عدالت اسلامی و حفظ حقوق آحاد جامعه و برخورداری همه افراد از رسیدگی قانون مدار و عادلانه در دادگاهی منصفانه، مستقل و عادلانه حکایت می نماید. از منظر فقهی هم در آیات قرآن و هم در کلام ائمه معصومین و هم در نظر فقها به موضوع استقلال قضایی به صورت ضمنی و صریح اشاره شده است برای نمونه در آیه ۵۸ سوره مبارکه نساء آمده است که: ((ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعماً یعظکم به ان الله کان سمیعاً بصیراً)) که به معنای آن است که: ((خدا به شما فرمان می دهد که سپرده ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می کنید به عدالت داوری کنید در حقیقت نیکو چیزی است خدا شما را به آن پند می دهد خدا شنوای بیناست.)) یا در آیه ۸ سوره مبارکه مائده آمده است: ((یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُونُوا قَوَّامِینَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰی اَلَّا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی وَاتَّقُوا اللَّهَ اِنَّ اللَّهَ خَبِیْرٌ بِمَا تَعْمَلُوْنَ)) که به معنای آن است که ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از

(معصیت) خدا پرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است!

در دولت مدرن که مبتنی بر قانون اساسی است، استقلال قضایی و استقلال خدمات دادستانی کل، ریشه در نظریه تفکیک قوا دارد. اگرچه حق دسترسی به دادگاه در اصل یازدهم متمم قانون اساسی مشروطه ۱۲۸۵ خورشیدی مورد تصریح قرار گرفته بود اما تا پیش از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در اصل ۱۵۶ به عنصر استقلال قوه قضاییه اشاره نموده است؛ اشاره ای به استقلال قضایی دیده نمی‌شود. بر این اساس تصریح شده است که: «(قوه قضاییه، قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت ... است.)» از سوی دیگر، صدر ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز به استقلال قضایی اشاره نموده است: «(مراجع قضایی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی صادر نمایند.)» استقلال قضایی دارای ضمانت اجراء بوده و نقض آن، موجب اعمال مجازات های کیفری و اداری در قوانین ایران می شود به نحوی که بر طبق ماده ۶۰۵ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، خروج عامدانه قاضی از استقلال قضایی موجب حبس تا سه ماه یا مجازات نقدی و جبران خسارات وارده می گردد. در قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ نیز در بند ۴ ماده ۱۷، خروج قاضی از بی طرفی در انجام وظایف قضایی به عنوان یک تخلف اداری شناخته شده و در تبصره ماده ۱۸، ضمانت اجرای آن را یکی از مجازات های انتظامی درجه هشت تا سیزده برشمرده است. نهایتاً در ماده ۶ سند امنیت قضایی و ماده ۵۷ منشور حقوق

شهروندی ریاست جمهوری ایران نیز به اصل استقلال قضایی اشاره شده است.

در ارتباط با استقلال خدمات دادستانی کل در نظام حقوقی ایران، در وهله نخست باید گفت که نهاد دادستانی در نظام حقوقی ایران زیرمجموعه قوه قضاییه لحاظ شده است. اصول ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به اختیارات رئیس قوه قضاییه اشاره داشته و یکی از آنها را مسئولیت کلیه امور قضایی، اداری و اجرایی قوه قضاییه می داند. در اصل ۱۶۲ قانون اساسی مقرر شده است که دادستان کل از سوی رئیس قوه قضاییه و با مشورت قضات دیوان عالی کشور برای مدت پنج سال منصوب می گردد. البته ترتیبی که در حال حاضر در قانون اساسی مقرر شده است با آن چه که تدوین کنندگان قانون اساسی در نظر داشتند، بسیار متفاوت است چرا که اساساً به منظور تضمین استقلال نهاد خدمات دادستانی کل، در قانون اساسی ۱۳۵۸، دادستان کل عضو شورای پنج نفره قضایی بود که مستقیماً از سوی رهبر منصوب می شد و نه از سوی رئیس قوه قضاییه. با این حال، پس از ده سال و به دنبال پدیدار شدن اشکالات متعدد، تصمیم در تمرکز وظایف دادستانی کل در زیر مجموعه ریاست قوه قضاییه شد.

اصلی ترین سند موجود در ارتباط با استقلال قضایی، اعلامیه اصول بنیادین استقلال قضایی مصوب ۱۹۸۵ میلادی سازمان ملل متحد است که در اصل دوم خود در ارتباط با تعریف استقلال قضایی بیان می دارد: «قضات باید بتوانند بر اساس واقعیات و مطابق قوانین و بدون هرگونه محدودیت، اعمال نفوذ نابه جا، تلقین، فشار، تهدید یا مداخله مستقیم یا غیرمستقیم از هر مرجع

یا دلیل دیگر، در مورد موضوعات مطروح اتخاذ تصمیم کنند.) ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ میلادی است که در آن، تصریح شده است: ((هرکس حق دارد دعوایش... به وسیله دادگاه مستقل و بی طرف، رسیدگی شود.)) هم چنین در ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در ذیل اصول دادرسی منصفانه به استقلال قضایی اشاره شده است: ((هرکس حق دارد به دادخواهی او.... در یک دادگاه صالح و مستقل و بی طرف.... رسیدگی شود.)) بند یک ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی های اساسی ۱۹۵۰ به استقلال قضایی به این شکل اشاره می نماید: ((هر شخص... حق دارد از یک جلسه استماع دادرسی.... توسط دادگاه قانونی مستقل و بی طرف برخوردار باشد.)) بند یک ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم ۱۹۸۱ نیز استقلال قضایی را به عنوان یک حق همگانی مورد اشاره قرار داده است: ((هر فرد حق رسیدگی به دعوی خود را دارد. این حق مشتمل بر آن است که... در ظرف مدت معقول در دادگاه یا دیوان مستقل مورد رسیدگی واقع شود.)) هم چنین ماده ۲۶ همین منشور نیز اشاره می نماید که دولت ها ملزم هستند که استقلال دادگاه ها را تضمین نمایند. در نهایت بایستی به بند یک ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ میلادی اشاره نمود که تصریح داشته است که: ((هرکس حق دارد با تضمین های مناسب و معقول برای ارائه دلیل در مورد اتهام جزایی وارد بر وی یا برای تعیین حقوق و تعهدات مدنی، کاری، مالی یا غیر آن به وسیله دادگاهی صالح، مستقل و بی طرف که قبلاً توسط قانون ایجاد شده است، محاکمه گردد.))

در ارتباط با استقلال خدمات دادستانی کل، سند الزام آور بین المللی وجود ندارد اما در سطح منطقه ای، اسناد غیرالزام آوری وجود دارند برای نمونه در ۲۵ نوامبر ۲۰۲۱ میلادی، شورای مشورتی دادستان های کل اتحادیه اروپایی، نظر مشورتی شماره ۱۶ خود را در ارتباط با نمودهای تصمیمات دادگاه های بین المللی و نهادهای بین المللی مبتنی بر معاهده ناظر بر استقلال عملی دادستان ها ([Opinion No. 16 \(2021\) regarding the implications of decisions of international courts and treaty bodies on the practical independence of prosecutors](#)) ارائه داد که در آن، از دولت های عضو خواسته شده است تا در چارچوب قانون گذاری، استقلال خدمات دادستانی را به رسمیت شناخته و از جمله در زمینه عزل و نصب دادستان ها و مدت مأموریت شان مداخله نکنند. هم چنین در برخی از اسناد بین المللی الزام آور نیز اگرچه صحبت از استقلال خدمات دادستانی کل نشده است اما لازمه اجرای برخی از مواد، استقلال این نهاد برشمرده شده است از جمله می توان به توصیه نامه شماره ۱۹ ناظر بر مواد ۵ و ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اشاره داشت که در آن، لازمه اجرای حق آزادی و امنیت و حق برقراری دادرسی عادلانه، تضمین استقلال خدمات

۴-۲-۲- چالش ها و خلاءهای شکلی در نظام حقوقی ایالات متحده

اگرچه فناوری های هوش مصنوعی به سمت خودمختار شدن کامل به پیش می روند اما در حال حاضر، در اکثریت فناوری های هوش مصنوعی، این

اختیار کامل دیده نمی شود و مبتنی بر تصمیم گیری های انسانی فعالیت می نمایند و از این رو، نمی توان ایراد گروه اول را مورد پذیرش قرار داد. در کنار این موضوع، این مساله نیز مطرح می گردد که آیا امکان بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی در تمامی دعاوی حقوقی وجود دارد یا اینکه این دعاوی به صورت خاص خواهد بود. در پاسخ به این سوال باید به این امر توجه داشت که اگرچه هیچ تصریح قانونی در ارتباط با محدوده کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در فرآیند رسیدگی های حقوقی وجود ندارد اما کارکردهای هوش مصنوعی به عنوان قاضی به ویژه با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی قابل توجیه است. در این دو مقرر قانونی تصریح شده است که قضات در موارد مواجهه با ابهام، خلاء و سکوت قوانین بایستی با رجوع به منابع معتبر فقهی و با تکیه بر استدلال خود به حل و فصل قضیه بپردازند. این پرسش ایجاد می شود که در این قضایا که در نظام های حقوقی کامن لا هم چون ایالات متحده آمریکا بدان ((پرونده های بدیع)) اطلاق می گردد؛ می توان هوش مصنوعی به عنوان قاضی مورد استفاده قرار بگیرد؟ پاسخ به این سوال در نظام های حقوقی کامن لا که قضات نقش ایجادکننده قوانین نیز برخوردارند، با چالش های متعدد همراه است اما در نظام های حقوقی نوشته هم چون ایران، به نظر می رسد که بتوان از هوش مصنوعی به عنوان قاضی استفاده نمود.

با این حال، چالش های مختلفی در روند کاربرد هوش مصنوعی به عنوان قاضی در فرآیند رسیدگی های حقوقی ممکن است مطرح شوند که عبارتند

از:

۱- جانب‌داری الگوریتمیک: جانب‌داری الگوریتمیک به وضعیتی اطلاق می‌شود که هوش مصنوعی به عنوان قاضی، یکی از اطراف دعوی را به دلیل الگوریتم‌هایی که در آن طراحی شده است به صورت متفاوتی مورد توجه قرار داده و بر اساس آن، تصمیم‌گیری می‌نماید. همان‌گونه که قاضی هادج از قضات دیوان عالی کشور انگلستان اشاره نموده است، جانب‌داری الگوریتمیک ممکن است به چند دلیل عمده واقع شود: ۱- داده‌هایی که در توسعه و بسط هوش مصنوعی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ۲- داده‌هایی که سامانه هوش مصنوعی در زمان تصمیم‌گیری قضایی خود آن‌ها را مورد پردازش قرار می‌دهد؛ ۳- فرد یا سازمانی که داده‌ها را ایجاد نموده است.

جانب‌داری الگوریتمیک را نمی‌توان از هوش مصنوعی به عنوان قاضی دور نگه داشت چرا که همان‌گونه که قضات انسانی ممکن است به دلایل مرتبط با تعصبات قومی، ملی و مذهبی، تصمیمات سوگیرانه‌ای را اتخاذ نمایند، برنامه‌نویس‌ها نیز ممکن است جانب‌داری‌ها و جهت‌گیری‌های خود را به هوش مصنوعی انتقال دهند.

۲- اعمال صلاح‌دید قضایی: سامانه‌های هوش مصنوعی که در فرآیند رسیدگی قضایی مورد استفاده قرار می‌گیرند بر اساس منطق‌های خاصی برنامه‌نویسی شده‌اند. این منطق‌ها و قواعد بر اساس قواعد و معیارهای خشک و از پیش تعیین‌شده، مقرر شده‌اند. این در صورتی که اصل اعمال صلاح‌دید قضایی که نوعی انعطاف‌پذیری نسبت به قضایای مورد رسیدگی

است، با قاعده انصاف منطبق است. از این رو، نمی توان از هوش مصنوعی برای اعمال صلاحدید قضایی که خاص قاضی انسانی است، انتظار داشت که این موضوع در رسیدگی های حقوقی، یکی از چالش های بکارگیری های آنها به عنوان قاضی است.

فصل چهارم - نتیجه گیری و پیشنهادها

۵-۱- مقدمه

در جامعه کنونی، فعالیت اعم از خصوصی یا حاکمیتی بدون فناوری امکان پذیر نبوده و رسیدگی اعم از رسیدگی قضایی و غیرقضایی نیز مصون از این امر نیست. لوازم فناورانه به عنوان یک بخش ضروری و اصلی در فعالیت های روزانه ما تبدیل شده است. تحولات فناورانه آن چنان در زندگی روزمره انسان امروزی در هم تنیده شده است که نمی توان زندگی بدون آن را متصور بود. در این صورت، جهان دچار هرج و مرج خواهد شد. امروزه هوش مصنوعی در بخش های مختلف و گوناگونی از زندگی انسان قرن بیست و یکمی حضور دارد. از تلفن های همراه تا دوربین های کنترل سرعت در بزرگ راه ها و شبکه های مختلف اجتماعی همه و همه از سامانه های هوش مصنوعی بهره می برند.

اگرچه در حوزه حقوق، عمده موارد مورد سوال در زمینه استفاده از هوش مصنوعی، در زمینه مسئولیت مدنی و کیفری بوده است اما محدود بدان نیست و یکی از حوزه های مهم در این زمینه، استفاده از هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده بوده است که در این پایان نامه در دو سطح نظام حقوقی یعنی نظام های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا مورد توجه بوده است.

دیدگاه های مختلفی در ارتباط با بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در هر دو نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا وجود

دارد به نحوی که برخی بر این اعتقاد هستند که بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده می تواند موجب کاهش اطاله دادرسی شده و سرعت و دقت در رسیدگی را افزایش دهد و هزینه ها را تقلیل بدهد. در مقابل، دسته ای دیگر بر این اعتقاد هستند که برخی ویژگی های رسیدگی به وسیله مقام رسیدگی کننده انسانی، مختص انسان بوده و قابلیت تفویض به هوش مصنوعی را ندارد برای نمونه عدالت در رسیدگی .

۵-۲- خلاصه پژوهش

چند گزاره مهم را می توان به عنوان خلاصه پژوهش حاضر مطرح نمود اولاً اینکه هوش مصنوعی از این امکان برخوردار است که ضمن تسریع در روند رسیدگی، دقت در رسیدگی ها اعم از قضایی و غیرقضایی را افزایش بدهد اما در ارتباط با رعایت عدالت قضایی و تصمیم گیری بر اساس داده های جامع، هنوز تردیدهای اساسی در زمینه بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده وجود دارد ثانیاً امروزه هم در نظام حقوقی ایران و هم در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، هوش مصنوعی در جمع آوری ادله و مدارک هم در تعیین میزان دقیق خسارت و سایر کارکردهای کمک یار قضایی مورد استفاده قرار می گیرند و چه بسا کارکردهای موثرتری نیز نسبت به کاربر انسانی در این زمینه اتخاذ نموده اند. ثالثاً در صورتی که بتوان در سامانه های هوش مصنوعی که به عنوان مقام رسیدگی کننده مورد استفاده قرار می گیرند، قابلیت هایی مانند ملاحظات جامعه شناختی، فنی، حقوقی و اخلاقی را موردنظر قرار داد، چالش های جدی به ویژه در زمینه منصب قضاوت ایجاد خواهد شد.

۵-۳- بحث

قابلیت های مختلفی برای هوش مصنوعی در دستگاه قضائی قابل تصور است از جمله این که یکی از ظرفیت ها و قابلیت های اساسی و عمده در این زمینه کاهش اطاله دادرسی است. به عبارت دیگر، حجم گسترده ای از ورودی پرونده ها به دستگاه قضایی، یکی از معضلات این دستگاه هم در نظام حقوقی ایران و هم در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا می باشد. کمبود قضات و محدود بودن توان هر یک از قضات برای رسیدگی یکی دیگر از عواملی است که استفاده از هوش مصنوعی را به عنوان مقام رسیدگی کننده در دستگاه قضایی توجیه می نماید.

البته برای کاهش حجم ورودی پرونده ها به محاکم قضایی و افزایش سرعت و دقت در رسیدگی، راهکارهای مختلفی پیشنهاد شده است که یکی از این راهکارها آن است که ساختار دادگستری گسترده شده و تعداد قضات افزایش پیدا نماید. برخی نیز پیشنهاد نموده اند که با توجه به حساسیتی که در زمینه بکارگیری قضات در تمامی نظام های حقوقی وجود دارد، بایستی از دستیار قضایی در این زمینه استفاده نمود. برخی نیز نظر به توسعه ساز و کارهای غیرقضایی مانند تقویت نهاد داوری دارند. با این حال، تمامی این راهکارها اگرچه تا حدودی توانسته است از اطاله دادرسی جلوگیری به عمل آورند اما به صورت کامل نتوانسته اند در این زمینه توفیق پیدا کنند. این عدم موفقیت نیز به دلیل خاصی بوده و آن پیچیدگی پرونده های قضایی است ضمن این که قضات و یا سایر مقامات رسیدگی کننده باید زمان طولانی برای رسیدگی اختصاص دهند که این چنین موضوعی

امکان پذیر نیست. برای رفع تمامی این دغدغه ها، هوش مصنوعی می تواند به عنوان یک راهکار مطمئن عمل نماید.

۵-۴- نتیجه گیری:

در نتیجه گیری هر تحقیق به اثبات یا رد فرضیاتی پرداخته می شود که در ابتدای تحقیق مطرح شده است. فرضیه اصلی تحقیق حاضر آن بوده است که امکان بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی در نظام حقوقی ایران فراهم نمی باشد. در تایید این موضوع می توان به رویکرد موجود در سند تحول قضایی قوه قضاییه که هم در نسخه اولیه آن و هم در نسخه بازنگری شده آن در سال ۱۴۰۳ به سامانه های هوش مصنوعی که قابلیت استفاده در دستگاه قضایی را داشته باشند به عنوان دستیار هوشمند قضایی توجه شده است. رویکرد موجود در این سند خود نشانگر آن است که با توجه به این که ویژگی های خاصی برای مقام قضاوت هم در شرع مقدس اسلام و هم در آیین نامه انتصاب قضات قوه قضاییه برشمرده شده است از جمله عدالت، اسلام، ایمان و ... و احراز این ویژگی ها در سامانه های هوش مصنوعی غیرممکن و بلکه بسیار دشوار می باشد؛ هم چنان نمی توان از هوش مصنوعی حتی توسعه یافته ترین سامانه های هوش مصنوعی که به عنوان سامانه های مستقل و خودکار شناخته می شوند، به عنوان سامانه های هوش مصنوعی دارای مقام قضاوت در ایران تلقی نمود. البته با توجه به این که عنوان تحقیق حاضر، حوزه ای گسترده تر از قضاوت را شامل می شود و شامل کاربرد هوش مصنوعی در جایگاه مقام رسیدگی کننده است، به نظر می رسد که با توجه به این که عرصه بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان

مقام رسیدگی کننده صرفاً شامل مقام قضاوت نشده و مقام داور، میانجی گر و سازشگر را نیز شامل می شود و با توجه به محدودیت های گسترده ای که در ارتباط با قضاوت وجود دارد، در وهله نخست در نظام حقوقی ایران بایستی هوش مصنوعی را به عنوان داور یا میانجی گر یا سازشگر مطرح نمود تا نتایج عینی کاربرد هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایران مورد کاوش قرار بگیرد.

فرضیه اول فرعی حاضر نیز مبتنی بر این است که در نظام حقوقی ایران با توجه به ظرفیت های قانونی سند تحول قضایی، می توان هوش مصنوعی را به عنوان دستیار هوشمند قاضی مورد پذیرش قرار داد. دستیار هوشمند قضایی به عنوان یک سامانه پیشرفته هوشمند می باشد که به قضات در جمع آوری ادله، تصمیم گیری و صدور رای کمک می نماید. این سامانه از سه ماژول یا سه قسمت مهم به منظور کمک به قضات بهره می برد که عبارتند از:

۱- ماژول سامانه خبره پرسش و پاسخ که از طریق این ماژول که به قوانین و مقررات مختلف و هم چنین رویه قضایی مسلط می باشد، می توان پیش نویس هایی از آرای قضایی را استفاده نمود؛

۲- ماژول چت بات قوانین و مقررات که یک ماژول گفتگو محور و تعاملی بوده که با قضات در موضوعات مختلف حقوقی گفتگو می نماید.

۳- ماژول پیش بینی رای که با استفاده از روش های هوش مصنوعی فعالیت می نماید و از طریق تحلیل آرای گذشته و عوامل گوناگون مرتبط با پرونده های قضایی، قابلیت پیش بینی نتایج احتمالی را دارد.

فرضیه دوم فرعی تحقیق حاضر مبتنی بر این است که به نظر می‌رسد که در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان قاضی مستقل به ارائه خدمات قضایی بپردازد. نکته‌ای که در ارتباط با این فرضیه مطرح است، این می‌باشد که تمامی انواع سامانه‌های هوش مصنوعی نمی‌توانند در جایگاه مقام قاضی در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا به کار گرفته شوند و صرفاً سامانه‌هایی می‌توانند در این زمینه بکار برده شوند که دارای درجه استقلال و تصمیم‌گیری کامل باشند.

در ارتباط با فرضیه پایانی تحقیق حاضر نیز می‌توان گفت که چالش‌ها و خلاءهای تقنینی، قضایی و فقهی در زمینه بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی در رسیدگی‌های حقوقی در نظام حقوقی ایران وجود دارد. این چالش‌ها به مانند عدم وجود یک قانون خاص الزام‌آور که ضمانت اجرایی در زمینه نقض تعهدات مربوط به قضاوت توسط سامانه‌های هوش مصنوعی مشخص نموده باشد یا چالش‌های قضایی که در زمینه بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی وجود دارد از جمله عدم بازنگری در آیین نامه انتصاب قضات به نحوی که سامانه‌های هوش مصنوعی بتوانند در قامت قاضی ظهور پیدا کنند و چالش‌های فقهی هم چون عدم قابلیت بازنگری در اصول و شرایط فقهی ناظر بر قضاوت به نحوی که سامانه‌های هوش مصنوعی بتوانند مورد استفاده قرار بگیرند.

۵-۵- توصیه ها و پیشنهادها

- به نظرمی رسد که اصلی ترین پیشنهادی که می توان ارائه داد، بازنگری در شرایط قضاوت در نظام حقوقی ایران باشد به این معنا که با توجه به این که احراز برخی از شروط قضاوت هم چون عدالت و اسلام در ارتباط با سامانه های هوش مصنوعی امکان پذیر نیست، بایستی نسبت به بازنگری شرایط قضاوت از منظر قانونی و فقهی اقدام گردد

۲- در حوزه بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده نه در نظام حقوقی ایران یک قانون عادی مصوب مجلس شورای اسلامی وجود دارد و نه این که آیین نامه مصوب قوه قضائیه یا هیات وزیران در این زمینه وجود دارد. پیشنهاد می شود که در این مورد، تقنین مناسب صورت پذیرد

۳- بدیهی است که نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا به عنوان یک نظام کامن لایی که عمدتاً بر رویه قضایی استوار است، حساسیت های بیشتری را در مقایسه به نظام حقوقی ایران که یک نظام حقوقی نوشته است و به آرای قضایی به عنوان یک منبع اصلی نگاه نمی کند، اتخاذ می نماید. از این امر، نتیجه گرفته می شود که زمانی که رویکرد ایالات متحده آمریکا در زمینه بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده حتی در قامت مقام قاضی بوده است؛ بایستی این رویکرد در نظام حقوقی ایران مورد پذیرش قرار بگیرد.

۴- به نظر می رسد که قانون خاصی در زمینه شرایط کاربرد هوش مصنوعی در بخش های مختلف قوه قضائیه اعم از کارشناسی، قضاوت، جمع آوری ادله و مدارک، راستی آزمایی شاهدین و ... از سوی معاونت حقوقی قوه

قضایه تدوین و به هیات وزیران ارائه گردد تا بتوان به نحو مقتضی خلاء قانونی در زمینه امکان بکارگیری هوش مصنوعی در بخش های مختلف قوه قضاییه را مرتفع نمود؛

۵- بدیهی است که بکارگیری هوش مصنوعی در فرآیندهای رسیدگی های قضایی می تواند منتهی به کاهش اطاله دادرسی و افزایش سرعت و دقت در رسیدگی های کیفری گردد و این چنین ظرفیتی بایستی به نحو موثری در بخش هایی به کار برده شود که بیشترین اطاله دادرسی را برای رسیدگی های کیفری بوجود می آورند. البته در حال حاضر، برخی سامانه های هوش مصنوعی در دستگاه قضا مورد استفاده قرار می گیرند برای نمونه سامانه های CMS اما به نظر می رسد که استفاده از این سامانه ها در مقایسه با سایر نظام های قضایی بسیار محدود باشد.

۶- در برخی از نظام های حقوقی، استفاده از سامانه های هوش مصنوعی در سیستم قضایی آن چنان گسترده و وسیع بوده است که هم اینک یکی از معضلات مربوط به این موضوع، هماهنگی میان سامانه های هوش مصنوعی است که در دستگاه قضایی استفاده می شوند. در این زمینه، پیشنهاد می شود که با افزایش استفاده از سامانه های هوش مصنوعی در سیستم قضایی، موضوع هماهنگی میان آنها نیز مدنظر قرار بگیرد

۷- توسعه کاربرد سامانه های هوش مصنوعی در دستگاه قضایی همواره یک بیم اساسی برای نیروهای انسانی شاغل در دستگاه قضا بوده است. در این راستا، به نظر می رسد که هوش مصنوعی یک انقلاب متحول کننده پس از انقلاب صنعتی بوده است که موجب می شود که نوعی تنظیم گری در زمینه

نیروهای انسانی شاغل در دستگاه قضا بکار برده شود و خطای انسانی در تصمیم گیری ها کاهش پیدا نماید. با این حال، هم چنان در استفاده جامع و مانع از سامانه های هوش مصنوعی در دستگاه قضایی و تصمیم گیری در ارتباط با روایی یا عدم روایی استفاده از آنها در دستگاه قضایی، مسیر طولانی باقی مانده است. پیشنهاد می شود که مطالعات حقوقی و فنی بیشتری در ارتباط با ابعاد مختلف کاربرد هوش مصنوعی در دستگاه قضایی صورت پذیرد.

-مدل پیشنهادی بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایران

به نظر می رسد که در حوزه مدل پیشنهادی هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایران، بایستی بر اساس رویکرد موجود در سند تحول قضایی که هوش مصنوعی به عنوان دستیار هوشمند قضایی محسوب شده است؛ دنبال گردد چرا که در شرایط کنونی امکان بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام قضایی در نظام حقوقی ایران وجود ندارد.

به نظر می رسد که سامانه هوش مصنوعی بایستی به عنوان مقام رسیدگی کننده مورد استفاده قرار بگیرد که ضمن رعایت عدالت و مدنظر قرار دادن ملاحظات انسانی، اجتماعی و فنی، رسیدگی دقیق و سریعی را داشته باشد.

نکته دیگری که در مدل پیشنهادی بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده می باید موردنظر قرار بگیرد، آن است که شخصیت حقوقی مستقلی بایستی برای سامانه های هوش مصنوعی در نظر گرفته شود. در شرایط کنونی، این اختلاف نظر وجود دارد که هوش مصنوعی آیا باید به

عنوان شیء در نظر گرفته شود یا این که برای آن یک شخصیت حقوقی مستقلی در نظر گرفته شود؟ در مدل پیشنهادی، بایستی قانون گذار ایرانی این امر را به رسمیت بشناسد که هوش مصنوعی زمانی که به عنوان مقام رسیدگی کننده مورد نظر قرار می گیرد، دارای شخصیت حقوقی مستقلی در نظر گرفته شود.

در مدل پیشنهادی بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در نظام حقوقی ایران، این امر بایستی مورد توجه قرار بگیرد که اگر در شرایط فعلی، امکان بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در دستگاه قضایی وجود ندارد اما در سایر ساختارها هم چون داور، سازشگر و میانجی باید از هوش مصنوعی بهره برد.

بدیهی است که بکارگیری هوش مصنوعی در دستگاه قضایی در فقه امامیه مورد پیش بینی قرار گرفته است و از این رو یکی از مسائل مستحدثه محسوب می گردد. در این راستا، نکته ای که بسیار مهم می باشد، این است که رویکردهای فقه امامیه نسبت به بکارگیری هوش مصنوعی در دستگاه قضا تبیین شود. در این راستا، در شرایطی که مبنای فقهی بکارگیری هوش مصنوعی در دستگاه قضا مشخص نشود، قطعاً در مقام اجرایی با مشکلاتی مواجه می شویم. از این رو، در ترسیم مدل تقنینی هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده در دستگاه قضایی، مبنای فقهی آن باید مورد نظر قرار بگیرند.

بدیهی است که به علت وجود تحریم های بین المللی علیه جمهوری اسلامی ایران که مانع از انتقال بسیاری از فناوری ها به ایران می شوند، بایستی اتکای

بر فناوری های بومی هوش مصنوعی در تقنین هر گونه قاعده ناظر بر بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده موردنظر قرار بگیرد.

بررسی و تصدیق برخی از ویژگی ها برای بکارگیری نیروی انسانی در قوه قضاییه برای هوش مصنوعی چالش برانگیز است برای نمونه التزام عملی به جمهوری اسلامی ایران در سامانه های هوش مصنوعی بکارگیری شده در دستگاه قضایی به چه صورت احراز می شود. در مدل تقنینی جمهوری اسلامی ایران در زمینه بکارگیری هوش مصنوعی به عنوان مقام رسیدگی کننده، این نکته باید مورد توجه قرار بگیرد که برخی از التزاماتی که امکان تحقق آن در سامانه های هوش مصنوعی وجود ندارد، از توسعه دهندگان این سامانه ها اخذ شود.

از آنجا که تاکنون قانون در زمینه تنظیم گری حول هوش مصنوعی در نظام حقوقی ایران تدوین نشده است، باید به این امر توجه شود که نخستین قانون مصوب مجلس به صورت آزمایشی و برای چندین سال معین به تصویب برسد تا امکان بازنگری در آن موردنظر قرار بگیرد.

حفاظت از اطلاعات و داده ها در سامانه های هوش مصنوعی که در دستگاه قضایی بکار گرفته می شوند، یکی از اهداف اساسی در تنظیم گری قانونی باید باشد.

منابع

الف - فارسی

۱- کتب

۱- السنهوری، عبدالرزاق احمد؛ الوسیط فی شرح القانون المدنی، جلد دوم، چاپ لبنان،

۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوقی، چاپ دهم، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸،

۳- صفار، محمد جواد، شخصیت حقوقی، چاپ اول، دانا، تهران: ۱۳۷۳

۴- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، ضمان قهری مسئولیت مدنی چاپ دوم انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۹

۵- کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، زمستان ۷۴،

۶- لور راسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتري، تهران، نشر حقوق دان، چاپ اول، ۱۳۷۵ش،

۷- محمد جعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، شماره ۵۱۲۳،

۸- ملکوتی رسول، مسئولیت مدنی دولت چاپ اول، مجد تهران ۹۶،

۹- میشل لوراسا، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتري، تهران نشر حقوقدانان، ۱۳۷۵،

۲- مقالات

- ۱- ابراهیم پور، مجید، «گزیده منشور جهانی حق به شهر»، انسان شناسی و فرهنگ، شماره ۱۴، ۱۳۹۳
- ۲- امیر شاه کرمی، سید حمید؛ بررسی کاربرد هوش مصنوعی در نظام حقوقی علائم تجاری، فصلنامه سیاست گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱
- ۳- بادینی، حسن و دیگران؛ تاثیر اصل جبران کامل خسارات در شیوه های عینی و انتزاع ارزیابی خسارت در بیع بین المللی کالا، فصلنامه پژوهشنامه حقوق تطبیقی، دوره ۲۰، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵
- ۴- بادینی، حسن و فروزان بروجنی، فرناز؛ نگرش تحلیلی به امکان فسخ قرارداد با وجود ممکن بودن اجرای عین تعهد در حقوق ایران و آلمان، **مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز**، ۱۰، ۱، بهار (۱۳۹۷)
- ۵- بنایی اسکویی، مجید؛ تعدیل قرارداد در صورت حدوث تعذر مالی، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲
- ۶- بیگدلی، سعید؛ تطبیق دیدگاه آندره تنک در خصوص مبنای مسئولیت مدنی و قراردادی با موضع قانون مدنی ایران، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳
- ۷- پورسید، بهزاد و مطهرپور، محمود؛ نقض تعهدات قراردادی و طرق جبران آن با مروری بر آرای قضایی و نظریات مشورتی اداره حقوقی، فصلنامه تحقیقات قضایی، ۱۳۹۴

۸- جنیدی، لعیّا و تخشید، زهرا؛ دفاع در برابر مسئولیت مدنی ناشی از خطای بی احتیاطی بر مبنای تقصیر زیان دیده با تأکید بر حقوق آمریکا، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۹۲، ۱۳۹۸،

۹- حاجی عزیزی، بیژن؛ روش های جبران خسارت در مسئولیت مدنی، دو ماهنامه علمی- پژوهشی دانشور، دانشگاه شاهد، دی ۱۳۸۰، سال نهم

۱۰- خادم رضوی، قاسم ؛ نوعی، الیاس و مهرپویان، آزاده؛ رابطه سببیت در مسئولیت ناشی از بی احتیاطی؛ نگاهی تطبیقی به حقوق مسئولیت مدنی ایران و انگلستان ؛ فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال سوم، شماره دهم، بهار ۱۳۹۴

۱۱- خانی، محمد مسئولیت مدنی دولت، نشریه وکالت سال ۱۳۸۷ شماره ۳۵-۳۶

۱۲- داورمنش، عباس، هوش، ماهنامه پیوند، شمارگان ۸۹ و ۹۰، ۱۳۶۵

۱۳- راستاد، مجتبی؛ تعدیل ناشی از اجرای قرارداد در قراردادهای پیمانکاری، اولین کنفرانس پژوهش های نوین علمی در زمینه مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، ۱۳۹۶

۱۴- رووف، علی؛ هوش چیست، مدارس کارآمد، شماره هشتم، ۱۳۸۸

۱۵- زارعی، محمد حسین و مولایی، آیت، ۱۳۹۲؛ آسیب شناسی ویژگی های قرارداد اداری ایران در مقایسه با حقوق آمریکا و انگلستان، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۶۳

۱۶- سرتیپ زاده، رحمت الله و غفاری، مجتبی؛ ارکان و شرایط مسئولیت مدنی دولت برای جبران خسارت، کنفرانس ملی اندیشه های نوین و خلاق

در مدیریت، حسابداری، مطالعات حقوقی و اجتماعی، موسسه آموزشی
علامه خویی

۱۷- شعبانی، مهدی و باقری، احمد؛ بازنگری فقهی در مشروعیت و پی آمد
غبن حادث، فصلنامه فقه و اصول، سال پنجاهم، شماره ۱، شماره پیاپی
۱۱۲، بهار ۱۳۹۷

۱۸- صادقی، حسین و ناصر، مهدی؛ چالش های اخلاقی و حقوقی آیین نامه
اتحادیه اروپا در ساز و کارهای هوش مصنوعی در حوزه سلامت، مجله
اخلاق زیستی، دوره دهم، شماره سی و پنجم، ۱۳۹۹

۱۹- صفری، پرویز و صوفی قادری، معصومه؛ فصلنامه فقه و مبانی حقوق
اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۹۳

۲۰- علوی قزوینی، سیدعلی و وکیلی مقدم، محمد حسین؛ بازنگری در مفاد
قرارداد، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، سال اول، شماره اول، پاییز-زمستان
۱۳۸۹

۲۱- فراهتی، مرضیه و دیگران؛ بررسی فقهی حقوقی طرق جبران خسارت
ناشی از نقض تعهدات قراردادی در پرتو آموزه های اخلاقی، مجله اخلاق
زیستی، ویژه نامه حقوق شهروندی، پاییز ۱۳۹۷

۲۲- فلاح زاده، علی محمد و پرسا، محمد، ۱۳۹۲؛ فسخ قرارداد پیمانکاری
از ناحیه کارفرما، فصلنامه نقد - رای، سال دوم، شماره چهارم و پنجم.

۲۳- مرادزاده، حسن و رضوی، فهیمه سادات؛ شیوه های جبران خسارت
معنوی در زندگی مشترک زوجین، فصلنامه فقه و حقوق خانواده، سال
بیست و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۶۴

۲۴- موسی حسینی، افسانه؛ مسئولیت مدنی و مطالعه تطبیقی آن در حقوق ایران و آمریکا، همایش مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی، ۱۳۹۸
 ۲۵- نازی، مهدی و دیگران؛ بررسی تقصیر زیان دیده در مسئولیت مدنی، دومین کنفرانس بین المللی نوآوری در علوم و تکنولوژی، سنگاپور، ۱۳۹۵
 ۲۶- نصیری، مرتضی و دیگران، مطالعه تطبیقی حق تعلیق و حق حبس در حقوق داخلی و قرارداد نمونه فیدیک، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه نامه حقوق، بهار ۱۳۸۴

۲۷- نعمت الهی، اسماعیل و دیگران؛ خسارت های جانبی در نظام های حقوقی کامن لا، رمی- ژرمنی و ایران، فصلنامه حقوق تطبیقی، سال پانزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۲۸- نیازی نخعی، علی؛ جبران ضرر با توجه به قانون و فقه، کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی، ۱۳۹۷

۳- پایان نامه

۱- رضوانیان، صدیقه؛ هوش مصنوعی در نظام مالکیت فکری، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق مالکیت فکری، دانشگاه قم، تابستان ۱۳۹۸
 ۲- کیا، مائده السادات؛ هوش مصنوعی: موضوع حقوق شخصیت یا حقوق اختراع، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۸

ب-انگلیسی

A-Books

- 1-Arvind, T. T. , “ Contract Law ” , Oxford University Press, 2019
- 2-Badini, Hassan (2005), Philosophy of Civil Liability, First Edition, Tehran, Publishing Company Publication,
- 3-Barfield, Woodrow and Pagallo, Ugo , “ Advanced Introduction to Law and Artificial Intelligence” , Edward Elgar Publishing, 2020
- 4-Brunner, Christoph, “ Force Majeure and Hardship Under General Contract Principles: Exemption for Non-performance in International Arbitration ” , Kluwer Law International B.V., 2009
- 5-Chakraborty, Utpal , “ Artificial Intelligence and the Fourth Industrial Revolution” , CRC Press, 2022
- 6-Hansen, Karen and Zenobia, Kent,(2011) " Civil Engineer's Handbook of Professional Practic" , John Wiley & Sons
- 7-Hutchison, Andrew and Myburgh, Franziska, “ Research Handbook on International Commercial Contracts ” , Edward Elgar Publishing, 2020
- 8-Kurki, Visa A.J. and Pietrzykowski, Tomasz, “ Legal Personhood: Animals, Artificial Intelligence and the Unborn” , Springer, 2017
- 9- Lin, Patrick et al , “ Robot Ethics: The Ethical and Social Implications of Robotics ” , MIT Press, 2012
- Mastracci, Marco, “ The International Distribution Agreement: A Practical Approach 10-to Transnational Contracting across the European Union, the United States and Latin America (2nd edition) ” , Universal-Publishers, 2020 , p 280 .

- 11-McKendrick, Ewan, “ Force Majeure and Frustration of Contract ‘ ’ , CRC Press, 2013
- 12-Montasari, Reza, “ Artificial Intelligence and National Security” , Springer Nature, 2022,
- 13- Nissan, Ephraim, “ Computer Applications for Handling Legal Evidence, Police Investigation and Case Argumentation” , Springer Science & Business Media, 2012.
- 14-Ramus, Jack; Birchall, Simon and Griffiths, Phil ,(2006) " Contract Practice for Surveyors " , Routledge
- 15-Rébé, Nathalie , “ Artificial Intelligence: Robot Law, Policy and Ethics” , BRILL, 2021,
- 16-Sindberg, Kim, ‘ ’ CoronAdvice: covid-19 from a Trade Finance perspective ‘ ’ , BoD – Books on Demand, 2020
- 17-Tuffery, Stephane , “ Deep Learning: From Big Data to Artificial Intelligence with R” , John Wiley & Sons, 2022
- 18-Ugail, Hassan, “ Deep Learning in Visual Computing: Explanations and Examples” , CRC Press, 2022
- 19-Walters, Robert and Novak, Marko, “ Cyber Security, Artificial Intelligence, Data Protection & the Law” , Springer Nature, 2021
- 20-Yi, Chae-min and Lee, Jaemin, “ Artificial Intelligence and International Law” , Springer Nature, 2022
- 21-Yılmaztekin, Hasan Kadir , “ Artificial Intelligence, Design Law and Fashion” , Taylor & Francis, 2022
- 22-Završnik, Ales and Simoncic, Katja, “ Artificial intelligence, social harms and human rights” , Palgrave Macmillan, Cham, 2023
- 23-Zekos, Georgios I. , “ Economics and Law of Artificial Intelligence: Finance, Economic Impacts, Risk Management and Governance” , Springer Nature, 2021



B-Articles

- 1-Dietrich Maskow, Hardship and Force Majeure, 1992 Am. J. Comp. L. 657, 658 (1992),.
- 2-Draetta, Ugo, Force Majeure Clauses in International Trade Practice, 5 Int'l Bus. L. J. 547 (1996),.
- 3-European Parliament , ‘ ‘ Atrifical Intellegence and Civil Libility ‘ ‘ , Policy Department for Citizens' Rights and Constitutional Affairs Directorate-General for Internal Policies
- 4-European Parliament , ‘ ‘ Civil Rules on Robotics ‘ ‘ , May 2017
- 5-M. (J.) v. Bradley (sub nom. M. (J.) v. B. (W.))(2004), 71 O.R. (3d) 171 (C.A.) at para. 65 [QL]
- 6-P.J.M. DeClercq, Modern Analysis of the Legal Effect of Force Majeure Clauses in Situations of Commercial Impracticability, 15 J.L. & Com. 213, 255 note 18 (1995).
- 7-Potember ,Richard , , “Perspectives On Research In Artificial Intelligence And General Relavant To Dod”, ۲۰۱۷
- 8-Rajan ,K., Saffiotti,. A.,(2017),“Towards A Science Of Integrated Ai And Robotics”,Artif. Intell,P 1.[Http://Dx.Doi.Org/10.1016/J.Artint.2017.03.00](http://Dx.Doi.Org/10.1016/J.Artint.2017.03.00)
- 9-Santosusoo,A et al , ‘ ‘ Robots, market and civil liability: a European perspective ‘ ‘ , Confrence Paper , 2012

C-Documents

- 1-[AI Bill of Rights](#)
- 2-[AI Bill of Rights](#)
- 3-Artificial Intelligence at Google : Our Principles “
- 4-Artificial Intelligence Action Plan
- 5-Artificial Intelligence Video Interview Act
- 6-Artificial Intelligence Video Interview Act
- 7-Ethical Principles for Artificial Intelligence
- 8-General Data Protection Regulation (GDPR)
- 9-Guidelines for the Use of Artificial Intelligence “
- 10-Restatement (Second) of Contracts 261 (1979).
- 11-the California Age-Appropriate Design Code Act
- 12-the California Age-Appropriate Design Code Act
- 13-The UNESCO Recommendation on the Ethics of Artificial Intelligence
- 14-Uniform Commercial Code
- 15-Uniform Commercial Code, 2-615 (1979)